

# آینده

د افغانستان د خلکو نوی گوند مرکزی ارگان

دور دوم، شماره اول

ماه عقرب ۱۳۹۶ مطابق ماه اکتوبر ۲۰۱۷

اسناد اولین کنگره حزب نوین مردم افغانستان

کنگره اساسگذار حزب نوین مردم افغانستان با اشتراک نماینده گان «شورای تفاهم برای وحدت نیرو های دموکرات، ترقیخواه و طرفدار عدالت»، «نهضت آینده افغانستان» و «کمیسون انسجام اعضای حزب وطن و کلیه نیروهای وطندوست» مطابق میکانیزم اساسگذاری حزب جدید مصوب هیئت رئیسه ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان مورخ اول ثور ۱۳۹۵ و فیصله های کمیته رهبری و انسجام برگزاری کنگره اساسگذار حزب جدید مصوب اجلاس مشترک هیئت های رهبری سه سازمان نامبرده مورخ ۱۴ اسد ۱۳۹۵، به تاریخ ۲۶ عقرب ۱۳۹۵ در شهر کابل دایر گردید.

گزارش کمیته رهبری و انسجام برگزاری کنگره توسط رفیق عبدالله نایبی رئیس آن کمیته به کنگره ارایه گردید. سپس طرحهای مرانامه و اساسنامه حزب جدید که از سوی کمیته نامبرده آماده گردیده بودند مورد بحث قرار گرفتند که پس از پاره یی تغییرات به اتفاق آرا به تصویب رسیدند. کنگره نام حزب جدید را به اتفاق آرا "حزب نوین مردم افغانستان" برگزید.

کنگره اعضای شورای مرکزی حزب نوین مردم افغانستان، رئیس حزب و رئیس کمیسیون نظارت و بررسی حزب را با اتفاق آرا انتخاب کرد. کار کنگره در فضای پر شور و پیکار جوانانه، توأم با تعهد رفیقانه برای تحقق فیصله های تاریخی آن عصر همان روز به پایان رسید.

نخستین پلنوم شورای مرکزی حزب نوین مردم افغانستان به تاریخ ۲۶ عقرب ۱۳۹۵ دایر گردید. پلنوم اعضای هیئت اجراییه شورای مرکزی حزب را برگزید و رفقا پوهندوی عبدالرازق اسمر و پوهنمل داکتر خان میر غیور را به حیث معاونان رئیس حزب انتخاب کرد.

هیئت اجراییه منتخب طی نخستین اجلاس خود اعضای دارالانشای شورای مرکزی حزب را تعیین کرد.

گزارش کمیته رهبری و انسجام

برگزاری کنگره اساسگذار حزب جدید

کابل ۲۶ عقرب ۱۳۹۵

رفقای گرامی،

نماینده گان کنگره اساسگذار حزب،

برای من جای افتخار بزرگیست که به نماینده گی از کمیته رهبری و انسجام برگزاری کنگره حاضر گزارشی به کنگره اساسگذار حزب ما ارایه میکنم که تحلیلی از وضعیت کنونی جامعه ما، جنبش مترقی افغانی، وضعیت گیتی و گذشته جنبش انقلابی جهانی است.

از فروپاشی حزب - دولت دموکراتیک افغانستان تا کنون سازمان بزرگی که بتواند در عرصه سیاسی کشور ممثل آرمانها، مطالبات و منافع خلق زحمتکش و ستمدیده افغانستان باشد، شکل نکرده است. ما اینک سنگبنای چنین سازمانی را می گذاریم و با شجاعت و هشیاری برای متشکل ساختن ده ها هزار انسان زحمتکش و جوانان بیدار و آگاه به مبارزه شکیبای دسته جمعی می پردازیم. تلاشهای مشترک ما در چوکات ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان برای تأسیس یک حزب بزرگ به اساس پلاتفورم آن ائتلاف به نتیجه نهایی خود نرسیدند. باقیمانده در صفحه دوم

در این شماره:

خبر کنگره اساسگذار (ص، ۱)، گزارش کمیته رهبری و انسجام برگزاری کنگره (ص، ۱)، پیام کنگره به زنان و دختران افغانستان (ص، ۹)، متن دری و متن پشتوی اساسنامه حزب نوین مردم افغانستان (ص، ۱۰)، متن دری و متن پشتوی مرانامه حزب نوین مردم افغانستان (ص، ۱۶)، پیام کنگره حزب نوین مردم افغانستان به کارگران، کارکنان و پیشه وران کشور (ص، ۲۹)، دهبواد تولو دهبوکراتو و پرمختگیپالو گوندونو او سازمانونو ته د افغانستان د خلکو نوی گوند د بنسبیزی کنگری پیغام (ص، ۳۰)، پیام کنگره اساسگذار حزب نوین مردم افغانستان عنوانی نسل جوان کشور (ص، ۳۱)، دهبواد د خوان او ودی په حال کی نسل ته د افغانستان د خلکو نوی گوند د بنسب ایشوونکی کنگری پیغام (ص، ۳۱)، فشرده سخنرانی عبدالله نایبی رئیس حزب مردم افغانستان (ص، ۳۲)، اعلام اساسگذاری حزب نوین مردم افغانستان (ص، ۳۲)

## باقیمانده صفحه اول

علاقه مندی شماری از نهادهای مشمول ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان به شرکت در دستگاه حاکمیت کنونی به خاطر به دست آوردن امتیازات و تلاش آنها برای داشتن تفوق ناموجه در حزب واحد، برنامه اولی ما را اخلاص کرد. حزبی که امروز به تأسیس آن اقدام میکنیم باید به چنان اقداماتی دست یازد که خلای نبودن یک سازمان پیشرو و متعلق به دنیای کار را بر کند و خود به محرک جنبش مردمی و دموکراتیک کشور مبدل گردد. حزب ما استراتژی مطروحه در پلاتفورم ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان را برای متحد ساختن نیرو های مترقی کماکان دنبال خواهد کرد.

حزب ما در شرایط بسیار حساس تاریخ کشور به فعالیت خود آغاز میکند. وضعیتی که در آن قرار داریم خواهان طرح ریزی یک برنامه دقیق ولی متکی به خواستههای مردم و مطالبات حرکت ترقیجویانه اجتماعی است. تحلیل این وضعیت نخستین مرحله اقدامات بنیادی ما را تشکیل میدهد.

## بخش اول: وضعیت کنونی جامعه افغانی

## ۱. ماهیت نظام و توهم وجود و عملکرد دموکراسی،

صورت کلی نظام سیاسی کنونی افغانستان توسط امریکا - ناتو هنگامی طرح ریزی شد که از پی شکست و فروپاشی امارت طالبی خلای قدرت به وجود آمد. با فروپاشی الیگارش طالبی، دستگاه اعمال قدرت (دولت) که فاقد قوای مسلح شده بود، به چند اداره به میراث مانده از نظامهای پیشین - و در حد اعلی ناکارا و فاقد کادرهای مسلکی - خلاصه می شد. معضله بی که در برابر کارگزاران ناتو - امریکا قرار گرفت جوانب گوناگون داشت:

- نبود دستگاه دولتی،

- خلای قدرت،

- منشای مشروعیت و همپیوند با آن مسأله مرجعیت (اتوریته).

امریکا - ناتو زیر شعار مبارزه با تروریسم، دفاع از حقوق بشر و به ویژه استقرار دموکراسی به افغانستان لشکر کشی کردند. با آنکه پیش کشیدن شعار استقرار دموکراسی یک عوامفریبی محض بود و تنها به خاطر جلب اذهان عامه جهانی در جهت پشتیبانی از اشغال افغانستان مطرح گردیده بود، از پی به قدرت رساندن گروه های جهادی که به حیث قدرتهای کوچک محلی در سراسر کشور پراکنده بودند و بین خود سالها جنگیده بودند، در این زمینه اقدام نماید.

## الف - مسأله دموکراسی:

حاکمیت گروه های جهادی برنده و به تبعیت از آن، پراکنده گی قدرت که ضامن حفظ و گسترش امتیازات و منافع این گروه ها در حوزه های محدود جغرافیایی بود، با ایجاد یک نظام متمرکز مبتنی بر تبارز اراده عمومی مردم افغانستان کاملاً مغایرت داشت.

تناقض بین منافع گروهی - محلی سروران جهادی و پاکبیری یک دولت متمرکز که زمینه را برای متمرکز ساختن قدرت فراهم سازد، گره جوهری معضلات سیاسی افغانستان تحت اشغال ناتو - امریکا شد.

نخست از همه باید قانون اساسی برای کشور تدوین می شد. تدوین یک قانون اساسی کار مشکلی نبود، اما مسأله بر سر مرجع مشروعیت دهنده این قانون اساسی بود. تناقض در نظام از همان طرح قانون اساسی آغاز شد. از یک سو ماهیت دولت افغانستان اسلامی خوانده شد و از سوی دیگر آن را مبتنی بر دموکراسی و قانونیت اعلام کردند. بین مذهبی بودن و دموکراتیک بودن باید یکی انتخاب شود چون مسأله بر سر صورت یا فورم نظام نیست، بل، مسأله بر سر منشأ یا مصدر مشروعیت و کسب مرجعیت است.

## ب - اشغال و مشروعیت:

در جریان حضور نیروهای نظامی امریکا - ناتو در افغانستان، مصدر قدرت افغانی چیز دیگری جز قدرت امریکا - ناتو بوده نمی توانست. مقام ریاست جمهوری به حیث یک مرجع، بخشی از قدرت امریکا - ناتو را به دست آورد. کرزی و سپس غنی - عبدالله عمدتاً به حیث نماینده گان امریکا - ناتو در افغانستان، هویت یافته اند تا به حیث نماینده گان افغانستان در کشور و در مجامع بین المللی.

وقتی مشروعیت قدرت بر نیروهای بیگانه اشغال تکیه داشته باشد قانون اساسی کشور فاقد ظرفیت تحقق یابی می گردد. قانون اساسی بازیچه بی می شود که در لحظه های جشنی و مراسمی برای اغوا کردن ساده دلان شهر و ده، در ویتترین اعلانات سیاسی به نمایش گذاشته می شود.

بخش آگاه روشنفکران افغانی معلق بودن دایمی قانون اساسی کشور را کاملاً دریافته است و پرتگاه عبور ناپذیر بین قانون اساسی و قدرت دست نشانده از سوی ناتو - امریکا را به حیث معضله بنیادی نظام سیاسی افغانستان، نشانی کرده است.

از آنچه گفته شد این نتیجه به دست می آید که بین قانون اساسی کشور و قدرت بالفعل امروزی هیچ گونه رابطه بی وجود ندارد یعنی تمرکز قدرت در دست رئیس جمهور و رئیس اجراییه واقعیتی است غیرقانونی که توسط نیرو های بیگانه مسلط بر سرنوشت کشور به آنان ارزانی داشته شده است، نی از طریق قانون اساسی کشور.

وقتی بسیاری از آگاهان سیاسی کشور، امضای پیمان استراتژیک نظامی بین افغانستان و امریکا را به سود کشور ارزیابی می کنند به همین نکته توجه دارند که در صورت نبود هیچ گونه پیوندی بین امریکا و قدرت در افغانستان، خلای قدرت در افغانستان به وجود خواهد آمد و نظام از هم فرو خواهد پاشید و زمینه برای برگشت حاکمیت گماشته گان پاکستان فراهم خواهد گردید.

## ۲. انتخابات ریاست جمهوری،

وجود دموکراسی افغانی، توهمی بیش نیست که اذهان ساده دلان را فرا گرفته است. نفس دموکراسی، گذار قانونمند اراده اکثریت (از طریق انتخابات آزاد و بدون تقلب، مستقیم یا غیر مستقیم) به یک نماینده یا چند نماینده است. قدرت از همین گذار واقعی اراده اکثریت مایه می گیرد، آنهم مطابق به قانون اساسی. اما انتخابات در افغانستان فاقد دو شرط الزامی بود: نبود چوکات قانون اساسی مشروع و نبود زمینه برای تبارز اراده های واقعی (نی اراده هایی که چون متاع در بازار انتخابات خریده شدند و بدین گونه از جوهر خود به حیث توانمندی عمل کردن، تهی شدند). در چنین شرایطی، نتیجه آنچه انتخابات خوانده شد، نمی توانست تبارز اراده کلی یا اراده اکثریت باشد. در انتخابات اخیر ریاست جمهوری، صف بندی نا متجانس نیروها و محافل در اطراف دو نامزد، آشکار ساخت که بین آنها کدام تفاوت سرشتی وجود ندارد. تشکیل یک حاکمیت دو سر از سوی آنها هیچ گونه معضله بنیادی سیاسی افغانستان را حل نکرد، بل، خود به حیث یک معضله جدید در وضعیت سیاسی کشور افزوده شد.

## پیامدهای حاکمیت ایتلافی از این قرار اند:

- بی ثباتی جدی تر وضعیت سیاسی و گسترش بی امنیتی،
- برهم خوردن روند ملی شدن قوای مسلح،
- فراهم شدن بهانه برای تداوم حضور نظامی امریکا،
- افزایش مداخله کشورهای همسایه،



اصیل دموکراتیک، مترقی و مدافع منافع مردم در وضعیت سیاسی حضور مؤثر و فعال ندارند تا به پارلمان راه یابند و بر سیر تاریخ اثر بگذارند، آنچه کودتاچیان به حیث تبدیل به این نظام عنوان می کنند، برای آینده نزدیک کشور بدتر از این نظام خواهد بود زیرا دیکتاتوری شبکه بی آنان به یک دیکتاتوری منسجم دولتی مبدل خواهد شد. سؤ استفاده تاکتیکی نیرو های ارتجاع جهادی از استقرار نظام پارلمانی به هیچ وجه به معنای دلبسته گی آنها به دموکراسی واقعی نبوده، بل، نیرنگی برای راهیابی به عالی ترین مرجع قدرت به خاطر حفظ امتیازات به دست آمده از پی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است.

**جمهوری دموکراتیک** که شعار نیرو های مترقی و دموکراتیک است ماهیت عمیقاً مردمی داشته، حافظ منافع توده های عظیم مردم است و با "پارلمان بازی" ارتجاع کنونی افغانی از بنیاد در تناقض قرار دارد.

#### ۴. وضع زنده گی مردم،

انارشی و رکود اقتصادی همراه با دیکتاتوری شبکه بی سیاسی - نظامی گروههای جهادی - مافیایی حاکم، زمینه های شیوع فساد را در سراسر نهادهای اقتصادی و سیاسی کشور فراهم ساخت. مافیای مواد مخدر چنان شریانهای قدرت و اقتصاد را در دست دارند که می شود به جای «نارکو - دولت»، از «نارکو - نظام» سخن گفت. درآمد سالیانه از طریق زرع و قاچاق مواد مخدر بیش از پنج برابر بودجه سالیانه دستگاه حکومتی است. پیش گرفتن سیاست اقتصادی لجام گسیخته زیر عنوان «بازار آزاد»، ایجاد سهولتهای بیسابقه برای سرمایه گذارهای خارجی، تخصیص دادن ملیاردها دالر به عنوان بازسازی افغانستان، فعال ساختن بیش از چهارهزار و پنجصد انجو به حیث میکانیزم رفع اصطکاکهای اجتماعی - اقتصادی و ترویج فساد مالی، تمویل مستقیم قوای مسلح کشور از سوی امریکا و دیگر برنامه ها و اقدامهای هدفمند، نتوانستند حداقل پایه های یک اقتصاد سالم ملی را در کشور پیریزی کنند.

نابرابریهای طبقاتی و فاصله میان فقر و ثروت وسیعتر و ژرفتر میشود؛ گرانی، بی سرپناهی، عدم دسترسی به امکانات آموزشی و پرورشی به گونه روز افزون دامنگیر بخشهای بیشتر مردم و خانواده های زحمتکش میگردند.

وضع اقتصادی مردم، به ویژه لایه های پایینی جامعه رو به وخامت گذاشته از جمله ۱۲ میلیون جمعیت مستعد به کار بیشتر از ۴۰ در صد آن بیکار اند.

بازسازی کشور از لحاظ اقتصادی از محدوده شعارهای تبلیغاتی فرا تر نرفته است. مؤسسات و تصدیهای دولتی که به مردم تعلق دارند، به حراج گذاشته شده اند، میلیونها جریب زمین دولتی و ملکیتهای عامه به وسیله زورمندان و مافیای زمین غضب گردیده، دهقانان بیدفاع و مالداران مظلوم از بالای زمینها و علفچرهای شان رانده میشوند، قشر میانه حال دهقانان اکثراً به کارگران زراعتی و موسومی و یا کارگران روزمزد تبدیل میگردند.

سرمایه گذاری در بخش زراعت کمتر از یک در صد را تشکیل میدهد، این در حالیست، که ۸۰ در صد جمعیت کشور برای معیشت شان به شدت به زراعت متکی اند؛ حدود پنج میلیون انسان کشور به قلت مواد غذایی رو به رو اند؛ بیشتر از یک میلیون طفل خورد سال و بیشتر از نیم میلیون زن به دلیل سؤ تغذیه با خطر مرگ مواجه اند.

پیوندهای قومی، قبیله ای، زبانی و سمتی به معیارهای جدی تعلقهای سیاسی مبدل گشته اند. این رویکرد به روابط شجره ای، گواه دیگری از تناقضهای بنیادی در افغانستان است که خود مانع انکشاف متوازن اقتصادی - اجتماعی، پیشرفت، و ترقی می گردد. در حالی که معیار عملکرد مراکز ←

- تداوم حاکمیت ارتجاع قرون وسطایی،

- شیوع بیشتر فساد در جامعه،

#### ۳. حکومت وحدت ملی یا "جنگ موضعی" طبقاتی در کابل،

توافقنامه سیاسی بین دو مقام ریاست جمهوری همزمان با این که حاوی تناقضات بسیار آشکار است، روی یک خواست بنیادی سیاسی یعنی پایه گذاری یک نظام پارلمانی و ایجاد مقام صدراعظم از طریق تعدیل قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان (در فاصله بین دو سال پس از تاریخ امضای توافقنامه) استوار است. گروه های حلقه زده به دور رئیس اجراییه درفشدار این داعیه اند و تلاش دارند تا حضور خود را در چوکات نظام پارلمانی قانونیت و تداوم ببخشند.

#### وضعیت پراکنده متنفذین و سران جهادی از نگاه سیاسی -

تشکیلاتی نمی تواند حافظ منافع طبقاتی آنها باشد. آنان کاملاً دریافته اند که تمرکز قدرت در ریاست جمهوری در شرایطی که قوای مسلح کشور نشانه هایی از انسجام و رزمنده گی را از خود تبارز می دهند، با منافع آنان همسویی ندارد. در چنین وضعی یکی از راه های ممکن برای تصاحب بخشی از قدرت و برپاداشتن یک یا چند نهاد حزبی، تضعیف نظام ریاستی و تأسیس نظام پارلمانیست. تلاش گروه های جهادی این است تا پارلمان به وجود آید و بخشی از نماینده گان سیاسی شان به آن، نهادهای سیاسی پا برجای خود را در وجود فرکسیونهای پارلمانی (که هر کدام به حیث کمیته مرکزی حزب بعدی فعالیت خواهد کرد) اساس بگذارند.

طرح گروه های جهادی در واقع طرح یک کودتا علیه نظام ریاستی است تا بتواند از این طریق به اهداف زیر نایل شوند:

۱- حکومت را به حیث قدرت اجرائیه به دست گیرند،

۲- پارلمان را به حیث کانون احزاب سیاسی از یک سو و قوه مقننه از سوی دیگر در اختیار خود بگیرند و قوانین کشور را در راستای حفظ و گسترش منافع طبقاتی و گروهی خود نافذ نمایند.

۳- نفوذهای کوچک محلی خود را در پارلمان به یک نفوذ سراسری مبدل سازند و از طریق این نوع مشروعیت، ادعای اعتبار یا مرجعیت (اتوریت) کنند.

نیروهایی که به دور اشرف غنی احمد زی حلقه زده اند عمدتاً متشکل از تکنوکراتهای وابسته به امریکا، کارمندان ارشد دولتی و ساختارهای سیاسی، قومی و مذهبی که برخی از آنها در گذشته با حزب - دولت دموکراتیک رابطه داشتند، تشکیل یافته اند. آوردن حزب اسلامی در صحنه فعال سیاسی کشور تلاشی به منظور ایجاد یک پایگاه جهادی برای ریاست جمهوری است. این نیرو ها حاضر نیستند همه قدرت را با تیم رقیب تقسیم کنند.

آشکار است که در کشمکشهای سیاسی کنونی کابل یک غیرحاضر دیمی وجود دارد و آن قانون اساسی کشور است. حکومت وحدت ملی در واقعیت امر آغاز یک کودتا علیه نظام است، نظامی که تا ژرفا در فساد و تعصب و عملکرد ضد مردمی غرق است. اما متأسفانه در شرایط کنونی که نیروهای

## ب - جهانی شدن سرمایه داری و پیامدهای آن برای افغانستان،

تاریخ ۲۵ سال گذشته نشان داد که همراه با فروپاشی نظام سوسیالیسم دولتی روند جهانی شدن سرمایه داری **شتابان** گردید. سرمایه داری از آغاز یک نظام جهانخواه بوده است و گسترش جغرافیایی آن جزئی از منطق انکشاف آن است. از چهار قرن به این سو کالاها و سرمایه پیوسته سرحدات را عبور کرده اند. هیچ منطقه تولید کننده بی وجود ندارد که به تنهایی و بی نیاز از دیگر مناطق به انکشاف خود دست یافته باشد. در جریان این چهار سده که از انکشاف سرمایه داری میگذرد، کشورهای تولیدکننده محصولات خود را در هر جا که امکان داشته است، به فروش رسانده اند. در جهان سرمایه داری دوران سرمایه، دوران محصولات و دوران کار (با انتقال کارگران از یک محل به محل دیگر) یک امر دائمی بوده و در آن رقابت همیشه وجود داشته است. منظره سرمایه داری امروز چنین است: جهان امروزی از نگاه سه عنصر اساسی اقتصادی مبنی بر **تولید، مبادله و کار** به سه بخش تقسیم میشود: ۱- مراکز سرمایه داری (متروپولهای سرمایه)، ۲- کشورهای پیرامونی و ۳- کشورهای نیمه پیرامونی.

سرمایه، تکنالوژی و اطلاعات بیشترین در مراکز قرار دارند و نیروی کار در کشورهای پیرامونی.

جهانی شدن سرمایه داری روندیست که همه کشورهای را احتوا میکند ولی عمق و پهنای آن وابسته به شرایط هر یک از کشورهای پیرامونی و نیمه پیرامونی است. شتاب سرسام آور آن در چین، هند یا برازیل نسبت به گندی آن در کشورهای افریقای برجسته گی می یابد.

**افغانستان با آن که در محراق معضله های جهان قرار دارد، از دورترین دایره های پیرامون سرمایه داری به شمار میرود.**

در جریان ۱۵ سال که از سیادت نظامی و سیاسی امریکا - ناتو بر افغانستان میگذرد، حاکمیت های افغانستان از نگاه اقتصادی، به اراده خود، به فرمایش نهادهای مالی سرمایه جهانی چون صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و مشوره مستقیم کار شناسان غربی تعبیه شده در ارگانهای دولت، **راه انکشاف سرمایه داری لیبرال افسارگسیخته و حراج داراییهای دولتی و عامه را** پیش گرفتند و این راه را بدون در نظر داشت ویژه گیهای اقتصادی سرزمین افغانستان درج قانون اساسی کشور کردند.

سیاست اقتصادی حاکمیت در جهت تشویق سرمایه داری با واگذاری امتیازهای کلان به سرمایه خارجی (بی نظیر در دیگر کشورها) سیر کرد.

گسترش دستگاه اداری حاکمیت از یک سو و سرازیر شدن ملیاردها دالر به کشور، پیوند یابی بخشی از مقامات اداره امور با نماینده گان، مقامات و دستگاه های اداری - نظامی ناتو - امریکا و کشورهای همسایه، زمینه یی را فراهم ساختند تا **یک قشر متمول در درون بیروکراسی افغانستان ظهور کند. این قشر نو ظهور به طور نسبی از ثروت، قدرت و رفاه برخوردار است و روز تا روز پُر شمارتر و نیرومند تر میگردد.** شناخت ویژه گیهای اقتصادی این قشر برای **پیشبرد مبارزات توده های زحمتکش از اهمیت بنیادی برخوردار است.**

- این قشر یک قشر غیر مؤدل است. یعنی بیرون از پروسه تولید ارزش قرار دارد؛ از این دیدگاه یک قشر طفیلی و مفتخوار است.
- برخی از اعضای این قشر به داد و ستد یا تجارت نیز مشغول اند، چی تجارت رسمی باشد، یا غیر رسمی (آنچه که معمولاً قاچاق نامیده میشود).
- گروهی هم از طریق حصول رایگان و چپاولگرانه زمین های دولتی، خرید یا اعمار جایدادهای غیر منقول، درآمدهای بزرگی را از طریق ←

قدرت، وابسته گیهای تباری باشد، چگونه میتوان از تعمیق دموکراسی که بر اصل مفهوم «شهروند» استوار است، صحبت کرد، در حالی که تعلق زبانی و قومی معیار با اعتبار باشد؟

آخرین مطالعات مراکز پژوهشی بین المللی اعلام داشتند که افغانستان جهنمی ترین کشور برای زنان است.

آشکار است که تدام جنگ و بی امنیتی، بهانه های خوبی اند که حاکمان امروز کابل و حامیان ناتوی آنها برای توجیه وضع اسفبار زنده گی مردم پیش میکند. به یقین پایان جنگ و استقرار گونه یی از آرامش در کشور، به مردم مصیبت زده ما فرصت تنفس خواهد داد تا وسایل سیاسی را برای متبازر ساختن و به کرسی نشاندن مطالباتش به وجود آورد. جنبش مترقی افغانی نباید در دام تبلیغات ناسیونالیستی و به ظاهر میهن پرستانه این یا آن گروه وابسته به ایران و روسیه بیفتد و نباید از خط استراتژی یک مبارزه اش که دفاع از منافع زحمتکشان است، منحرف گردد. در شرایطی که چپ دموکراتیک در وضعیت سیاسی حضور ندارد و نمیتواند به حیث الترناتیف مطرح گردد، «معامله گری» فریباترین دامیست که فرا راه جنبش قرار دارد. تجارب گذشته نشان دادند که معامله گری منافع فردی معامله گران را برآورده می سازد و هیچ گونه رابطه یی با مبارزه و پیکار مترقی و دموکراتیک ندارد.

## ۵. مبارزه با تروریزم،

مبارزه واقعی با تروریزم تنها با ابزار نظامی به پیروزی نمی رسد. اگر از یک جانب ضرور است تا با توسل به ابزار های دفاعی از امنیت و زنده گی مردم کشور دفاع به عمل آید از جانب دیگر باید در پی برچیدن ریشه های اصلی تروریزم و رفع دلایلی که باعث تولید و باز تولید آن میگردد، شد.

اعمال تروریستی در همه اشکال و مظاهر آن - از جمله تروریزم دولتی - که موجب تهدید واقعی برقراری صلح و ثبات در افغانستان و بسیاری کشور های جهان گردیده و زمینه را برای استفاده از نیروی نظامی، تجاوز و اشغال آماده می سازد، باید صریحاً محکوم گردند.

## ۶. ماهیت طبقاتی حاکمیت کنونی افغانستان،

حاکمیت کنونی در اذهان عامه داخلی و جهانی به حیث یک حاکمیت خدمتگزار تمام مردم و حامی منافع ملی کشور یعنی یک حاکمیت غیر طبقاتی، معرفی گردیده است و حمایت از آن، حمایت از مردم افغانستان تبلیغ شده است. این ماهیت به ظاهر غیر طبقاتی، بخش عظیم چپ دیروزی کشور را فریفته است که بیشتر به مبلغان آتشین اقتصاد استوار بر «بازار آزاد» یعنی سرمایه داری لیبرال مبدل گردیده اند. اما واقعیت چیز دیگری است.

## الف - وابسته گی نظام کنونی،

**وابسته گی** سیاسی دولت افغانستان به قدرتهای سیاسی - نظامی جهان سرمایه داری تعیین کننده روندهای اقتصادی و اجتماعی در کشور است.

جامعه افغانی در «گذرگاه» تاریخی قرار دارد؛ جامعه ییست که در آن شیوه های گوناگون تولید عمل میکنند و هر کدام آنها در مرحله ویژه یی از انکشاف خود قرار دارند. عناصر تعیین کننده در امروز و آینده کشور اینهاست:

**یک:** وابسته بودن سرشتی دولتهواره افغانستان به بیرون،

**دو:** نقش تعیین کننده سیاست در سیستم اقتصادی کشور،

**سه:** جهانی شدن شیوه تولید سرمایه داری و تقسیم جهان به مراکز، نیمه اطراف و اطراف که باعث مبادله نابرابر و غیرعادلانه اقتصادی در سطح جهان می گردد.

رویداد های دهه اخیر به ویژه در امریکای لاتین نشان می دهند که هرچایی که دولتها در برابر یورش سرمایه سالاری مقاومت کرده اند مورد خشم امپریالیزم قرار گرفته اند. راه اندازی کودتا های سیاسی فرمایشی در برازیل و ونزوئلا علیه حکومتات مترقی منتخب مردم نمونه بارز مداخله امپریالیزم است. امپریالیزم می خواهد با شیوه های گوناگون دولتهای مستقل را یک سره از سر راه خود بردارد.

بر اساس ویژه گیهای نامبرده، میتوان خصوصیات نظام کنونی افغانستان را بر شمرد:

- در یک سوی جامعه ثروتهای بزرگ همراه با قدرت سیاسی، رفاه و تسلط اقتصادی متمرکز گردیده اند و در سوی دیگر یک اکثریت نادار فاقد قدرت.
- طبقه بورژوازی نواخته افغانی با عنصر سیاسی - نظامی بورژوازی جهانی، یعنی امریکا - ناتو پیوند دارد، بی آنکه زمینه افغانی اقتصادی آن را کدام طبقه کارگر افغانی، در چوکات مناسبات سرمایه داری، تضمین کند. بخش بزرگ بورژوازی کنونی افغانی در اقتصاد ملی کشور نقش فعال ندارد و در کلیت به حیث ابزار سیاسی - اداری ناتو عمل میکند نی به حیث یک نیروی اقتصادی انکشاف دهنده!
- بورژوازی کنونی افغانی با ایدئولوژی ارتجاعی و قرون وسطایی عجین شده است؛ لیبرالیزم اقتصادی آن در لباس ایدئولوژیهای غیر لیبرال و محافظه کارانه عرضه میشود.

از مجموع این خصوصیات چنین میتوان نتیجه گرفت: **بورژوازی افغانی و در پیوند با آن حاکمیت کنونی افغانستان به طور اجباری در یک روند سیاسی - نظامی و برخلاف منافع مردم و کشور در تاریخ معاصر افغانی ظهور کرده اند. آنها ظرفیت و ماهیت تأمین انکشاف اقتصادی، تضمین آزادیهای اجتماعی، ایجاد نهادهای ملی و دموکراتیک و دفاع از منافع علیای کشور را ندارند.**

آینده کشور هنوز یکسره و برای همیشه در اختیار امریکا - ناتو قرار نگرفته است و با وجود پیچیده گی ظاهری اوضاع، چشم انداز دیگری در برابر مردم افغانستان باز است. هنوز سرمایه داری لیبرال به حیث شیوه تولید مسلط در اقتصاد ملی کشور پا نگرفته است. بورژوازی افغانی فاقد تکیه گاه اقتصادی داخلی است و در صورت برهم خوردن مناسبات بین المللی و معاملات سیاسی - استراتژییک منطقوی، می شود نفوذ آن را در صحنه سیاسی کشور ضعیف ساخت.

#### د - چشم انداز برونرفت کشور از وضع حاضر،

همگام شدن بی بندوبار با جهانی شدن سرمایه داری در شرایطی که کشور زیر سلطه سیاسی - نظامی ناتو قرار داشته باشد یعنی فاقد یک دولت ملی مبتنی بر اراده مردم باشد، فاجعه زمینی برای آینده کشور خواهد بود.

**مبارزات طبقاتی در شرایط کنونی کشور عمدتاً در عرصه سیاسی تراکم کرده اند.** پس اتخاذ تدابیر و اقدامات بنیادی سیاسی برای ایجاد یک الترناتیف دموکراتیک و مردمی در برابر نظام کنونی ماهیت کاملاً طبقاتی دارد. تشکل چنین الترناتیفی:

- ۱- زمینه را برای گسست واقعی از روند لجام گسیخته و لیبرال گلوبالیزم آماده میکند؛
- ۲- وابسته گی حاکمیت را مرفوع ساخته، شرایط استقرار دوباره ←

فروش، کرایه یا اجاره به خود اختصاص داده اند.

در بیرون از دایره دولتی اقشار سنتی بورژوازی در کنار قشر بالا فعالیت دارند:

- قشر تاجران،
- قشر سرمایه گذاران کوچک صنعتی،
- قشر کمپرادوران که انحصار تجارت محصولات شرکتهای خارجی را در کشور به دست دارند.

**بورژوازی افغانستان عمدتاً از همین اقشار و تکنوکراتهای بلند مقام اداری و نظامی ترکیب یافته است.** مجموع قوانین کشور در عرصه اقتصادی در راستای حفظ و گسترش منافع این اقشار تدوین گردیده اند.

در نتیجه اداره دولتی افغانستان به سود اقشاری میچرخد که میتوان مجموع آنها را **"بورژوازی افغانی"** نام گذاشت. روند جهانی شدن سرمایه داری از یک سو و سیادت امریکا - ناتو بر سرنوشت کشور از سوی دیگر، منطلق حضور بورژوازی افغانی را در حاکمیت توضیح میدهند.

**پس حاکمیت کنونی، یک حاکمیت طبقاتیست، نی فرا طبقاتی. این حاکمیت در خدمت اقشار معین جامعه قرار دارد، نی در خدمت تمام طبقات و لایه های جامعه افغانی!**

#### ج - مبارزه طبقاتی در افغانستان امروز،

موضوع وجود طبقات و مبارزه طبقاتی از دیدگاه ایدئولوژی حاکم بر جامعه ما اصلاً مورد بحث نیست.

به همین گونه شماری از حلقات و نهاد هایی که از بازمانده های چپ دیروزی شکل گرفته اند و تمایل شدید دارند تا خدمتگزار حاکمیت کنونی گردند نیز ادعا دارند که در جامعه کنونی افغانی موضوع مبارزه طبقاتی نمیتواند مطرح گردد و نباید آن را در تحلیلها و محاسبات سیاسی خود بگنجانیم! از دیدگاه آنها باید با دولت کنونی (بدون در نظر داشت ماهیت آن) همکاری کرد تا جلو برگشت طالبان به قدرت گرفته شود. اما واقعیت اجتماعی - اقتصادی و سرشت نظام کنونی عکس این ادعا را نشان می دهند.

نکته مهم در تحلیل انکشاف سرمایه داری به ویژه در کشورهای پیرامونی این است که نباید **مجموعه سرمایه داران** (صنعتی، تجاری، مالی، اجاره یی) را با **طبقه بورژوا یا بورژوازی** یکی پنداشت. سیر تاریخی انکشاف سرمایه داری نشان میدهد که سرمایه داران به تنهایی یعنی **تتها با تکیه به افراد خود** قدرت سیاسی را احراز نکرده اند. آنان برای حاکم شدن بر دولت به نیروها و افراد متخصص (نظامی، حقوقی، فرهنگی، علمی و ...) نیاز داشته اند. مجموع این گروه ها، در آمیزش با خود سرمایه داران، دولت را تسخیر کرده اند. در روند احراز قدرت است که بورژوازی به حیث **یک طبقه اجتماعی** در تاریخ ظهور میکند.

پس از ایجاد مراکز بزرگ سرمایه داری (اروپا، امریکا و ...) و ارتقای آنها به مرحله امپریالیستی (سلطه بر بازار جهانی) در کشورهای پیرامونی روند معکوس رخ داد یعنی نخست بورژوازی به یاری مستقیم (از طریق دخالت مستقیم نظامی، کودتاها، محاصره اقتصادی و غیره) یا غیر مستقیم (از طریق حمایت و ستمدهی ایوژیسیونها که نمونه های بارز آن را در دو دهه اخیر میتوان در کشورهای سوسیالیزم دولتی مشاهده کرد) به حاکمیت دست یافت و پس از آن به انکشاف سرمایه داری پرداخت. این واقعتهای تاریخی انکشاف سرمایه داری میرسانند که **در مرحله حاضر، یعنی در مرحله تسریع روند جهانی شدن سرمایه، دولت نقش بسیار بارزی را در ستمدهی انکشاف اقتصادی کشورهای پیرامونی بازی میکند، چون حلقه وصل سیاسی این کشورها با سرمایه جهانی است.**

استقلال سیاسی کشور را فراهم میسازد؛

۳- منافع توده های مردم را به حیث منافع کلی کشور مطرح کرده، دست افشار چپاولگر و انگل منش کنونی را از سکان سرنوشت کشور کوتاه میسازد؛

۴- انکشاف اقتصادی - اجتماعی کشور را بر اساس شاخصهای انسانی انکشاف، مطرح کرده، **بهبود زنده گی انسان جامعه افغانی را در صدر مسایل قرار میدهد، نی سود آوری سرمایه گذاری را!**

مرامنامه حزب ما دقیقاً استراتژی چنین حرکتی را تبارز میدهد.

### بخش دوم: اوضاع جهان

#### ۱. تناقضات دنیای سرمایه،

مشخصه اساسی دوران ما جهانی شدن سرمایه داری و مقاومت در برابر امپریالیزم است. امروز ثروت یک در صد باشندگان کره خاکی برابر است به ثروت ۹۹ در صد باقیمانده که آفریننده گان اصلی همه ثروتهایند. چنین انقبالی در تاریخ بشر بی نظیر بوده است.

منطق سرمایه داری تراکم هر چه بیشتر سرمایه و جستجوی کران ناشناس سود از طریق بهره کشی از انسان است. امروز در دنیایی که زیر تسلط سرمایه قرار دارد، معرفت و قدرت در خدمت تشدید استثمار قرار دارند که در نتیجه کتله های عظیم انسانی به دایره فقر جانکاه و زنده گی "بخور - نمیر" رانده می شوند.

به هر اندازه بی که نظام سرمایه داری در بحران ساختاری خود فرو تر می رود، به همان پیمان به درجه بهره کشی و باز ستاندن دستاوردهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زحمتکشانش می افزاید. سرمایه داری و سیادت پول باعث استقرار انارشی در جهان گردیده، نظم زنده گی بشر را برهم می زند.

از یک سو انکشاف ظرفیتهای فکری، انقلاب اطلاعاتی، پیشرفتهای چشمگیر علمی و فن آوری چشم اندازهای وسیعی را برای خوشبختی و بهزیستی بشر باز کرده اند ولی از سوی دیگر این همه امکانهای تازه عمدتاً در خدمت حد اکثر ساختن بارآوری تولید برای ازدیاد سود و تراکم سرمایه قرار گرفته اند.

انقلاب اطلاعاتی مرزهای سیاسی کشورها را کنار زده، امکان مشترک ساختن شناخت و معرفت را برای کل بشر فراهم ساخته است. اما سرمایه از این انقلاب صرف به منظور ارتقای بارآوری کار استفاده کرده، ده ها میلیون انسان را به بیکاری و زنده گی حاشیه نشینی سوق می دهد.

#### ۲. منطق جنگ و امپریالیزم جنگ افروز،

لشکر کشیهای امریکا و ناتو زیر شعار مبارزه با تروریزم با اشغال افغانستان آغاز گردید. این به اصطلاح "مبارزه" نی تنها به تروریزم پایان نبخشید، بل، باعث گسترش میدان جنگ، ویرانی، کشتار، فقر و مهاجرت اجباری ده ها میلیون انسان گردید. حلقات جدیدی به تاریخ اندیشی، افراطی گری دینی روی آوردند و دامنه شعله تروریزم تا پاریس و بروکسل نیز گسترده گردید. امپریالیزم با پیشبرد سیاست منظم تضعیف دولتها در افریقا، خاور نزدیک و خاور میانه، فضای جنگ را مستولی ساخت. تجارت سلاح آهسته آهسته در چوکات تجارت آزاد کالاها عملی می شود و "میثاق ملل متحد در مورد تجارت سلاح" کاملاً نقض می گردد.

برگزاری جلسه سران ناتو در جولای سال ۲۰۱۶ در وارسا (محل عقد پیمان وارسا) نمایانگر روش تازه ناتو در اروپاست.

در سرخط آجندهای جلسه نامبرده اتخاذ تصمیم مشترک در برابر روسیه قرار داشت تا از طریق تقویت اقدامات واقعی "باز دارنده گی"، امنیت اروپا ضمانت گردد. اکثریت سران ناتو برای تراشیدن دلیل به بقای آن به حیث یک پیمان

نظامی (در حالی که دیگر کدام پیمان نظامی متخاصم از جنس پیمان وارسا وجود ندارد) روسیه را به جای اتحاد شوروی سابق منبع بی ثباتی در اروپا و جهان قلمداد کرده، خواهان برخورد "جدی" و "قاطع" در برابر روسیه شدند.

در قطعنامه جلسه نامبرده آمده است: «فعالیتهای تجاوزگرانه روسیه، مانورهای تحریک آمیز آن در پیرامون کشورهای ناتو و اراده راسخ آن برای دست یابی به اهداف سیاسی از طریق نظامی تهدید جدی برای پیمان اتلانتیک به شمار می رود».

بر بنیاد این نگرش، تصمیم اتخاذ شد تا ۴ کندک تازه نفس (متشکل از چهار هزار نفر) در کشورهای بالتیک و پولند مستقر گردند. قوماندانی این نیروها به عهده امریکا، انگلستان، آلمان و کانادا سپرده شد. این کندک ها توسط نیروهای واکنش سریع ناتو که متشکل از پنج هزار نفر اند و در ظرف دو سه روز به منطقه میرسند، پوشش می شوند. برعلاوه امریکا تعهد کرد که در سال ۲۰۱۷ یک بریگاد تانک را (متشکل از ۴۲۰۰ نفر) در پولند مستقر سازد. اواما اعلام داشت: «در آینده نزدیک، پولند شاهد حضور نیروهای بیشتر ناتو و امریکا با تجهیزات بسیار پیشرفته، خواهد بود».

ارسال نیروهای نظامی به بحیره سیاه نیز مورد تصویب قرار گرفت. سران ناتو در اجلاس نامبرده آغاز فعالیتهای سپر ضد راکتی امریکا را در اروپا تصویب کردند. نصب این دستگاه ها از سال ۲۰۱۰ در اروپا (هسپانیه، رومانی و ترکیه) توسط امریکا آغاز شد. امریکا برای این دستگاه ها بیش از دو صد میلیارد دالر به مصرف رسانده است. آشکار است که کنترل و قوماندان این دستگاه ها عمدتاً به دست امریکا خواهد بود و بدین گونه عملاً امنیت اروپا از سوی پنتاگون اداره خواهد شد. واکنش روسیه در برابر اقدامات ناتو این بود تا سلاح های بیشتر را به سرحدات غربی، بحیره سیاه و سوریه انتقال دهد. اوضاع پر تشنج که از سوی ناتو در اطراف روسیه ایجاد گردیده است، جداً صلح جهانی را به خطر انداخته است.

#### ۳. تراکم سلاحهای هسته یی،

تراکم زرادخانه هسته یی در مقیاس جهانی تهدید دایمی برای صلح بوده، یک خطر جدی را برای بقای بشر تشکیل می دهد. امروزه بیش از ۱۶ هزار سلاح ذروی در جهان وجود دارد که ۹۵ در صد آنها در امریکا و روسیه ذخیره شده اند. از شمار این سلاحها چندین صد آنها در "میکانیزم واکنش سریع" تعبیه شده اند که در مدت چند دقیقه فیر شده، هر کدام نسبت به بمب هیروشیما دارای ظرفیت تخریبی ده تا سی بار بیشتر است.

اگر در هنگام جنگ سرد، تناسب قوا در جهان دو قطبی مانع آغاز جنگ اتمومی می گردید، امروزه "خط قرمز" استراتژیک بین نیروهای دارای سلاحهای هستوی وجود ندارد. همین اکنون تشنج بین دو کوریا در بحیره چین یا وخامت اوضاع در منطقه کریمیا - اوکراین باعث نگرانی اند.

امریکا اخیراً اعلام داشته است که سلاحهای هسته یی خود را با دستگاه های بسیار حساس رهبری کننده مجهز ساخته است. در حالی که مذاکرات در عرصه خلع سلاح هسته یی به بنبست رسیده است، فضای بی اعتمادی بین امریکا، روسیه و چین که همزمان اعضای دایمی شورای امنیت اند، به طور روز افزون بیشتر گردیده، بر تمام معضلات جهانی تأثیر می گذارد.

سیاست "باز دارنده گی هسته یی" که در زمان جنگ سرد از بروز تصادمهای نظامی بزرگ جلوگیری کرد، امروز به مشوق افزایش سلاحهای هسته یی از سوی کشورهای فاقد آن مبدل گردیده است. هر کشوری که فاقد سلاح هسته یی است تلاش دارد تا برای دفاع از خود به چنین سلاحی دست یابد. تا زمانی که خلع سلاح ذروی از سوی قدرتهای بزرگ به واقعیت مبدل نگردد، جلو شیوع سلاحهای ذروی گرفته نخواهد شد. اگر اسرائیل، هند، پاکستان و کوریای شمالی ←

یعنی بنیادگرایان و تروریستها، به نمایش گذاشتند و این نمایش عوامفریبانه همچنان ادامه دارد.

در چنین فضایی بود که بی ثبات سازی سوریه توسط نیروهای اسلامیت و عقبگرا چون القاعده و النصرة و شماری از جهادیان انتقال داده شده از کشورهای دیگر عربی و حتا اروپا آغاز گردید. به اشاره عربستان سعودی، اسرائیل، قطر و ترکیه، تحت حمایت امریکا، "دولت اسلامی عراق و شام" (داعش) در بخشهای گسترده عراق و سوریه اعلام موجودیت کرد. با داخل شدن روسیه در جنگ (۲۰۱۵) وضعیت در سوریه به یک "جنگ جهانی محدود به قلمرو سوریه" مبدل گردید. نیروهای نظامی ایران و حزب الله به حمایت از نظام سوریه داخل جنگ شدند. رسانه های غربی و ارتجاعی عربی، بشار الاسد را صدام حسین دومی معرفی کرده، براندازی دیکتاتوری او را به هر قیمتی که برای مردم سوریه تمام شود، یک هدف تغییر ناپذیر و شریفانه خواندند و این تبلیغات ادامه دارد.

مباردمان ویرانگرانه لیبیا توسط فرانسه و انگلستان و مداخله نظامی عربستان سعودی در یمن و بحرین همه در خط استراتژی امپریالیزم امریکا و متحدان اروپایی آن صورت گرفتند.

نیروهای مترقی از شمال افریقا گرفته تا افغانستان در برابر استراتژی امریکا و متحدان منطقه یی آن به مبارزه خود ادامه می دهند ولی تحمیل جنگ و حمایت گسترده امریکا از نیروهای ارتجاعی (به ویژه در هیئت اسلامیزم سیاسی) موانع جدی برای تقویت آنها به وجود آورده اند. سیر حوادث چنان است که تا دیری زمینه ترناتیفهای دموکراتیک در این منطقه وسیع فراهم نخواهد شد.

## بخش سوم: در سهایی از گذشته جنبش پیشرو جهان و افغانستان

### فصل نخست: در باره گذشته سوسیالیزم

چرا باید مسأله فروپاشی شوروی و شکست به اصطلاح "سوسیالیزم دولتی" را در کنگره اساسگذار یک حزب چپ افغانی مورد بررسی قرار داد؟ پاسخ روشن است: نخست باید به نسلهایی که به پیروزی سوسیالیزم اعتقاد داشتند و عمر خود را وقف مبارزه برای تحقق آن کردند، پاسخ ارایه کرد و دو، این که باید به نسلهای جوانی که در راه اند و ما خواهان متشکل ساختن آنها در حزب استیم چشم انداز مبارزه شان را روشن سازیم. این تحلیل یک نیاز مبرم مبارزه تیوریک، ایدئولوژیک و سیاسی حزب است.

انقلابهایی که در سده بیستم زیر نام انقلابهای سوسیالیستی رخ دادند عمدتاً در عرصه های سیاسی و اقتصادی در تقابل با سوسیالیزمی که بنیان جهانیینی علمی به حیطه مرحله پسا سرمایه داری مطرح کرده بودند، قرار گرفتند. مطابق آن جهانیینی تنها انکشاف پیشرفته سرمایه داری زمینه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی - فرهنگی را برای گذار به جامعه فاقد طبقات فراهم میسازد. نبود دموکراسی و آزادیهای فردی (شعار معروف سوسیالیزم: «انکشاف آزادانه هر فرد شرط انکشاف آزادانه همگان است»)، استقرار دیکتاتوریهایی یک اقلیت بریده شده و بیگانه شده از کتله عظیم دنیای کار و حتا دیکتاتوری فردی (استالین)، سلب آزادی عقاید دین و اجرای مراسم دینی، سلب آزادی آفرینش هنری و ده ها تهدید در زمینه انکشاف آزادانه افراد، سیمای اصلی جامعه فارغ از بهره کشی را مسخ کردند و برای بورژوازی جهانی و دشمنان سوسیالیزم دستاویزهای دادند که از آنها تاکنون علیه نیروهای مترقی و انقلابی استفاده می کنند.

در عرصه اقتصادی علی الرغم کار عظیم انکشاف زیر بنایی، جوامع پسا انقلابی نتوانستند همه نیازهای مردم را برآورده سازند و در نهایت در برابر انکشاف جهان سرمایه داری تاب نیابردند و فروپاشیدند.

با فروپاشی شوروی و کشورهای همگون آن تیوری راه رشد غیر سرمایه داری دیگر به تاریخ سپرده شد و مرحله یکه تازی سرمایه داری و امپریالیزم آغاز گردید. جهانی شدن سرمایه داری با سرعت سرسام آوری راه خود را می پیماید.

را با مقاصد معینی پذیرفته اند، آنچه در باره ایران برای شان قابل پذیرش نبود. مبارزه برای خلع سلاح کامل ذروی در سرخط مبارزه برای استقرار صلح پایدار و جلوگیری از نابودی بشر قرار دارد. نیروهای مترقی در سراسر جهان برای گسترش مناطق غیر ذروی، منع آزمایشهای ذروی و منع استفاده نظامی از دستاوردهای فیزیک اتمی، مبارزه کرده، برچیده شدن کامل سلاحهای هسته یی را ضمن تداوم حیات در کره خاکی می دانند.

### ۴. اوضاع بحرانی خاور میانه،

رویدادهای بنیادی سیاسی و اجتماعی در کشورهای اسلامی خاور میانه و شمال افریقا در متن وضعیت بحرانی جهان به وقوع پیوستند. برخیزها بر آن اند که پس از "بهار عربی"، "زمستان اسلامیتی" فرارسیده یعنی نی تنها این "بهار" به شکست انجامید، بل خود انگیزه و خاستگاه "زمستان اسلامیتی" بود. اما این داوری که از سوی ایدئولوگهای امپریالیزم موعظه می شود با واقعیتهای تاریخی انقلابهای نامبرده همخوانی ندارد.

می شود مشخصات "بهار عربی" را چنین بر شمرد:

الف: فساد و پوسیده گی نظامهای سیاسی پسا استعماری، ناسیونالیستی و پان - عربی که همه خصلت سرکوبگرانه، دیکتاتورانه و در بسته داشتند.

ب: اوجگیری مطالبات مردمی در جهت کسب استقلال و حاکمیت واقعی، استقرار دموکراسی، عدالت و انکشاف اقتصادی و اجتماعی به سود توده های مردم.

ج: وجود تناسب نیروهای سیاسی نامناسب برای جریانهای دموکراتیک، دادخواه و ترقیخواه: در جریان چندین دهه حاکمیتهای استبدادی به سرکوب بی وقفه نیروهای انقلابی و پیشرو پرداخته، زمینه را برای رشد اسلامیزم سیاسی به حیطه سلاح ضد سوسیالیستی و ضد روشنفکری مترقی، آزادخواه و مدرنیست فراهم ساختند. فروپاشی کشورهای "سوسیالیزم دولتی" و اتحاد شوروی که حامی این نظامهای ناسیونالیست پس از جنگ دوم جهانی بودند، نیز در جهت تضعیف موقف نیروهای مترقی عمل کرد.

در وضعیت جنگ سرد و فضای نو استعماری، کشورهای عربی علی الرغم حصول استقلال شان، کماکان تحت نفوذ یا سیادت خارج باقی ماندند. واشنگتن و متحدانش تلاش ورزیدند تا هژمونی همه جانبه خود را در خاور میانه عمدتاً برای دست یابی به منابع نفتی حفظ نمایند. آنها از همه امکانات برای عقب راندن نیروهای چپ و تضعیف تأثیر اتحاد شوروی استفاده کردند. در چنین وضعیتی، اسرائیل به متحد استراتژییک و بنیادی این سیاست مبدل شد. اسرائیل از حفاظت کامل نظامی امریکا برخوردار شد و به کمک فرانسه دارای سلاح هستوی گردید. با چنین موقفی با دست باز بر حقوق خلق فلسطین تاخت و به یاری وتوی واشنگتن در شورای امنیت، همه قطعهنامه های ملل متحد را زیر پا کرد.

امریکا و متحدان اروپایی اش توانستند همه انقلابهای مردمی "بهار عربی" را با توسل به نیروهای قرون وسطایی و ارتجاعی از مسیر آزادخواهانه و دموکراتیک آنها منحرف سازند. آنها در صدد تغییر دادن مرز های کشورهای کنونی منطقه اند تا حسب دلخواه خود جغرافیای جدیدی را بر خاور میانه تحمیل نمایند.

امریکا با متحدان عربی اش، در رأس عربستان سعودی، تیزس وجود یک مثلث شیعه را (متشکل از ایران، سوریه و حزب الله) به حیطه "محور شر" در خاور میانه پیش کشیدند. هماهنگ با این طرح تازه، رسانه های حاکم غربی و عربی همه رویدادهای خاور میانه را به جنگ و تقابل بین "سنی ها" (تحت رهبری عربستان سعودی) یعنی "اعتدال گرایان" و "شیعه ها" (تحت رهبری ایران)

مطرح کرد، ولی امپریالیزم که عقب نشینی اردوگاه سوسیالیزم دولتی را دقیق دریافته بود هیچ گونه عقب نشینی را نپذیرفت.

عقب نشینی شوروی در افغانستان یا اگر بهتر گفته شود «رفع یک شبه پیشروی ناسنجیده»، حزب - دولت دموکراتیک افغانستان را در برابر مسایل جدیدی قرار داد. شوروی همان گونه که سیاست تشنج زدایی، پایان جنگ سرد و تفاهم شرق و غرب را در مقیاس جهانی مطرح کرد، در افغانستان نیز خواهان شرایطی شد که ضمن ثبات سرحدات جنوبیست گردند.

جنگ که با وارد شدن سلاحهای مدهشتر بیشتر از پیش ویرانگر میگردد، زنده گی جامعه را کاملاً فلج ساخته بود و مانع تحقق سیاستهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حزب - دولت به سود زحمتکشان میگردد. در درون حاکمیت نیز نشانه های جدی برای پایان بخشیدن به جنگ به ملاحظه میرسید. از نگاه سیاسی - نظامی، ثبات تناسب قوا بین حاکمیت و اپوزیسیون و عدم برتری یکی بر دیگری، راه حل نظامی را نامقدور می ساخت.

مذاکرات بین مقامهای شوروی و افغانی در رابطه با برگشت قوای شوروی و اتخاذ سیاست جدید «مصالحه با اپوزیسیون مسلح» به سوی آن نتایجی که رهبری شوروی انتظار داشت سیر نکرد. ببرک کارمل که در رأس حزب - دولت قرار داشت با تکیه بر اپوزیسیون درون - حزبی شوروی طرح گارباچف را نپذیرفت ولی پذیرفت تا تیزسهای جدیدی را که شورویها مطرح کرده بودند (بی آنکه خود به پیروزی و تحقق آنها باور داشته باشد) اعلام بدارد.

پس سیاست مصالحه ملی به حیث یک ضرورت عینی، در چوکات مناسبات جدید جهانی بین شوروی و غرب مطرح گردید. از تیزسهای دهگانه تا تعویض رهبری، همه در خط همین سیاست جدید صورت پذیرفت.

دستیابی به یک توافق ملی برای برونرفت از جنگ و ایجاد یک حکومت ائتلافی شعارهای جالبی بودند که با ساختار تضاد بین حزب - دولت دموکراتیک و ضد انقلاب سازمان یافته نمی خواندند. در آن هنگام چنین تصور میشد که ح. د. خ. ا از حاکمیت سیاسی کنار میروند و مرحله عبوری برای ایجاد یک حکومت ائتلافی چی از طریق نماینده گی مستقیم دو طرف، چی از طریق انتخابات عمومی، به وجود می آید. **تمام این سیاست بر بنیاد یک پندار استوار گردیده بود که گویا ح. د. خ. ا یک ساختار سیاسی جداگانه از دولت افغانستان است و می تواند از آن خارج شود!**

مصالحه ملی بر بنیاد پیش - فرض جدایی حزب از دولت مطرح گردیده بود که در نتیجه آن حزب به حیث یک سازمان سیاسی در رقابت سیاسی با سازمانهای مجاهدین، برای کسب قدرت سیاسی مبارزه مسالمت آمیز میکرد. ولی چنین سازمان مستقلی دیگر وجود نداشت! زمانی که هفتاد در صد اعضای حزب در قوای مسلح کشور تنظیم بودند و بیش از بیست در صد آنها در ارگانهای دولتی، مصالحه ملی بر بنیاد پیش - فرض جدایی حزب از دولت مطرح گردیده بود که در نتیجه آن حزب به حیث یک سازمان سیاسی در رقابت سیاسی با سازمانهای مجاهدین، برای کسب قدرت سیاسی مبارزه مسالمت آمیز میکرد. ولی چنین سازمان مستقلی دیگر وجود نداشت! زمانی که هفتاد در صد اعضای حزب در قوای مسلح کشور تنظیم بودند و بیش از بیست در صد آنها در ارگانهای دولتی، چگونه میشد حزب را سوای دولت مطرح کرد؟ طرف درگیر به ساده گی دریافته بود که طرح مصالحه ملی فاقد بنیاد عملی است.

کنگره مؤسس حزب وطن در واقعیت امر تلاشی بود تا معضله جدا شدن حزب از دولت را حل کند. کار گزاران آن کنگره فاصله گرفتن از اصول بنیادی ح. د. خ. ا را برای ایجاد یک حزب جدید جدا شده از دولت، یگانه راه ایجاد یک سازمان سیاسی مستقل پنداشته و ظهور «حزب وطن» را اعلام داشتند.

اسناد اساسگذاری «حزب وطن» تقریباً چهار سال بعد از اعلام مشی مصالحه ملی به تصویب رسیدند. اسناد نامبرده صرف به حیث اسناد باقی ماندند.

اعلام رسمی انحلال ح. د. خ. ا و ریشه نگرفتن حزب جدید وطن به جای آن (البته سوای ظواهر و فورمالیزم تخنیکي دفتر داری حزب و اشتغال ماموران حزبی!) سیاست مصالحه ملی را که با حسن نیت و به حیث یک بدیل جدی برای استقرار صلح، ثبات اجتماعی و برون رفت از وضع اسفبار اقتصادی کشور مطرح گردیده بود، فاقد چشم انداز نیروی رهبری کننده سیاسی ساخت. البته تلاشهای آگاهانه ویرانگر شماری از رهبران و

آشکار است که افغانستان دهکده دور افتاده بی است در مسیر تسخیر جهان توسط سرمایه داری. احزاب مردمی، از آن جمله حزب ما، باید اهداف و شیوه های مبارزه خود را در چوکات همین تحلیل بنیادی مطرح نمایند.

حزب ما در بستر تاریخ مبارزات حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دیگر سازمانها و نهاد های مترقی گذشته کشور شکل می گیرد. تجارب حاصله از این تاریخ ما را یاری می رسانند تا استراتژی و تاکتیکهای حزب را با در نظر داشت وضع کنونی جهان و افغانستان تدوین نماییم و پراتیک حزبی خود را با این وضع عیار بسازیم.

### فصل دوم: حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حاکمیت دموکراتیک،

ح. د. خ. ا. به حیث شاخه یی از جنبش جهانی کارگری، در وجود یک سازمان واحد چند ملیتی (انتر- اتنیک)، از زحمتکشان و روشنفکران آگاه و باورمند به جهانبینی علمی پا به عرصه وجود گذاشت. ح. د. خ. ا. با شهامت کم نظیر در تاریخ کشور راه پیکار انقلابی را در پیش گرفت، عقیمانی وحشتناک، بیعدالتی طاقت فرسا و فقر جانکاه جامعه را نشان داد، مناسبات فرتوت خانسالاری و بهره کشی بیرحمانه از دهقانان و دیگر زحمتکشان را افشا کرد، نظام استبدادی شاهی را به حیث حامی فرادستان مورد نکوهش قرار داد، شیوه های جدید مبارزه اندیشه یی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را برای وارheidن از زیر گرانبار ایدئولوژی فرتوت قرون وسطایی و اخلاقیات منحنح مربوط به آن، ترویج کرد؛ در جهت استقرار دموکراسی و آزادی بیان پیوسته تلاش کرد؛ از تثبیت جایگاه شایسته زن در تمام ابعاد زنده گی جامعه افغانی دفاع کرد؛ برابری حقوق خلفها و ملیتها را هم در مقیاس ملی و هم در سطح بین المللی به حیث یک اصل عدول ناپذیر پیش کشید تا به هرگونه ستم و اجحاف ملی پایان بخشیده شود؛ انترناسیونالیزم زحمتکشان را در برابر سرشت تجاوزگرانه امپریالیزم و سرمایه جهانی قرار داد و پیوسته از صلح در برابر سیاست جنگ افروزانة ارتجاع جهانی دفاع کرد.

ح. د. خ. ا. با برنامه دگرگونساز و با پراتیک انقلابی خود از همان آغاز در محراق دشمنی نیرو های سیاه ارتجاع داخلی، منطقه یی و جهانی قرار گرفت. در جریان واکنش به جدی ترین حمله ارتجاع حاکم، حزب به احراز قدرت سیاسی نایل گردید.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان با احراز قدرت سیاسی در دولت مدغم گردید.

در هفتم ثور ۱۳۵۷ خورشیدی با آمیزش ح. د. خ. ا. با دولت، روند زدایش استقلال حزب به حیث یک سازمان مستقل سیاسی آغاز گردید و ساختار جدیدی در عرصه سیاسی کشور به نام حزب - دولت دموکراتیک افغانستان عرض وجود کرد.

ساختار جدید سیاسی - اداری یعنی حزب - دولت فاقد تکیه گاه بالفعل طبقاتی و فاقد پایگاه مستقیم اجتماعی - اقتصادی بود. در بیرون از این ساختار، چهار عرصه دیگر (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک) یا تحت تسلط کامل ارتجاع بودند یا دست کم به سود آن عملکرد داشتند. این چهار عرصه، سیادت ایدئولوژیک - معنوی (هژمونی) سنتی ارتجاع را ضمانت میکردند. بروز تضاد بین **قدرت مرکزی** (در وجود حزب - دولت دموکراتیک) و **هژمونی سنتی ارتجاع در اطراف**، تعیین کننده سیر رویداد های بعدی در جامعه افغانی گردید.

رهبری ح. د. خ. ا. با احراز حاکمیت، استراتژی «جبهه متحد ملی» را با سهل انگاری عاقبت نیندیشانه یی کنار گذاشت، استراتژیی که در هنگام دهه اول حضور حزب در جامعه پیش کشیده شده بود و دیگر نیرو های مترقی را به خود جلب کرده بود. حزب در آن هنگام می خواست از طریق این جبهه نظام دیگری را به جای نظام شاهی بنشاند و تحولات «ملی - دموکراتیک» را قانونمندانه (یعنی با اشتراک دادن تمام نیرو های ملی و مترقی کشور بر محور حزب) آغاز نماید.

ارتجاع داخلی به یاری ارتجاع منطقه و امپریالیزم تلاش ورزید تا با تکیه بر هژمونی سنتی خود، در برابر قدرت مرکزی و سیاستهای آن به مقاومت پرداخته، آهسته آهسته ساختار های سیاسی - نظامی خود را جهت روبرویی با قدرت مرکزی برپا دارد. ارتجاع سازمان یافته به کمک خارج، توانست جلو تحقق کامل برنامه های حزب - دولت دموکراتیک را بگیرد و در برابر آن یک «ضد قدرت» را به وجود آورد.

تلاش حزب - دولت شوروی در جهت استقرار مناسبات جدید جهانی و برونرفت از جنگ سرد ناگزیر حاکمیت افغانی را مورد سوال قرار می داد. اتحادشوروی با ابراز آماده گی به پایان بخشیدن به حضور نظامی در افغانستان سیاست رفع تناقض در افغانستان را



## پیام کنگره حزب نوین مردم افغانستان

### به زنان و دختران افغانستان

۲۶ عقرب ۱۳۹۵

خواهران عزیز،

امروز ما در محفلی گرد هم آمده ایم که شعار اساسی آن را رهایی انسان جامعه ما از جنبه مطالبه اجتماعی تشکیل میدهد. بر همه گان آشکار است که سیمای زن و دختر افغان از مظلوم ترین چهره های بشری است. آنان در درازای سده ها گران ترین بار دشواریها و حق تلفی ها را به دوش کشیده اند. اگر گاهگاهی صدای پرخاش آنان در برابر ظلم و اجحاف بلند شده است با غیر انسانی ترین شیوه ها در گلوی شان خفه گردیده است. ما همراه با "فرخنده" ها مرگ مستدام را در کوره های آتش وحشت و بربریت قرون وسطایی تجربه کرده ایم.

حزبی را که امروز اساس گذاشته ایم، کانونی است که تحقق آرمانهای دیرین سال زنان و دختران در بند سرزمین مان را در سرخط وظایف خود قرار داده است. اسناد بنیادی حزب ما تحقق اهداف والای انسانی را در رابطه با وضعیت زنده گی زنان در ابعاد زیر مطرح میکند:

۱. مبارزه در برابر هر گونه پندار و اندیشه یی که زن را موجودی دومی، فرعی و وسیله یی برای تداوم حیات تلقی میکند. مبارزه پیگیر ایدئولوژیک برای کنار زدن چنین بینش قرون وسطایی عنصر مهم مبارزه حزب ما در عرصه نوسازی تفکر اجتماعی است. از دیدگاه ما، زن و دختر افغان مقام و منزلت برابر با مردان و پسران دارند و باید این منزلت برابر در همه امور زنده گی اجتماعی - از کار روزمره خانه گرفته تا اشغال مقامهای بلند دولتی - تبارز واقعی نماید. جامعه یی که در آن زن نقش شایسته خود را نداشته باشد جامعه یی است که در آن خوشبختی وجود ندارد. در جوامع مرد سالار بهروزی انسان ممکن نیست!

۲. مبارزه برای حصول حقوق همسان اقتصادی برای همه افراد جامعه. امروز بخش بزرگ زنان از عرصه تولید و فعالیت اقتصادی جامعه به چهاردیواری خانه رانده شده اند. باید این انرژی عظیم را رها ساخت و آن را در گستره بازسازی اقتصادی کشور گماشت. حزب ما بر آن است که استقلال اقتصادی زن و اشتراک او در ساختمان جامعه، تعادل لازم را در جامعه به وجود آورده، باعث هماهنگی و آرامش در زنده گی اجتماعی می گردد.

۳. مبارزه برای یافتن جایگاه شایسته زن در عرصه سیاسی. در کشور ما عرصه سیاسی کلیدی ترین عرصه برای تعیین سرنوشت جامعه است. دور ماندن زن از این عرصه باعث تداوم روحیه قرون وسطایی در تصمیم گیریهای سرنوشت ساز برای آینده کشور می شود. حضور فعال زنان در نهاد های سیاسی (به شمول ارگانهای دولتی) نقش بارزی را در تأمین صلح بازی خواهد کرد.

خواهران گرامی،

حزب ما پشتیبان پیگیر تلاشهای شما برای تحقق اهداف یاد شده است و در نظر دارد با نهاد هایی که برای تأمین حقوق زنان و دختران افغانستان می رزمند، روابط استواری را برقرار سازد. اگر در ساختن آینده دستان زنان نقش نداشته باشند، آن آینده روشن نخواهد بود.

بباید که با هم و در همکاری سازنده با هم، آینده وطن مان را روشن سازیم، چنین است پیام صمیمانه حزب ما به شما.

برخی حلقات حزبی - دولتی، تسلط فضای بی اعتمادی، تسلیمی برخی رهبران و نظامیان به احزاب جهادی، حزب - دولت دموکراتیک را از درون چنان ضعیف کردند که یگانه پیامد عملکرد تناسب قواء، فروپاشی آن بود.

پس سیاست مصالحه ملی در صورتی امکان تحقق می یافت که یک نیروی رزمنده سیاسی، سوای دولت، شکل می گرفت و پیش رفته ترین بخشهای جامعه را در اطراف خود متشکل و متحد می ساخت و از طریق چنین انقطابی مصالحه را بر نیرو های جنگ تحمیل میکرد. تشکل چنین نیرویی باید براساس اصول، موازین و اندیشه هایی صورت میپذیرفت که به مفهوم «مصالحه» ضرورت می افتاد ورنه ایجاد یک سازمان سیاسی از قماش سازمانهای آن سوی انقطاب (سازمانهای جهادی وابسته به ایران، پاکستان، ارتجاع عربی و امریکا)، خود فی نفسه، ضرورت مصالحه را رفع میکرد.

### بخش چهارم: وظایف جنبش دموکراتیک افغانی

رفقای گرامی،

با در نظر داشت تحلیلی که از وضعیت جهان، جامعه افغانی و تاریخ جنبشهای رهایی بخش دوران معاصر ارایه گردید، وظایف عمومی و استراتژیک جنبش مترقی و دادخواه در وضعیت کنونی جامعه افغانی به طور همه جانبه در مرامنامه حزب ما انعکاس داده شده اند. این وظایف نمایانگر ماهیت حزب ما در مقام یک سازمان دگرگون ساز، پیشرو و مردمی است. تحقق وظایف نامبرده زمینه را برای یک زنده گی آبرومندانه انسانی برای توده های مردم ما فراهم میسازد. حزب ما رسالت دارد تا برای تحقق این مرامنامه تلاش خود را برای ایجاد یک سازمان بزرگ سراسری، متشکل از پیگیر ترین نیرو ها و عناصر دموکرات و مترقی ادامه دهد. در گام نخست باید با نیرو هایی که از نگاه جهانی بینی و موضعگیری سیاسی با ما همسانی یا همسویی دارند به وحدت رسید و سپس بر محور این هسته نیرومند و مصمم و یکپارچه دیگر سازمانها و حلقات مترقی را متشکل ساخت.

یقین کامل وجود دارد که رفقای که امروز برای ایجاد حزب گرد هم آمده اند توانایی تحقق وظایف مطروحه را دارند.

رفقای عزیز،

طرح اساسنامه یی را که در اختیار دارید بر بنیاد اصول واقعاً دموکراتیک زنده گی درون سازمانی تدوین شده است. روحیه دموکراسی واقعی و مرکزیت مؤثر در سراسر مواد آن حضور دارد. سازمانی که خود دموکراتیک نباشد هرگز نخواهد توانست دموکراسی را در جامعه نهادی سازد و از آن در برابر اختناق و دیکتاتوری حمایت نماید.

در اساسنامه مطروحه ما اصل شایسته گی و کارایی برای گزینش اعضا به مقامات حزبی و احیاناً برای احراز مسوولیتهای دولتی و اجتماعی در مرکز تصمیم گیری قرار قرار دارد.

کاربست کامل اصول مندرج در اساسنامه ضامن یکپارچه گی حزبی و مؤثریت آن برای تحقق اهداف مرامی و سیاستهای حزب است. به شورای مرکزی که انتخاب خواهید کرد وظیفه سپرده شده است تا این اساسنامه را مو به مو در پراتیک حزب تطبیق کند.

رفقای عزیز،

شما که از کرانه های سرحدی، دره های کنر، قریه های هرات و تخار و کوچه های فقر زده کابل گرفته تا لندن و بن و نیویارک در این کنگره گرد هم آمده اید و رهایی انسان را از جنبه ظلم و استثمار - این آرمان بزرگ بشریت پیشتان - در محراق حرکت تان قرار داده اید، یقین داشته باشید که پیروزی نهایی از آن شماست چون حقیقت با شماست. با وحدت و یکپارچه گی ما مردم با ما خواهد بود و ما تاریخ جدیدی را برای میهن خود رقم خواهیم زد.

- به پیش به سوی افقهای روشن آزادی انسان!

- به پیش به سوی خوشبختی مردم رنجکشیده افغانستان!

- پیروز باد داعیه بر حق نیرو های انقلابی افغانستان!

## اساسنامه حزب نوین مردم افغانستان

### فصل اول

#### اصول کلی

##### ماده اول: هویت حزب،

حزب نوین مردم افغانستان (که از این پس در این اساسنامه "حزب" نامیده میشود)، سازمان دموکراتیک، ترقیخواه، پیشرو و مستقل سیاسی است که ادامه دهنده جنبش دادخواهانه و مبارزات طولانی آزادی خواهان کشور در مطابقت به اوضاع و شرایط کنونی کشور بوده، آگاهترین و فعالترین افراد جامعه را به منظور تحقق اهداف مرامی و برنامه یی خود متشکل میسازد.

پایگاه اجتماعی حزب را اقشار وسیع مردم افغانستان، اعم از کارگران، دهقانان، پیشه وران، روشنفکران دموکرات، فرهنگیان روشن نگر، استادان دانشگاه، آموزگاران، دانشجویان، کارمندان و کارکنان ادارات دولتی، موسسات تحصیلی، دوکتوران، متخصصان حرفه های خدمات اجتماعی، و سایر گروه های اجتماعی عدالتخواه تشکیل میدهند.

##### ماده دوم: اصول تشکیلاتی،

حزب بر اساس اصول و موازین زیر فعالیت میکند:

۱. اصول اساسی حزب را دموکراسی واقعی درون سازمانی، انتخابی بودن تمام ارگانها و مسوولان، تصمیم گیری دسته جمعی، عملی کردن مبتکرانه تصامیم ارگانهای منتخب، گزارشدهی از اجراءات در تمام سطوح حزب، انضباط آگاهانه، صراحت و علنیت، روحیه وحدت و همبسته گی رفیقانه، وقف و از خود گذری، رجحان منافع سازمان و تقویت روحیه انسان دوستی، وطنپرستی و خدمت گذاری به تپهی دستان، تشکیل میدهد.
۲. وحدت مرامی حزب: تحقق مرامنامه حزب برهان وجودی عضویت در حزب است.

##### ماده سوم: نصاب جلسات و نورمهای تصمیم گیری،

۱. جلسات در تمام ارگانهای حزبی مطابق اصل حضور اکثریت اعضای ارگانهای نامبرده رسمیت می یابند، مگر آنکه در این اساسنامه به گونه دیگری پیشبینی و تصریح شده باشد.
۲. تصمیم در باره اخراج از عضویت حزب با اکثریت دو سوم آرای اعضای حاضر در جلسه اتخاذ می گردد.

### فصل دوم

#### عضویت، حقوق و وظایف اعضا

##### ماده چهارم: شرایط عضویت در حزب،

عضویت در حزب داوطلبانه است. هر شهروند افغانستان که سن هژده سالگی را تکمیل نموده باشد، برنامه و اساسنامه حزب را بپذیرد و در راه تحقق آن مبارزه نماید، در جلسات سازمانی فعالانه و منظم شرکت کند، حق العضویت بپردازد و در احزاب و سازمانهای سیاسی دیگر عضویت نداشته باشد، میتواند عضو حزب باشد. پذیرش به عضویت حزب انفرادی بوده و از طریق واحدهای اولیه به آرای اکثریت حاضر اجلاس واحد اولیه صورت میگیرد و از جانب شوراهای ناحیوی، ولسوالی، شهری و شوراهای بیرون مرزی (شورا های کشوری) تصویب میگردد. داوطلب عضویت در جلساتی که در مورد عضویت او به حزب تصمیم اتخاذ میگردد، حضور می یابد. پذیرش عضویت دسته جمعی به حزب توسط شورای مرکزی حزب صورت میگیرد.

##### ماده پنجم: حقوق اعضای حزب،

حقوق همه اعضای حزب، صرف نظر از موقف حزبی شان در ساختار حزب، مساوی است.

هر عضو حزب حق دارد که در جلسات روی سیاستها، موضعگیری های حزب و موضوعات مربوط به زنده گی سیاسی و سازمانی غور، بحث و ابراز نظر نموده، در تنظیم سیاستهای آن فعالانه سهم بگیرد.

هر عضو حزب حق دارد که در روند انتخابات و گزینش اعضاء در مقام ارگان های تشکیلاتی به حیث انتخاب کننده و یا انتخاب شونده، فعالانه سهم بگیرد و در این انتخابات، نامزدی خویش را شخصاً و مستقیماً به جلسه ارایه بدارد.

هر عضو حق آگاهی یافتن از فعالیتها و تصامیم ارگانهای بالاتر، حق مطلع شدن از اجراءات در رابطه با پیشنهادها و نظریات خویش را دارد. هر عضو در جلساتی که پیرامون اتهامات و تخلفات وی رسیده گی به عمل می آید و یا در آن مورد تصمیم و فیصله اتخاذ میگردد، حق دارد در فضای آزاد و دموکراتیک از خود دفاع نماید. در صورت عدم قناعت به فیصله های صادر شده، حق شکایت کتبی را تا سطح کنگره دارد.

هر عضو حق دارد عضویت سازمانهای اجتماعی و فرهنگی مترقی را حاصل نماید و یا دست به ایجاد چنین سازمانها بزند.

هر عضو حزب حق دارد از کار و فعالیت اعضا و ارگانهای حزبی انتقاد سازنده و سودمند نماید.

##### ماده ششم: وظایف و مکلفیت های اعضای حزب،

هر عضو حزب موظف است که:

۱. در راه تحقق اهداف مرامی و برنامه یی حزب و رعایت موازین تشکیلاتی مندرج در اساسنامه حزب مبارزه کند.
۲. در بلند بردن و ارتقای سطح فهم، دانش و آگاهی سیاسی و فرهنگی خود بکوشد.
۳. در برابر دگر اندیشان سیاسی تحمل پذیر بوده، برای همکاری با آنها در راه تحقق اهداف اساسی مشترک، تلاش نماید.
۴. ارزشهای انسانی، سیاست جاری و دور نمایی حزب را بین مردم تبلیغ نموده در جلسات و گردهمایی های آن شرکت فعال نماید.
۵. در کار و فعالیت سازمانهای اجتماعی فعالانه شرکت ورزد.
۶. به منظور رشد کمی و کیفی صفوف حزب سعی و تلاش نماید.
۷. با گرایش های مخالف موازین اساسنامه و برنامه حزب، تمایلات برتری خواهی و سنتهای عقب مانده جامعه قبیله یی مبارزه کند.

۸. حق العضویت ماهوار خویش را منظم بپردازد.

#### ماده هفتم: قطع رابطه و مجازات در حزب،

هر عضو حزب در صورت تخطی از موازین اساسنامه، با تذکر شفاهی، توصیه، اخطار و اخراج از حزب، مجازات میگردد. تصمیم اخراج از عضویت حزب در واحد های اولیه اتخاذ گردیده و پس از تصمیم شورای مافوق سازمانی، نهایی میگردد. هر عضو حزب که مورد مجازات قرار میگیرد میتواند در جلسه یی که در باره او تصمیم گرفته میشود، حاضر باشد و در صورت عدم توافق به فیصله اتخاذ شده، به ارگانهای مافوق رهبری کننده به شمول کنگره حزب طور کتبی شکایت کند. اخراج از حزب شدید ترین مجازات است. لذا تصمیم گیری و صدور فیصله در این مورد مستلزم موجودیت مدارک موثق میباشد. هر عضو حق دارد بنا بر دلایل موجه و تصمیم شخصی خودش، قطع عضویت اش را از حزب بصورت کتبی اعلان نماید.

## فصل سوم

### ساختار تشکیلاتی و ارگانهای حزب

#### ماده هشتم: تشکیلات حزب شامل ارگان های ذیل است،

۱. واحد های اولیه،
۲. واحد های محلی شامل ( ولایتی، شهری، ولسوالی، ناحیوی و بیرون مرزی )،
۳. کمیسیون نظارت و بررسی،
۴. دارالانشأ،
۵. هیئت اجرائیه،
۶. شورای مرکزی،
۷. کنگره.

#### ماده نهم: کنگره حزب،

کنگره عالیترین ارگان تصمیم گیری و رهبری کننده حزب است که با اشتراک فعال نماینده گان منتخب کنفرانس های ولایتی، شهرهای معادل ولایت در داخل و نماینده گان انتخابی واحد های بیرون مرزی در خارج کشور، دایر میگردد.

نورمهای گزینش نماینده گان سازمانهای حزبی جهت شرکت در کنگره حزب توسط طرزالعمل جداگانه هیئت اجرائیه شورای مرکزی عندالموقع تعیین میگردد . کنگره دارای صلاحیت های ذیل میباشد :

۱. استماع گزارش شورای مرکزی در فاصله بین دو اجلاس کنگره حزب .
۲. تصویب و تعیین مشی ستراتیژیک حزب و تصویب و تعدیل برنامه و اساسنامه.
۳. انتخاب رئیس حزب، اعضای شورای مرکزی حزب و رئیس کمیسیون نظارت و بررسی حزب.
۴. تصویب و تعیین نام، بیرق، مهر و نشان حزب.
۵. تصویب انحلال حزب.

کنگره حزب به صورت عادی هر سه سال یک بار دایر میگردد.

کنگره فوق العاده حزب میتواند در حالات خاص بر اساس تصمیم دو سوم اعضای شورای مرکزی تدویر یابد. تدویر کنگره فوق العاده بر مبنای طرزالعمل شورای مرکزی یا ارگانی که شورای مرکزی برایش صلاحیت میدهد، تنظیم میگردد.

نصاب کنگره با حضور دو ثلث نماینده گان منتخب تکمیل میشود و تصامیم کنگره با رای اکثریت نماینده گان حاضر، اتخاذ میگردد.

#### ماده دهم: شورای مرکزی حزب،

شورای مرکزی، در فاصله بین دو کنگره، عالیترین مقام تصمیم گیرنده و رهبری کننده حزب است.

شورای مرکزی دارای صلاحیت ها و وظایف آتی می باشد:

۱. انتخاب معاونین رئیس حزب، اعضای هیئات اجرائیه و اعضای کمیسیون نظارت و بررسی.
۲. تأیید و تعدیل سیاست جاری حزب در فاصله بین دو کنگره حزب.
۳. دعوت کنگره فوق العاده حزب.
۴. استماع گزارش هیئات اجرائیه و کمیسیون نظارت و بررسی.

جلسه (پلینوم) عادی شورای مرکزی، سال یک مرتبه دایر می گردد. جلسات فوق العاده آن بنا بر تصمیم هیئات اجرائیه با پیشنهاد دو ثلث اعضای شورای مرکزی میتواند پیش از موعد آن دایر گردد.

#### ماده یازدهم: هیئت اجرائیه،

هیئت اجرائیه شورای مرکزی که کار و فعالیت حزب را در فاصله بین دو پلینوم شورای مرکزی رهبری مینماید، به اساس مصوبات و فیصله های پلینوم شورای مرکزی و کنگره، فعالیت خود را تنظیم نموده دارای صلاحیت ها و وظایف ذیل است:

۱. انتخاب اعضای دارالانشأ از میان اعضای هیئت اجرائیه و شورای مرکزی؛
۲. تأیید و تعدیل تشکیل شعبات شورای مرکزی، تعیین روسای شعبات شورای مرکزی بنا بر پیشنهاد دارالانشأی حزب؛

۳. استماع گزارش دارالانشاء، تصویب طرزالعمل ها و لوابیح کار ارگانهای تشکیلاتی؛
  ۴. بررسی مسایل مربوط به عواید و مصارف و نظارت بر تطبیق مقررۀ امور مالی حزب؛
  ۵. تعیین مسوولان ارگانهای نشراتی حزب، سمت دهی فعالیتهای ارگانهای نامبرده و تعیین پالیسی نشراتی آنها؛
  ۶. تعیین کارمندان حرفوی شعبات شورای مرکزی، شورا های ولایتی، شورا های بیرون مرزی و شهری معادل ولایت؛
  ۷. تحکیم مناسبات نیک و دوستانه با احزاب و سازمان های سیاسی و اجتماعی و تفاهم با آنها غرض تأمین اتحاد ها و ائتلاف ها با رعایت اصول مرامی و سازمانی .
  ۸. تعیین کاندیدا های حزب جهت اشتراک در انتخابات پارلمانی، لویه جرگه و سایر ارگانهای انتخابی و تعیین و تصویب پلاتفورمهای انتخاباتی حزب، عقد پیمانهای سیاسی با سازمانهای داخلی به منظور ایجاد اتحاد و همبسته گی نیروهای دموکراتیک و مترقی کشور،
- جلسات هیئت اجرائیۀ شورای مرکزی طبق پلان کاری، هر دو ماه یکبار و در صورت لزوم، به طور فوق العاده دایر شده میتواند .

#### ماده دوازدهم: دارالانشاء،

- دارالانشاء ارگان دائماً فعال بوده و متشکل از رئیس حزب، معاونین حزب و اعضای دارالانشاء است. اعضای دارالانشاء از جانب هیئات اجرائیۀ شورای مرکزی انتخاب میشوند. دارالانشاء دارای وظایف و صلاحیت های ذیل است:
۱. رهبری کار و فعالیت شعبات شورای مرکزی و ارگان های محلی آن بطور دوامدار و سیستماتیک در فاصله بین دو اجلاس هیئات اجرائیۀ، جهت اجرا و تحقق فیصله ها و مصوبات کنگره، پلینوم و هیئت اجرائیۀ شورای مرکزی.
  ۲. تأمین روابط نیک و دوستانه با سایر احزاب، نهاد ها و سازمانهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حامی صلح، دموکراسی و حقوق بشر، تساوی حقوق زن و مرد در سطح ملی و بین المللی، تحکیم مناسبات نیک و حسنه با ارگان های دولتی بمنظور تأمین شرایط مساعد کار جهت رعایت و تحقق اصول مرامی برنامه ئی و سازمانی،
- جلسات دارالانشاء در هر ماه یکبار و در صورت لزوم بطور فوق العاده دایر شده میتواند.
- هر عضو دارالانشاء فعالیت یک و یا چند شعبۀ شورای مرکزی را کمک و نظارت نموده و به دارالانشاء گزارش میدهد.
- تشکیل و طرز کار شعبات شورای مرکزی توسط طرزالعمل جداگانه مصوب هیئت اجرائیۀ شورای مرکزی تنظیم میگردد.

#### ماده سیزدهم: رئیس،

- رئیس حزب دارای وظایف و صلاحیت های زیرین است:
۱. ریاست کنگره، جلسه شورای مرکزی، هیئت اجرائیۀ و دارالانشاء را به عهده داشته، در رابطه با سایر احزاب و نهاد های بین المللی، از حزب نمایندگی نموده اجراءات خود را در هماهنگی با دارالانشاء تنظیم میدارد. از گزارشدهی اجراءات به موقع، نزد هیئات اجرائیۀ و شورای مرکزی مسوولیت دارد.
  ۲. هماهنگی کار ارگانهای رهبری حزب را تأمین میکند.
- رئیس حزب میتواند برای یک دوره دیگر نیز به این سمت انتخاب گردد.

#### ماده چهاردهم: کمیسیون نظارت و بررسی،

کمیسیون نظارت و بررسی، ارگان نظارت کننده بر اجراءات مواد اساسنامه، امور مالی و اداری حزب است. اعضای این کمیسیون توسط اجلاس شورای مرکزی و از جمع اعضای شورای مرکزی انتخاب میگردد.

#### ماده پانزدهم: سازمانهای ولایتی و سازمانهای برون مرزی،

سازمانهای(نهاد های ولایتی) ولایتی حزب متشکل اند از سازمانهای شهری، ولسوالی، ناحیوی و واحد های اولیه سازمانهای برون مرزی (کشوری) متشکل اند از سازمانهای شهری کشور های مربوطه سازمان حزبی شهر کابل معادل سازمان ولایتی است.

#### ماده شانزدهم: شورا های ولایتی و معادل آنها،

شورا های ولایتی، شورای شهر کابل و شورا های سازمانهای بیرون مرزی عالیترین ارگان رهبری کننده آن سازمانها در محلات اند و از فعالیت خویش به شورای مرکزی حزب، کنفرانس ولایتی و کنفرانس شورا های بیرون مرزی گزارش میدهند. هیئات اجرائیۀ شورای مرکزی میتواند برخی از شورا های شهری را از صلاحیت و وظایف شورای ولایتی برخوردار سازد.

شورا های ولایتی دارای وظایف و صلاحیت های ذیل میباشدند:

۱. رهبری و سمتدهی سازمان ولایتی مطابق اسناد برنامه یی و تشکیلاتی .
۲. اتخاذ تدابیر در جهت فیصله های ارگانهای رهبری کننده و اجرائیوی مرکزی .
۳. تنظیم امور مربوط به جلب و جذب (پذیرش به عضویت حزب) و جمع آوری حق العضویتها و اعانه های اعضای حزب.
۴. تدارک و تدویر کنفرانسها بر بنیاد تصامیم و طرزالعمل ارگانهای مرکزی.
۵. انتخاب و عزل اعضای هیئت اجرائیۀ شورای ولایتی و مسوولین شعبات شورای ولایتی.

شورا های ولایتی میتوانند برخی از صلاحیتهای خویش را به شورا های شهری و شورا های ولسوالی تفویض نمایند.

#### ماده هفدهم:

شورا های ولسوالی، شهری و ناحیوی در ولسوالیها، شهر ها و ناحیوی که در آنها تعداد اعضای حزب بیشتر از ۲۵ تن میباشد، ایجاد میگردد.

شورا های ولسوالی، شهری و ناحیوی، امور سازمانی و تشکیلاتی خویش را مطابق این اساسنامه و رهنمود های شورای ولایتی تنظیم میکنند و از اجراءات خویش به شورا های رهبری مافوق، گزارش میدهند.

#### ماده هژدهم:

واحد های اولیه اساس حزب و حلقۀ وصل آن با مردم است. واحد های اولیه بر اساس محل زیست و محل کار ایجاد میگردد. سازمانهای ولسوالی، شهری و ناحیوی که فاقد ساختار پائینی اند، واحد های اولیه شمرده میشوند.

واحد اولیه دارای وظایف و صلاحیتهای ذیل می باشد:

۱. تبلیغ سیاست حزب در بین مردم و انتقال ذهنیت عامه، پیشنهاد ها و انتقادات اعضا به ارگان رهبری کننده مافوق.
۲. جلب، جذب و پذیرش به عضویت حزب بصورت انفرادی، مطابق رهنمود شعبه تشکیلات .
۳. جمع آوری حق عضویت ها و اعانه ها.
۴. پیشنهاد اخراج از عضویت حزب به ارگان های مافوق.

## فصل چهارم

### احکام متفرقه

#### ماده نهم:

درآمد های حزب علنی بوده از مدرک حق عضویت ها، اعانه ها، فروش نشرات و سایر تشبثات قانونی اقتصادی، تنظیم میگردد.

#### ماده بیستم:

دفتر مرکزی حزب در شهر کابل موقعیت دارد. سازمانهای ولایتی حزب دارای دفاتر خود در ولایات مربوطه میباشد.

#### ماده بیست و یکم: نشرات حزب،

حزب دارای ارگانهای نشراتی است که مروج نگرشهای حزب و انعکاس دهنده وضعیت زنده گی مردم و مطالبات زحمتکشان افغانستان بوده نقش مهمی را در اشاعه و تبلیغ اهداف مرامی و برنامه ئی و سیاست های حزب، ایفاء میکنند.

#### یادداشت:

این اساسنامه در چهار فصل و بیست و یک ماده ترتیب شده است.

### د افغانستان د خلکو نوی گوند تگلار

#### لومړی څپرکی

#### ټولیز آرونه

#### لومړی ټوک : د گوند پېرند

د افغانستان د خلکو نوی گوند ( چي له دې وروسته به په دې تگلار کې د گوند په نامه یادېږي ) ، سیاسي خپلواک ، پرمختگپال ( ترقی خواه )، لارښود او دېموکراتیک سازمان دی چې د هېواد اوسني اکر سره سم د هېواد د نیاو پال غورځنگ او خپلواکي غوښتونکو اوږد مهاله مبارزودلارې لاروی دی. دټولنی ډېر پوه وگری به د خپل کرنیرې موخو د پلي کولو لپاره په یوه هدانه کې سره راټولوی.

د گوند ټولنیز بنسټ به د هېواد له پراخو پوړونو څخه چې له کارکونکو، کروند گرو، زیار گالونکو، دېموکراتو روڼ آندو، فرهنگیانو، دپوهنتون استادانو، ښوونکو، زده کوونکو، دولتي ادارو کارکوونکو ، تحصیلی موسسي، دکترانو ، د ټولنیزو اسانتیاوو کارپوهانو، او نور نیاو پالو ټولنیزو ډلو نه جوړشوی وی ، جوړېږي.

#### دویم ټوک: ادانیز آرونه (تشکیلاتي اصول)

۱- دگوند بنسټیزې کرنې د سازمان دننه د رښتیني دېموکراسي ، د گردو اورگانونو او چلونکو ټاکنیز غوراوي ، گډو پرېکرو، د غوره شویو اورگانونو دپرېکرو نوښتگرانه رښتیاينې، د غورځنگ په ټولو پوړيو کې د کړو وړو گزارش وړاندېښي ، ځانڅيري (آگاهانه ) انضباط ، جونتيا او په ډاگه وپینه،دگډي ملتيا او يووالي لوبنې(روحبي) ، ځانتېرېدنې او سازمانې گټو ته په لومړيتوب ورکونه جوړېږي .

۲ – د گوند موخيز يووالي: د گوند د کرنلار پلي کول، په گوند کې دغړيتوب رښتیني نښه ده.

#### دریم ټوک:

۱- که چېرې په دې تگلار کې بل خپل کښل شوی نه وي نو دگوند په ټولو اورگانونو کې غونډی، په غونډو کې د دغو اورگانونو غړو دډېرې گډون پر بنسټ رسمیت مومی.

۲- د گوند نه د يو غړی د شړلو(ایستلو) پرېکړه د سوبو غړو د دوو پر دريو برخو رايو په پایله تر سره کېږي.

#### دویم څپرکی

#### غړيتوب ، او دغړو رښتیني او دندې

#### څلورم ټوک : دغړيتوب آرونه (شرایط):

په گوند کې غړيتوب خپل خوښی ( داوطلبانه ) دي.

د هېواد هر وگری چې ۱۸ کلنی ته رسېدلی وي ، دگوند کرنلار او تگلار ومني او دهغوی په پلي کولو کې هڅه وکړی، په گوندی غونډو کې په پرله پېيلي او فعاله توگه گډون وکړي، غړيتوب گډونپه (حق العضويت) او دغړيتوب ونډه ورکړي او دنورو سياسي سازمانونو غړيتوب ونه لری ، د افغانستان د خلکو نوی گوند غړی کېدای شي .

گوند ته د غړيتوب منښت په ځانگړې (انفرادی ) توگه د لومړنيو جوړښتونو له خوا دسوبو غړو د رايو په ډېرې اود سيمه ييزو شورا گانو، ولسواليو، ښاري او د هېواد نه بهر شوراگانو (بهرنی شورا گان) له خوا له منلو او هوکړې وروسته تر سره کېږي.

غړيتوب ته لېوال وگری به به هغو غونډو کې کډون وکړی چې دده دمنلو په هکله پرېکړه کوی.

ډله ييز منښت د گوند دمرکزي شورا له خوا ترسره کېږي .

#### پنځم ټوک : دگوند د غړو رښتیني ( حقوق)

د گوند په جوړښت کې د غړو رښتیني، ددوی د گوندی موقف ته به نه پاملرنو سره ټول يو شان او برابر دي.

د گوند هر غړی دارښته لري چې په غونډو کو د گوند پر سياستونو، دگوند پر چال چلند او د گونداروند پر سياسي او سازمانی سکالو گانو ( موضوعات) باندې د خبرو او خپلي رايې د څرگندولو په ترڅ کې د گوند سياستونو په سمون کې برخه واخلي.

دگوند هر غړی دارښته لري چې د گوند د کورنيو ټولټاکنو په بهير کې دغورځنگ ټولو پوړيو (مقامونو) او اورگا نونو ته ځان ونوموي او يا هم بل غړی غوره کړی، يا خو په ټولټاکنو کې خپلځان نومول په سيده او خپلخوښی توگه غونډی ته وړاندې کړي.

د گوند هر غړی د پورتنیو اورگانونو د پریکړو او کړو وړو نه د خبرېدلو رېښه لري، دخپلو وړاندیزونو او کړو وړو د څرنگوالي په برخه کې د خبریدو رېښه لري. هر غړی دا رېښه لري چې په هغو غونډو کې چې دده / ددی / کړه وړه تر پوښتنو دروږینو لاندې راځي، برخه واخلي، او په یوه دېموکراتیکه فضا کې له ځانه دفاع وکړي او دغو غونډو دپریکړو دنه منلو په ترڅ کې تر پورتنیو اورگانونو، ان تر لویې غونډې (کنگرې) پورې دلیکاني شکایت حق لري. هر غړی دا رېښه لري چې د ټولنیزو، او پر مختللی فرهنگي سازمانونو غړیتوت تر لاسه او یا خو په خپله ددی سازمانونو په جوړولو لاس پورې کړي. هر غړی دا رېښه لري چې د گوند د غړو او گوندی اورگانونو کار او کړه وړه تر رڼنده او گټورو نیوکو لاندې راولي.

### شپږم ټوک : د گوند دغړو دندې او مکلفیتونه :

دگوند هر غړی دنده لري چې:

- ۱- د گوند په کړنلار کې د راغلی موخو او دگوند په تگلار کې کښلی لیکو رښتیاپنی (تحقق) په لاره کې مبارزه وکړي.
- ۲- خپل سیاسي او فرهنگي پوهې د کچې په لوړلو کې هاند او هڅه وکړي.
- ۳- د نوراندیزو ( دگر اندیشان) په وړاندې د زغم وړ چلند په کولو سره د هغوی په ملتیا د گڼو موخو په پلي کولو کې د گډ کار لپاره هڅې وکړي.
- ۴- دخلکو په منځ کې دگوند انساني ارزښتونه، روان سیاست او دگوند لیدلوری خپور کړي او دگوند په غونډو او او ناستو کې کارنده برخه واخلي.
- ۵- د ټولنیزو سازمانونو په کار او هڅو کې دې کارنده برخه واخلي.
- ۶- د گوند پیاوړتیا او څومره بیزې څرنگیزې (کمي کیفی) ودې لپاره هلې ځلې وکړي.
- ۷- د گوند د کړنلار او تگلار سره د ناسمو او او نورو وروسته پاتې دودونو دستورونو، ځانځواکي او تېرنيو لېوالتیاوو سره مبارزه وکړي.
- ۸- خپل میاشتنی غړیتوب گڼوبه (حق العضویت) په پر له پېيلې توگه گوند ته وسپاري.

### اووم ټوک : له گوند سره د اړیکو پری کول او سزا ورکونه:

هر غړي ته چې د غور څنگ د تگلارې له ارونو تېری کوي، په وینه (شفاهي)، یادونه (توصیه)، گواښنه (اخطار) او له گونده په ایستنه سزا ورکول کېږي. له غړیتوبه دشرني پرېکړه، د اړوندې کړی (حوزي) له خوا ترسره کېږي او دلور سازمانی شورا له خوا پلي کېږي. هر غړي غړي ته چې سزا ورکول کېږي، کولای شي چې په هغه غونډه کې گډون وکړي چې ده | دې ته د سزا ورکولو لپاره جوړېږي او د پریکړې د نه منلو په صورت کې د گوند پورتنی اورگانونو آن د گوند کنگرې ته په لیکاني ډول خپل پلېوت (شکایت) وړاندې کړي. له گوند نه شړل تر ټولو سخته سزا ده. له دې کبله په دې هکله د پریکړو لپاره باوري او رښتینو لاسوندونو ته اړتیا شته. هر غړي دا رېښه لري چې په خپله خوښه او یا هم د رښتینو لاملونو له کبله له گوند سره خپله پریکړه په لیکاني توگه څرگند کړي.

### دریم څپرکی

### ادانیز جوړښت ( ساختار تشکيلاتي) او د گوند اورگانونه

#### اتم ټوک : د گوند اډانه ( تشکيلات) له لاندیني اورگانونو څخه جوړ شوی:

- ۱- لومړنی کړی ( واحد های اولیه).
- ۲- د هستوگني د سیمو کړي چې دادی : ( ولایتي، ښاری، ولسوالی، ناحیې او بهرنی).
- ۳- د څارني او پلنتي کميسيون.
- ۴- دارالانشأ
- ۵- اجرايیه پلاوی
- ۷- کنگره

#### نهم ټوک : د گوند کنگره

دگوند کنگره د پریکړو لوړترین لارښود اورگان دي چې د ولایتي کنفرانسونو د ټاکل شویو استازو، په هېواد کې دننه د ولایت تر کچې ښارونو او د هېواد نه بهر د بهرنیو کړیو له ټاکل شوو استازو په کارنده برخه اخیستني سره جوړېږي.

کنگرې ته د استازو د غوره کولو څرنگوالي او اړونه په اړین وخت کې د گوند د اجرايیه پلاوي له خوا د یو ی جلا لارښوونې په ترڅ کې به په گوته کېږي. کنگره لاندیني رښتي ( صلاحیتونه) لري:

- ۱- دکنگرې د ددو ناستو تر منځ د مرکز شورا د گوزارش اوریدنه.
- ۲- د گوند د ستراتیژیکو لارو ټاکل او په کړنلار او تگلار کې بیا سمون (تعديل).
- ۳- د گوند د سروال (رییس)، د مرکزي شورا د غړو او گوند ته دڅارني او پلنتي د کميسيون سروال ټاکنه او غوره کونه،
- ۴- دگوند لپاره د نوم، بیراغ، مهر او نښان غوره کونه.
- ۵- د گوند د رنګېدو پریکړه.

د گوند کنگره په عادي ډول هر درې کاله یو ځل جوړېږي.

د گوند ناواریزه او فوق العاده غونډه کولای شي چې په خاصو حالاتو کې د مرکزی شورا دغړو ددو پردرو برخو پریکړه جوړه شي. د فوق العاده غونډې دجوړېدو چارې به د مرکزی شورا په لارښود او یا د هغه اورگان په لارښوونه چې د مرکزی شورا له خوا یې دنده تر لاسه کړی تر سره شي.

د کنگرې نصاب د استازو د دوو پر درو برخو گډ ون سره پوره کېږي او د کنگرې پریکړې دسوبو استازو دپریو په رایې تر سره کېږي.

#### لسم ټوک : د گوند مرکزی شورا

د گوند مرکزي شورا ددوو سراسري کنگرو ترمنځ د گوند لوړترین لار ښود او سموال اورگان دی.

مرکزی شورا لاندیني رښتي او دندې لري:

- ۱ دگوند دسروال د مرستیالانو، د اجرايیه پلاوی او د پلنتي او څارني د کمسیون د غړیو غوره کونه او ټاکنه.
  - ۲- د ددو کنگرو د جوړېدو تر منځ دگوند پر روان سیاسی چال چلند باندی هوکړه یا هم بیا سمون (تعديل).
  - ۳- د گوند د فوق العاده ( ناواریز) غونډي رابلنه.
  - ۴- د اجرايیه پلاوي او د پلنتي او څارني د کمسیون دگوزارشونو اوریدنه.
- د مرکزی شورا عادی غونډه ( پلینوم) په کال کې یو ځل جوړېږي.
- دهغه فوق العاده او ناواریزي غونډی به د مرکزی شورا د غړو د دوو پردرو رابو غوښتنه او در اجرايیه پلاوي د هوکړی ورسته کیدای شي چې ناواریز او مخکی تر مهاله جوړ شي.

#### یوولسم ټوک : اجرايیه پلاوی ( هیأت اجرايیه)

د مرکزی شورا اجرايیه پلاوی چې ددوو کنگرو تر منځ د گوند چال چلند د پر مخ بیولو پازه په غاړه لري، د مرکزی شورا د پلینوم دپریکړو پر بنسټ خپلی دندې پر مخ بیایی او دا لاندې رښتي او دندې لري:

- ۱- د مرکزی شورا او اجرايیه هیأت پلاوي له غړو نه د دارالانشاء دغړو ټاکنه،
- ۲- د مرکزی شورا د دفترونو ادانیز جوړول او بیا سمون، د دارالانشاء د وړاندیز پر بنسټ د مرکزی شورا د دفترونو د چلونکو ټاکنه.
- ۳- د اجرايیه پلاوي د گوزارش اوریدنه، ادانیزو اورگانونو ته لارښوونو او کاري پلانونو ټاکل،
- ۴- د ایر ( عاید) او لگښت ( مصرف) سکالوو څېړنه او د گوند پر مالی چارو او پریکړو باندې څارنه،

۵ - د گوند دخپرنیزو اورگانونو د چلوونکو ټاکنه ، ددغو اورگانونو کارندويي(فعاليت) ته لوری ورکول او خپرنیزه پالیسي ور ټاکل ،  
 ۶ - د مرکزی شورا، ولایتي شورا گانو، بهرني شورا گانو او د ولایت په کچه بنارونو دفترانو ته د ځانگیزو( حرفوي) کارکونکو ټاکنه،  
 ۷ - دکرنلاري او تگلاري پر ارونو باندی سم نورو پرمختللو سياسي ټولنيزو سازمانونو سره د اړیکو ټینګول( ټامینول ) .  
 ۸ - لویي جرگي او پارلمان ته دغورځنگ دنومانو (کانديدانو ) او دغورځنگ د ټاکنيزو(انتخاباتي ) وستلونو(پلاتفورمونو) لارښوونه ، د ديموکراتو او پر مختللو  
 ځواکونو د همغږی او پيوستون په موخه د کورني سياسي سازمانونو سره پر تړونونو باندې هوکړه .  
 د اجرائیه پلاوي غوندي د مرکزي شورا د پلانونو پر بنسټ په هرو دوو مياشتو کې يو ځل او د ضرورت پر مهال په ناواړيز او فوق العاده توگه هم جوړيداي شي.

#### دوولسم ټوک : دارالانشأ

دارالانشأ د گوند تل کارنده ( فعال) اورگان دی چې د گوند له سروال، مرستيالانو او ددارالانشأ د غړو نه جوړشوی دی. دارالانشأ د اجرائیه پلاوي له خوا ټاکل کېږي.

دارالانشأ دا لاندې دندې او رښتې لری:

۱- په پرله بېبلی او سیستماتيک ډول دکنگرې او پلینومونو دپریکړو د پلي کولو لپاره، د اجرائیه پلاوي او مرکزی شورا اړوندو شعبيو ته داجرائیه پلاوي د دوو غونډو تر منځ د مرکزی شورا د شعبو او دهغه سیمه ایزو اورگانونو د کړو وړو لارښوونه،  
 ۲ - دکرنلاري او تگلاري د ارونو د پلي کولو په موخه نورو گوندونو او سياسي بنسټونو او سازمانونو لکه، د سولی دپلویانو ټولنيز او فرهنگي سازمانونه، بشری رښتو سازمان، په نړیوال او هېواد کچه د بنځو سره د اندول رښتو اورگانونه او له دولتي اورگانونو سره د نېکو اړیکو ټینګونه.  
 د دارالانشأ غوندي په هره مياشت کې يو ځل او د ضرورت په حال کې په ناواړيز ډول هم جوړيداي شي.  
 ددارالانشأ هر غړی د مرکزی شورا د يو يا څو دفترانو سره مرسته او د هغوی دچارو څارنه کوي، او اجرائیه پلاوي ته دخپل کار گزارش ورکوی.  
 د مرکزی شورا د دفترانو اډانه او د کار لارښوونه د يو ځانگړی کرنلیک په تر څ کې د مرکزی شورا د اجرائیه پلاوي له خوا تر سره کېږي.

#### دیارلسم ټوک : سروال ( رييس)

دگوند سروال د دي لاندې دندو او واکونو څښتن دی :

۱ - د کنگرې مشري، د مرکزی شورا د غونډو ، ددمرکزي شورا د اجرائیه پلاوي او د دارالانشأ د غونډو سمبالښت ، او دنورو سازمانونو او سياسي جوړښتونو په نړیوالو او ملي غونډو او خبرو کې ، دگوند استازيتوب کوي. د کنگرې غونډې ته دگوند دلوړو اورگانونو دپریکړو پر بنسټ دکارلوریو په ټاکلو کې مرکزی شورا ته مسوول دی.

۲ - د گوند د لارښودو اورگانونو د کار همغږی کول پر غاړه لري.

#### څوارلسم ټوک : د څارني او پلټني کميسيون

د څارني او پلټني کميسيون ، د گوند دکرنلار او تگلار پر پلي کولو او د مالی او اداري چارو د څارني پازه په غاړه لري. ددي کميسيون غړي به د مرکزی شورا په غونډه کې د مرکزی شورا د غړو له منځه ټاکل کېږي.

#### پنځلسم ټوک : ولایتي او د هېواد نه بهر سازمانونه

د گوند ولایتي سازمانونه د گوند له بناري اړوندو سازمانونه څخه جوړېږي.

د کابل ښار حزبي سازمان د يو ولایتي سازمان په توگه گنل کېږي.

#### شپاړلسم ټوک : ولایتي او هغوی ته ورته شورا گاني.

ولایتي شورا گاني، د کابل ښار شورا او دهېواد نه بهر شورا گاني او سازمانونه په سیمو کې د هغو شورا گانو او سازمانونو لور ترين لارښود اورگانونه دي او له خپلو کارونو څخه مرکزی شورا، ولایتي کنفرانس او بهرني شورا گانو ته گزارش ورکوی. د مرکزی شورا اجرائیه پلاوي دا رښتې لري چې ځيني ښاري شورا گانو ته د ولایتي شوراگانو په کچه واک او رښتې ورکړي.

ولایتي شوراگاني دا لاندې دندې او رښتې لری :

۱- د اډانيز او کرنلاريو لاسوندونو پر بنسټ ولایتي سازمانونو ته لوري ورکونه،

۲ - د لارښوونکي اورگانونو د پریکړو د پلي کولو په لار کې د گامونو اوچتول.

۳- گوند ته د نوو غړو د را څکولو ( جلبولو) او دغړو منښت، د غړيتوب گډوښتي او مرستود راڅکول او راتولولو د چارو د سموني دنده په غاړه لري.

۴ - د مرکزی اورگانونو د پریکړو پر بنسټ د غونډو او کنفرانسونو جوړول.

۵ - د ولایتي شورا گانو داجرائیه پلاوي د غړيو ټاکنه او يا هم لري کول.

ولایتي شورا گاني کولای شي چې خپلي ځيني رښتې او دندې، ښاري او د ولسواليو شورا گانو ته ولېږدوي.

#### اوه لسم ټوک :

د ولسواليو شورا گاني، ښاري او سیمه ايزي شو را گاني په هغه ځایونو کې جوړېږي چې له ۲۵ تنو څخه زیات غوندي غړی هستوگنه لري. د ولسواليو شورا گان، ښاري او سیمه ايز شورا گان خپل سازمانی او اډانيزی چاری ددي تگلار پر بنسټ رغو او له خپلو کړو وړو څخه لارښوونکي لوړو شورا گانو ته گزارش ورکوي.

#### اتلسم ټوک :

لومړنی کړی ( لومړنی واحدونه) د گوند بنسټيزی کړي دي چې د گوند اړیکي له خلکو سره ټینګوي. لومړنی کړی د غړيو د ژوند او کار په اړوند جوړېږي. هغه ښاري، ولسوالی، او سیمه ايز سازمانونه چې د دغو کړيو درلودنکي نه دي، لومړني کړی گنل کېږي.

لومړنی کړی دا لاندې رښتې او دندې لري:

۱ - د خلکو په منځ کې د گوند د سیاستونو رواجول او تبلیغ، لارښوونکي پورتنی اورگانونو ته د غړيو د وړاندیزونو او نیوکو رسول او وړاندې کول.

۲ - د اډانيزي شعبي د لارښوونو پر بنسټ گوند ته ځانگړو غړو راڅکول او منښت.

۳ - دغړيتوب گډوښتي او مرستو را ټولول.

۴ - پورتنی اورگانونو ته، له گوند نه د غړي د ایستلو وړاندیز.

#### څلورم څپرکی

#### نوري چارې

#### نونسیم ټوک:

د گوند د اېر( عاید) سرچیني جوته دي چې له غړيتوبگډوښتيو، خپل خوښو مرستو، د خپرونو د خرڅلاو او نورو قانوني وټيز( اقتصادي) کارنده هلو ځلو له لاری لاس ته راځي.

#### شلیم ټوک :

د گوند مرکزی ناستځای ( دفتر) د کابل په ښار کې دی. د ولایتي سازمانونو ناست ځایونه به پخپلو ولایتونو کې وي.

#### یوویشم ټوک :

گوند به ځانته خپروني لري چې دا خپروني دگوند دلیدلوریو، دخلکو دژوندانه ډاکر اود زیار کښانو دغوښتنو ځلندويه( منعکسونکي) دي ، دگوند دروانو سیاستونو دتبلیغ او دکرنلاري او تگلاري په پلي کولو کې ستر رول لوبوي .

#### یادووننه

دغه تگلاره په څلورو څپرکو او یو ویشتو ټوکو کښل شوی دی.

## مرامنامه حزب نوین مردم افغانستان

### اول - دیباچه

حزب نوین مردم افغانستان در شرایطی اساس گذاشته شده است که جنبش دموکراتیک کشور یک مرحله طولانی شکست و پراکنده گی را پشت سر میگذارد.

حزب نوین مردم افغانستان از مبارزات آزادیخواهانه و دادجویانه مردمان افغانستان در طول تاریخ پر افتخار کشور الهام گرفته، فعالیت‌های خود را در تداوم آن مبارزات انسجام می بخشد.

حزب نوین مردم افغانستان اهداف ووظایف عام دموکراتیک را برای از سرگیری حرکت دادخواهانه، در برابر خود قرار داده و شهروندان ترقیخواه و دموکرات کشور را جهت ایجاد یک تشکل گسترده سیاسی - اجتماعی - فرهنگی فرامی خواند. حزب جدید افغانستان آینده را نی به حیث یک آرمان تخیلی بل به حیث یک «واقعیت در حال شدن»، یک طرح بنیافته بر امروز جامعه تلقی می کند. حزب نوین مردم افغانستان جامعه مبتنی بر عدالت اجتماعی را به حیث یک «امکان تاریخی» مطرح می کند؛ امکانی که تنها در صورت اشتراک آگاهانه گسترده ترین اقشار و طبقات مردم در روند های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اندیشه یی - فرهنگی، تحقق پذیراست.

حزب نوین مردم افغانستان وظایف خود را در پیوند با واقعیت‌های امروزی افغانستان و جهان و مبتنی بر اصل "انسان محوری" تعیین میدارد. در وضعیت کنونی، در داخل حرکت عمومی دموکراتیک و مترقی افغانی، مرزبندی‌های جدیدی در حال تکوین اند. حزب جدید افغانستان تلاش می‌ورزد تا نیروی دموکراتیک کشور را تقویت و بسیج کند، ظرفیت رهبری آن را در جامعه تحکیم بخشد و صفوف گسترده مبارزان دادخواه و دموکرات را در خود متشکل سازد.

حزب نوین مردم افغانستان، چسپیدن دگماتیک به ایدئالوژیها را از بنیاد مورد نقد قرار داد، «نوسازی اندیشه یی» را به حیث پیشزمینه نوسازی سیاسی و سازمانی جنبش دموکراتیک مطرح می کند.

تحقق یک الترناتیف دموکراتیک یگانه راه برونرفت از وضعیت فاجعه بار کنونی کشوراست، ولی بی ثباتی، فساد سراسری، اشغال وضعیت سیاسی توسط نیرو های غیرمردمی روند پیروزی این الترناتیف را کند ساخته است. بر بنیاد همین واقعیت است که حزب نوین مردم افغانستان در راه تبارز مستقلانه جنبش دموکراتیک دگرگون ساز در وضعیت سیاسی تلاش می‌ورزد تا شرایط بایسته ذهنی را از طریق پاگیری یک سازمان بزرگ متعلق به اقشار فرودست جامعه، به وجود آورد. حزب در هر حرکتی که به نفع انسان مظلوم و زحمتکش جامعه، تقویت نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه، استقرار دموکراسی واقعی، تأمین و تحکیم استقلال و حاکمیت ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور باشد با احساس مسوولیت و پیگیری شرکت خواهد کرد.

اهداف و وظایفی که در این مرامنامه تبلور یافته اند، چشم انداز جدیدی را در برابر نیروهای مترقی و عناصر آگاه افغانی جهت همسو سازی فعالیت‌های سازنده شان در یک سازمان دگرگون ساز، می گشایند و زمینه گسترش سازمانی حزب را فراهم میسازند.

## دوم - اوضاع کنونی

### ۱: در سطح کشور

#### الف - وضعیت سیاسی - امنیتی:

کشور را بحرانی مزم و همه جانبه فراگرفته است. وضع سیاسی - امنیتی کشور بهبود نیافته، جنگ و نا امنی در بسیاری از مناطق کشور ابعاد گسترده تری کسب میکند.

دردرون حاکمیت، مبارزه برای کسب سود و قدرت بیشتر بین جناح های مختلف حاکم تشدید مییابد و این امر موجب گسترش بی ثباتی بیشتر میشود.

ضعف و ناکارایی دولت مرکزی باعث گردیده تا محلات کشور همچنان جولانگاه قدرت بلامنازع زورمندان محلی باقی بماند. در نتیجه جنگ و تبعات ناشی از آن ساختار اجتماعی - اقتصادی کشور دچار دگرگونی شده است. در کنار نیرو های عقب‌گرای سنتی قشر ناهمگون نواخته یی ظهور کرده است. این قشر همزمان با غضب و تصاحب قسمت اعظم ثروت جامعه حاکمیت سیاسی دولتی را نیز به طور عمده در اختیار دارد.

حضور نیروهای خارجی باعث تضعیف حاکمیت ملی کشور گردیده، مداخلات بیرونی، و تمایلات جدایی طلبی گروه های معین، تمامیت ارضی کشور را بیش از پیش آسیب پذیر کرده است.



عدم وجود یک الترناتیف دموکراتیک و موجودیت انبوه سلاحهای کشنده در دست نیروهای عقبگرا و برخورداری آنها از حمایت بیرونی و امکانات مالی سرشار، بخصوص عواید ناشی از مواد مخدر و غیره موجب گردیده تا وضع سیاسی در بست از اختیار مردم و نماینده گان واقعی آن بیرون باشد.

جنبش دموکراتیک کشور در کنار سایر عوامل، از جمله پراگنده گی اندیشه یی و تشکیلاتی، در وضعیت سیاسی جاری کشور حضور ندارند. از این رو تحولاتی که در عرصه سیاسی کشور روی میدهند خارج از اراده و نفوذ آن است.

دامنه بحران روز تا روز فراختر شده میروند و چشم انداز امید بخشی برای پایان جنگ، تأمین نظم و ثبات دایمی، استقرار صلح پایدار، رشد مستمر اقتصادی و ارتقای سطح زنده گی مردم در چوکات مناسبات حاکم کنونی به نظر نمی رسد.

### ب - وضعیت اقتصادی:

بیشتر از هشتاد درصد نفوس کشور با عاید کمتر از یک دالر در روز زیر خط فقر زنده گی میکنند. از لحاظ وضعیت معیشتی سه چهارم روستاییان جامعه افغانی در فقر مطلق و کشنده قرار دارند.

آهنگ رشد اقتصادی کشور در سطح نازل قرار دارد. در وضعیت کنونی که تعداد قابل ملاحظه یی از نیروهای مساعد به کار، قربانی جنگ و بی امنیتی گردیده، از روند تولید خارج میشوند و بخش بزرگی از دارایی و ثروتهای ملی تخریب و غارت میگردد، تحقق آنچه میزان رشد اقتصادی که جوابگوی نیازمندیهای کشور، رفع عقبمانده گی دیرین و بهبود زنده گی زحمتکشانش باشد در چوکات مناسبات مسلط کنونی مقدور نیست.

نی تنها در جهت رفع خسارات ناشی از جنگ دوامدار فعالیتهای مؤثر صورت نگرفته بلکه هیچ برنامه جامع کثیرالجوانب و هماهنگ برای باز سازی کشور مطرح نشده است.

اقتصاد کشور به اقتصاد کاملاً مصرفی تبدیل گردیده، سیمای بیلانس تجارت خارجی کشور در واقع بازتاب دهنده فاجعه اقتصادی است.

بخش بزرگ سرمایه گذاری در عرصه های غیر ضروری و تجملی، به ویژه ساختمانهای غیر ضروری، متمرکز گردیده و در نتیجه مردم بیش از پیش از دسترسی به نیازهای اولیه زنده گی محروم گشته اند.

فساد اقتصادی - اداری تمام نهاد های اداره دولت را فرا گرفته و به سرعت در بین سازمانها و مؤسسات غیر دولتی گسترش یافته و به مانع اساسی در برابر بازسازی و توسعه اقتصادی تبدیل گردیده است.

میزان بیکاری در کشور سرسام آور است؛ هم اکنون بیشتر از پنجاه درصد از افراد مستعد به کار بیکار اند و گروه های بزرگی از آنها برای جستجوی کار به کشور های همسایه میروند.

وضع زراعت در کشور بد تر از هر زمان دیگر است. این سکتور در اثر سه دهه جنگ شدیداً صدمه دیده، زیر ساختهای اقتصادی، شبکه های آبیاری، جنگلات و علفچرها تخریب شده، ظرفیت تولیدی سکتور زراعت و مالداری بطور قابل ملاحظه تقلیل یافته است و ضرورت برای واردات مواد غذایی روز تا روز بیشتر میگردد. قابلیت کاری دولت برای عرضه خدمات زراعتی مؤثر و کافی، بینهایت تضعیف گردیده است.

غضب زمینهای دولتی و ملکیتهای عام المنفعه به وسیله زورمندان، ادامه دارد. اقتصاد مبتنی بر تریاک در کشور به مرز بی سابقه رسیده است. اقتصاد مواد مخدر در تمام عرصه های زنده گی اقتصادی - اجتماعی کشور ریشه دوانیده است.

### ج - وضعیت اجتماعی:

فرایند وضع سیاسی، امنیتی، اقتصادی بر وضع اجتماعی کشور اثرات بسیار ناگواری به جا گذاشته است.

افغانستان از نظر مرگ و میر بدترین وضعیت را در جهان دارد؛ روزانه هزاران کودک به علت ابتلا به بیماریهای مختلف جان میدهند.

وضع خدمات صحتی در کشور بسیار دردناک است. کنار رفتن دولت از تأمین خدمات صحتی رایگان برای مردم و سپردن آن به بخش خصوصی، کمبود پرسونل صحتی، شفاخانه و دارو باعث افزایش مرگ و میر در بین اقشار زحمتکش و کم درآمد کشور گردیده است.

وضع آموزش در کشور علی الرغم گامهایی که طی سالهای اخیر در این عرصه برداشته شده هنوز بسیار اسفبار است.

کمبود و گرانی مسکن یکی از عمده ترین پرابلمهای کشور را تشکیل میدهد.

کوچیان کشور حد اقل وسایل انسانی زنده گی را در اختیار ندارند.

زنان از حقوق و آزادی های شایسته خویش بی بهره اند و گام چشمگیری در راه بهبود وضع زنده گی آنان از جمله مسئله تسجیل برابری حقوقی آنان با مردان، لغو ازدواج اجباری، آزادی اختیار شغل و حرفه، آزادی حق مسافرت، آزادی انتخاب همسر و غیره - نی از طریق وضع قوانین و نی از طریق گامهای اجرایی - برداشته نشده است.

کودکان محروم ترین قشر جامعه افغانی را تشکیل میدهند. اکثریت مطلق آنان از بدیهی ترین حقوق و امتیازات مانند صحت، آموزش و غیره محروم اند. صد ها هزار کودک خورد سال کشور به انجام کار های شاقه محکوم اند و یا برای کمک به خانواده های فقیر شان به کار های مزدوری و طاقت فرسا می پردازند.

جوانان، به ویژه جوانان متعلق به طبقات و اقشار فرودست جامعه، یکی از لایه های وسیع اجتماعی است که به شدت آسیب می بینند. این نیروی عظیم اجتماعی با قیمت ارزان در جنگهای جاری مورد استفاده قرار می گیرند و از عرصه زنده گی ساقط میگرددند. جوانان در بی سر نوشتی به سر میبرند. اکثریت بزرگ جوانان کشور از کار، تحصیل، تفریح، ورزش و دیگر حقوق و امتیازات بدیهی محروم اند.

وضع فاجعه بار کنونی باعث شده است تا کتله های بزرگ هموطنان، به ویژه جوانان، راه پر مشقت مهاجرت را پیش گیرند.

اعتیاد به مواد مخدر به یکی از وحشتناک ترین معضلات اجتماعی افغانستان مبدل شده است، هر روزه به تعداد معتادان در بین جوانان، مردان، زنان و حتی کودکان کشور افزوده میشود.

## ۲: در سطح جهان و منطقه،

بشر در چرخشگاه عظیم تاریخ خود قرارداد. رشد سرسام آور نیروهای مؤلده که نتیجه انقلاب تکنالوژیک سرمایه داری است، از یک سو چشم اندازهای فراخی را برای حل مسایل بشریت باز کرده است و از سوی دیگر انسان را بیشتر از پیش تحت تسلط منطق تراکم سرمایه و افزایش سود قرار داده است. کاربرد علوم و تکنالوژی پیشرفته در عرصه تولید در کشورهای بزرگ صنعتی سرمایه داری دو پیامد متضاد را در قبال دارد: از یک جانب بارآوری تولید را ارتقا بخشیده باعث ازدیاد ارزش افزوده میگردد و از این طریق به انباشت بیشتر سرمایه یاری میرساند و از جانب دیگر بخشهای بزرگ کار زنده را از عرصه تولید برون کرده باعث بیکاری کتله های بزرگ کارگران کشورهای مرکزی سرمایه داری میشود. همزمان با انقلاب تکنالوژیک، سرمایه داری به انبساط خود دسراسر کره خاکی می پردازد تا بازارهای جدیدی را برای مصرف مازاد تولید مراکز خود دست و پا کند.

یکی دیگر از مشخصات کنونی دوران حاضر، رسیدن راست ترین لایه های نظام سرمایه داری در رأس هرم قدرت می باشد. هم اکنون نئو کنسرواتیوها در تعدادی از کشورهای بزرگ سرمایه داری در رأس قدرت قرار دارند. جهانی شدن سرمایه داری نیو لیبرال نی تنها بر کشورهای اطراف تأثیرات سؤ به جا گذاشته، بلکه باعث پایین آمدن سطح زنده گی توده هادر کشورهای بزرگ سرمایه داری نیز گردیده است. در اثر اجرای سیاستهای نیو لیبرالی، طبقه کارگر و سایر اقشار زحمتکش کشورهای بزرگ صنعتی سرمایه داری امتیازاتی را که در نتیجه مبارزات فداکارانه طولانی طی قرون متمادی به ویژه بعد از جنگ دوم جهانی به دست آورده بودند از دست میدهند. در نتیجه سیاستهای زورگویانه، خشونت در مناسبات بین المللی تشدید گردیده و تروریزم سازمان یافته به اشکال گوناگون آن به طور بی سابقه یی گسترش می یابد.

استفاده بی رویه سودجویانه از منابع طبیعی جهان باعث تهی شدن کره زمین از منابع طبیعی و آلوده گی خطرناک و بی مانند محیط زیست می گردد. تشدید مسابقات تسلیحاتی به ویژه طی سالهای اخیر و امکان دستیابی بیشتر کشورها به سلاح هسته یی جهان را بیش از هر وقت دیگر به مکان نا امن مبدل کرده است.

بعد از سه دهه افت و شکست و سرخورده گی، جنبش های دموکراتیک و ترقیخواه در جهان در حال سربلند کردن و اوجگیری اند. مبارزه مردمان در عرصه جهانی ابعاد و اشکال تازه اتخاذ کرده است.

مبارزات مردمان جهان برای آزادی، دموکراسی و تأمین عدالت اجتماعی در سیمای جنبش های عظیم متجلی میگردد. جنبشهای ضد جنگ، جنبشهای زنان برای رفع تبعیض جنسی و رهایی از ستم، جنبشهای ضد جهانی شدن سرمایه، جنبشهای حفاظت محیط زیست، روزتا روز گسترش می یابند.

## سوم - اهداف مرامی

### ۱- در عرصه های سیاسی - حقوقی و نظامی - امنیتی،

حزب نوین مردم افغانستان مطابق مندرجات قانون اساسی کشور فعالیت کرده، ارزشهای معنوی و اعتقادی مردمان افغانستان را رعایت می کند. حزب نوین مردم افغانستان معتقد است که ایجاد یک دولت واقعاً دموکراتیک، مستقل، یکپارچه و دارای حاکمیت ملی، که ممثل ارده مردم افغانستان و ضامن منافع آنها باشد و بتواند کشور را از بحران عمومی بیرون کشد، صلح پایدار، امنیت، آزادی و استقلال را تأمین و تحکیم بخشد، از تمامیت ارضی کشور دفاع و حراست نماید و جامعه افغانی را به سوی توسعه، انکشاف، ترقی و بهبودی زنده گی زحمتکشانش سوق دهد، به ضرورت مبرم و حیاتی مردم افغانستان و آرمان تاریخی آنها مبدل گردیده است.

حزب نوین مردم افغانستان از این آرمان بزرگ و تاریخی مردم افغانستان دفاع نموده تحقق عملی آنرا در صدر وظایف خود قرار میدهد. حزب نوین مردم افغانستان به این باور است که استقرار دموکراسی و ایجاد دولت دموکراتیک و مترقی در افغانستان یک روند طولانی بوده که در نتیجه تحولات پیگیر و تدریجی دموکراتیک با شرکت آگاهانه توده های مردم افغانستان در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ممکن و میسر میگردد. بنا آگاه سازی، سازمانیابی، و فراهم سازی زمینه های لازم برای جلب آنها به خاطر شرکت فعال در روند تحولات دموکراتیک جامعه یک وظیفه عمده و تأخیر نا پذیر میباشد.

حزب نوین مردم افغانستان از مبارزه مردم افغانستان و اقدامات به خاطر تأمین و تحکیم آزادی، استقلال، حاکمیت ملی، تأمین دموکراسی و دفاع و حفظ تمامیت ارضی کشور حمایت و پشتیبانی میکند.

خط دیورند که خارج از اراده مردمان افغانستان و منطقه، به منظور حفظ ساحت سلطه و نفوذ استعمار انگلیس و ممانعت از یگانه گی و همسویی سیاسی خلقهای همیشه و همفرهنگ دو سوی آن در جبهه آزادیخواهی، طرح و تحمیل گردید، پیوسته خاستگاه تشنجهایی بوده است که صلح و منافع باشندگان منطقه را به مخاطره انداخته اند. حزب نوین مردم افغانستان در جهت ایجاد چنان شرایطی مبارزه میکند که وجود مرز های مصنوعی مانع همزیستی برادرانه و استقرار روابط گسترده بین کشورهای منطقه نگردد. حزب نوین مردم افغانستان بر آن است که حل اختلافات مرزی صرف از طریق مذاکرات سیاسی بین نماینده گان واقعی مردمان ذریبط که از طریق دموکراتیک برگزیده شده باشند، امکانپذیر است، نی از سوی نظامهای ایدیالوژیک که هیچ گونه اعتبار تاریخی و دموکراتیک ندارند.

حزب نوین مردم افغانستان خواهان آنچنان دولت دموکراتیک است که از طرف مردم در نتیجه انتخابات سری و مستقیم بدون تبعیض و تمایز قومی، ملی، مذهبی، نژادی، زبانی و جنسی به وجود آید.

حزب نوین مردم افغانستان در جهت فراهم آوری شرایط مناسب برای راه اندازی انتخابات آزاد و دموکراتیک مبارزه نموده، با در نظر داشت منافع مردمان افغانستان، در مبارزات انتخاباتی شرکت مینماید تا خواسته ها و مطالبات آنها را مطرح نماید و نهادهای حاکمیت را در خدمت تحقق خواستههای آنها قرار دهد.

به باور حزب نوین مردم افغانستان دولت جمهوری پارلمانی مبتنی بر دموکراسی، با تفکیک قوای سه گانه (مقننه، اجراییه و قضاییه) پیشرفته ترین و مناسب ترین شکل دولت برای انکشاف مترقی کشور محسوب میگردد.

حزب نوین مردم افغانستان عقیده دارد که شکل اداره و نحوه فعالیت دولت دموکراتیک، تعیین و تفویض حقوق و صلاحیتهای ارگانهای ادارات محلی با در نظر داشت شرایط مشخص و اوضاع کشور مطابق اراده مردم به شیوه دموکراتیک و عادلانه تنظیم گردد.

حزب نوین مردم افغانستان به منظور تأمین اشتراک فعال مردم در اداره محلی از تشکیل شوراهای محلی حمایت مینماید.

نظام حقوقی در دولت دموکراتیک ضامن حقوق اساسی مردم منجمله حق زنده گی، کار، تحصیل، اقامت، سفر، صحت و انتخاب شغل است.

حزب نوین مردم افغانستان آزادی بیان، فکر و عقیده، آزادی مطبوعات، آزادی تشکیل فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را مهمترین شرط تأمین دموکراسی و آزادیهای سیاسی در افغانستان میدانند و به خاطر توسعه و گسترش آنها مبارزه مینمایند.

حزب نوین مردم افغانستان به خاطر گسترش و تعمیق سیستم عادلانه قانونگذاری مبارزه نموده و از مساعی به خاطر تطبیق همه جانبه قوانین در کشور حمایت میکند.

نوسازی دستگاه حقوقی - قضایی کشور به یک ضرورت مبرم مبدل گردیده است. حزب نوین مردم افغانستان، با تکیه بر سنتهای عدالت خواهانه مردم افغانستان بازنگری متری اصول حقوقی حاکم در افغانستان را یک ضرورت تاریخی تلقی میکند.

حزب نوین مردم افغانستان ایجاد، تجهیز، اكمال و ارتقای کارایی و مهارت جنگی اردوی ملی را از وظایف تأخیر ناپذیر دولت شمرده، از چنان اردوی ملی حمایت مینماید که دارای ماهیت تدافعی بوده و ضامن استقلال، تمامیت ارضی و منافع مردم افغانستان باشد.

حزب نوین مردم افغانستان خلع سلاح بدون قید و شرط تمام گروه ها و افراد مسلح و ملیشای ملکی، جمع آوری سلاح ومهمات جنگی و پاکسازی کشور از کشتزار های ماین میباشد.

حزب نوین مردم افغانستان درحالیکه از همکاریهای جامعه جهانی به خاطر ختم بحران افغانستان پشتیبانی میکند، خواهان توظیف اختصاصی قوای خارجی در جهت تأمین صلح پایدار، ریشه کن کردن تروریسم و برچیدن کانونهای بنیادگرایی است تا باشد چنان شرایطی در افغانستان و منطقه به وجود آید که ضرورت حضور نیروهای نظامی خارجی در کشور را مرفوع سازند.

حزب نوین مردم افغانستان عقیده دارد که تعبیه پایگاه ها و تأسیسات نظامی در کشور صلح و ثبات در منطقه و جهان را به مخاطره می اندازد. سرزمین افغانستان نباید برای اهداف سلطه جویانه، تأمین و حفظ منافع آزمندانة سرمایه داری جهانی مورد استفاده قرار گیرد.

## ۲- در عرصه اقتصادی،

### الف - راه رشد اقتصادی:

در وضعیت موجود که سیستم عقیمانده اقتصادی، سطح پایین رشد نیروهای مولده و میزان نازل بازدهی کار و مولدیت از جمله ویژه گیهای اساسی اقتصاد افغانستان به شمار میرود و اقتصاد کشور از جهت وجوه تولید و ساختار اقتصادی، مرکب از اقتصاد چند شیوه یی و فاقد سیستم مؤثر تولیدی است، گزینش راه انکشاف و ترقی اقتصادی - اجتماعی و انتخاب روشها و پرنسیپهای اقتصادی با اهمیت ترین مسله بیست که در برابر کشور قرار دارد.

حزب نوین مردم افغانستان با توجه به نیروی کار مستعد، استعدادهای طبیعی، زمینهای وسیع زراعتی، منابع زیر زمینی، رشد سریع دستاورد های انقلاب تکنالوژیک در سطح جهانی وموقعیت جغرافیایی و ترانزیتی افغانستان، باور دارد که چنانچه صلح پایدار در کشور تأمین گردد و یک دولت واقعاً دموکراتیک ایجاد گردد، افغانستان میتواند به اسرع وقت به کشور آباد، انکشاف یافته و مترقی تبدیل گردد و رفاه و آسوده گی مردم آن تأمین و تضمین شود.

حزب نوین مردم افغانستان معتقد است که عقیمانده گی دیرین، توسعه نیافته گی، فقر اقتصادی، نابرابری و بیعدالتی مظاهر روشن تسلط مناسبات عقیمانده قرون وسطایی اقتصادی - اجتماعی بوده، بدون دگرگون ساختن این مناسبات و متحول گرداندن زیرساختهای اقتصادی به سود فرودستان، انکشاف، رشد و توسعه اقتصادی کشور مقدور نیست.

حزب نوین مردم افغانستان در گزینش نظام اقتصادی - اجتماعی کشور، رجحان منافع مردم را یک اصل انصراف ناپذیر شمرده، برای تحقق اهداف و وظایف مرحله کنونی خویش در عرصه های اقتصادی - اجتماعی از سیستم اقتصاد مختلط که ترکیبی از عناصر سیستم بازار آزاد و پلانگذاری مرکزی اند حمایت مینماید.

حزب نوین مردم افغانستان از چنان سیاست اقتصادی حمایت میکند که هدف آن، ارتقای سطح زنده گی مردم، تأمین آهنگ رشد با ثبات و متوازن در تمام عرصه های اقتصاد ملی بوده، دارای دورنمای روشن انکشافی و رفاه همگانی باشد.

حزب نوین مردم افغانستان برآن است که به منظور تأمین رشد سریع نیروهای مولده، ایجاد زیر ساختهای اقتصادی و تأمین انکشاف متوازن و باثبات اقتصادی، باید از منابع و سرمایه های ملی و کلیه ریزرفها و امکانات بیرونی بهره گیری و استفاده مؤثر اقتصادی بعمل آید و استراتژی برنامه اقتصادی - اجتماعی برای اجرای وظایف مرحله جاری بر پایه سکتورهای دولتی، خصوصی، تعاونی و مختلط استوار گردد.

با در نظر داشت اینکه، تحول و ستمدهی ساختارهای پایه یی نظام اقتصادی - اجتماعی در مسیر رشد و انکشاف متوازن، مزید بر تقویت و بهره گیری مؤثر از سکتور خصوصی، مستلزم توسعه، تحکیم و گسترش مالکیتهای دولتی و تعاونی نیز میباشد، حزب نوین مردم افغانستان از اقتصاد دولتی و تعاونی نیز حمایت به عمل می آورد.

حزب نوین مردم افغانستان معتقد است که انکشاف سکتورهای عامه، تعاونی و مختلط به ویژه در عرصه های زیر بنایی، کلید ثبات کشور اند. البته نباید حمایت از توسعه و گسترش سکتور دولتی و تعاونی به معنای کم بها دادن به سایر سکتورهای مشمول در ترکیب اقتصاد ملی تلقی گردد. هر گونه بر خورد قشری به نقش سکتوردولتی و مطلق کردن وظیفه آن به عنوان سرمایه گذار و هدایت کننده مطلق بدون توجه به درجه رشد و میزان عقب مانده گی دیرین ساختاری و توسعه نیافته گی میتواند اثرات نامطلوب در اقتصاد ملی از خود به جا گذارد.

از دید حزب نوین مردم افغانستان در این مرحله تکامل تاریخی، انعطاف پذیری در تدوین برنامه های اقتصادی - اجتماعی امر کاملاً ضروری پنداشته میشود و مصونیت قانونی ملکیت، اعم از دولتی، خصوصی، تعاونی و مختلط، ضمانت مهم پیشرفت و ثبات اقتصادی و سیاسی به شمار میرود.

به پندار حزب نوین مردم افغانستان تسریع آهنگ انباشت سرمایه کل نظام اقتصادی باید در خدمت رفع عقب مانده گی دیرین تاریخی اقتصادی - اجتماعی افغانستان قرار گیرد و تمام سکتورهای مشمول در دایره اقتصاد ملی کشور بر بنیاد برنامه علماً تنظیم شده و استراتژیی که دارای دور نمای روشن انکشافی و رفاه همگانی باشد به صورت بهم پیوسته یی در جهت رفع عقب مانده گی، تأمین استقلال اقتصادی کشور، رشد نیرو های مولده، توسعه و انکشاف متوازن و بهبود و ارتقای مستمر سطح زنده گی مردم به ویژه اقشار تهیدست هدایت گردد.

حزب نوین مردم افغانستان تأمین مالکیت دولت را بر معادن، منابع اساسی انرژی، جنگلات، اراضی بایر، بنادر، خطوط مواصلاتی اعم از هوایی و زمینی و تمام تأسیسات استراتژیکی که با تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و استقلال کشور پیوند دارند، مورد تأیید قرار داده از توسعه و گسترش سرمایه گذاری های دولتی در بخشهای اساسی زیر بنایی اقتصادی، بهداشت، تعلیم و تربیه، آموزش و پرورش و امور مربوط به نگهداشت محیط زیست حمایت میکند.

#### ب- عرصه زراعت:

باید نظر داشت اینکه در افغانستان زمین عمده ترین وسیله تولید است و نقش اساسی و پایه یی را در اقتصاد ملی کشور دارد، حزب جدید افغانستان، حل مسأله مالکیت خصوصی بر زمین را به حیث یک موضوع با اهمیت و حیاتی برای کشور تلقی میکند.

حزب نوین مردم افغانستان به این باور است که بدون انجام رفورم واقعی ساختاری مترقی زراعتی و حل بنیادی مسأله زمین و آب به سود مؤلدين مستقیم، انکشاف مستمر اقتصادی و بهبود زنده گی دهقانان بی زمین و کم زمین میسر نیست.

از دیدگاه حزب نوین مردم افغانستان تأمین آب، تنظیم شبکه های آبیاری، تبدیل اراضی بایر به زمینهای زراعتی به منظور توزیع به دهقانان بی زمین و کم زمین و ایجاد فارمهای زراعتی، میکانیزه ساختن زراعت، تعیین معیار های عادلانه و مؤثر اقتصادی برای مالکیت خصوصی بر زمین، تأمین نیازهای مادی تولیدی کشاورزان، خطوط اساسی رفورم مذکور را میسازند. ایجاد واحدهای مؤثر تولیدی به شکل تعاونیهای تولید زراعتی، با شرکت آگاهانه مستقیم دهقانان میتواند به حیث آغاز رفورم نامبرده مطرح گردد.

حزب نوین مردم افغانستان عقیده دارد که در این مرحله تکامل اقتصادی - اجتماعی کشور، سازمانهای کوپراتیوی زراعتی در بسیج و سازمانیابی توده های وسیع روستایی به ویژه لایه های متوسط و پایینی روستاها که دارای درآمد اندک اند و توانایی برآوردن هزینه زنده گی خویش را ندارند کار آبی بهتر را نسبت به سایر نهاد های اجتماعی - اقتصادی میتوانند داشته باشند.

حزب نوین مردم افغانستان از توسعه، گسترش و انکشاف جنبش کوپراتیوی در کشور پشتیبانی و حمایت نموده کار و مبارزه خسته گی ناپذیر در این زمینه را در سرخط وظایف خود قرار میدهد.

افغانستان به حیث یک کشور زراعتی به بزرگترین مؤلد مواد مخدره مبدل گردیده است. برگشتاندن زراعت به سوی تولید مواد مورد ضرورت مردم مستلزم برچیدن شبکه های مافیای مواد مخدر از کشور است. حزب نوین مردم افغانستان این موضوع را به حیث یک وظیفه سترگ ملی مطرح مینماید.

مبارزه علیه پروسه تولید غیرقانونی مواد مخدر و قاچاق آن از اهمیت خاصی برای مردم افغانستان بر خوردار است. موفقیت مبارزه در این زمینه مستلزم مشارکت مستقیم و آگاهانه زارعین به ویژه دهقانان کم زمین و بی زمین است. ایجاد مینماید تا چنان برنامه یی در این زمینه تدوین و تطبیق گردد که متضمن رهایی زارعین کشور از وابسته گی به جلابها، کارتلها و اتحادیه های مواد مخدر بوده باعث ایجاد بدیل معیشتی زارعین و بهبود وضع اقتصادی آنان گردد.

جنگلات بخشی از ثروت ملی کشور را تشکیل میدهند. طی سالهای اخیر به این بخش صدمه شدید وارد گردیده است. حزب نوین مردم افغانستان از اقداماتی که هدف آن احیا، توسعه، حفاظت و استفاده معقول اقتصادی از جنگلات کشور باشد حمایت مینماید.

حزب نوین مردم افغانستان خواهان فراهم آوری شرایط لازم برای اسکان داوطلبانه کوچیان زحمتکش کشور است و از هر اقدام مؤثر که موجب ارتقا و بهبود زنده گی اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی آنها گردد حمایت مینماید. نباید اجازه داد تا حقوق انسانی این قشر مظلوم، فقیر و زحمتکش کشور با مال و حق استفاده آنها از منابع طبیعی کشور سلب گردد.

#### ج - معادن و صنایع:

افغانستان در بخش معادن کشور ثروتمند و دارای منابع قابل توجه میباشد ولی، بنا بر وجود ساختارهای عقبیت مانده اقتصادی - اجتماعی، از این منابع سر شار و ریزرفهای موجود به نفع انکشاف و ترقی کشور و بهبود زنده گی مردم استفاده مؤثر به عمل نیامده است حزب نوین مردم افغانستان از نظارت دولت بر معادن و سایر منابع زیر زمینی حمایت نموده خواهان آن است تا دولت بمنظور تثبیت منابع منرالی، حفاظت و استفاده از آن و جلب سرمایه گذاری در این عرصه و بهبود امور سروی جیولوجیکی، تخصص، استخراج و بهره برداری مؤثر اقتصادی از منابع طبیعی، پالیسی و استراتژی جامع، ترقی خواهانه و همه جانبه را که متضمن انکشاف و بهبود زنده گی مردم باشد در عرصه معادن طرح و تدوین نماید.

حزب نوین مردم افغانستان به این عقیده است که نباید با متشبتین تولیدی و صنایع خصوصی نوپای کشور بر خورد ایدیالوژیک و بیروکراتیک به عمل آید. متشبتین تولیدی و خدماتی در روند انکشاف اقتصاد ملی یکی از موتورهای مؤثر رشد صنایع به شمار میروند. این بخش با به کارگیری سرمایه خود و جذب مشارکت سرمایه های غیر دولتی و استفاده از منابع انسانی و اعمال مدیریت کار ساز، آگاه و مؤثر می تواند ضمن ایفای نقش خود در رشد اقتصاد صنعتی کشور، راه رسیدن به اهداف توسعه یی و انکشافی مرحله کنونی را کوتاه سازد.

حزب نوین مردم افغانستان از همه اقدامات ترقیخواهانه مؤثر که در جهت توسعه و انکشاف صنایع ملی کشور صورت گیرد حمایت می نماید.

حزب نوین مردم افغانستان از صنعتکاران حمایت همه جانبه بعمل می آورد و بمنظور بهبود، توسعه و انکشاف صنایع مستظرفه، صنایع دستی و پیشه وری، خواهان اتخاذ تدابیر مؤثر تشویقی و حمایتی از جانب دولت میباشد.

#### د - عرصه مالی و تجاری:

حزب نوین مردم افغانستان خواهان رفورم مترقی و عادلانه مالیات بوده زحمتکشان بوده وضع مالیات مترقی و متصاعد بر عایدات را وسیله مؤثر در امر کاهش فاصله بین اقشار فقیر و لایه های ثروتمند می پندارد و از نظام بودجوی مبتنی بر افزایش منابع عایداتی داخلی و کاهش وابسته گی به وامها و امدادهای خارجی حمایت می نماید. حزب نوین مردم افغانستان جانبدار وضع مالیات عادلانه بر ثروتهای بزرگ منقول و غیر منقول است.

حزب نوین مردم افغانستان خواهان مدرنیزه نمودن سیستم بانکی و توسعه خدمات بانکی بوده از تأسیس بانکهای انکشافی، زراعتی، تعاونی و کریدتی که هدف آن کمک به مؤلدين و پرداخت وامهای کوچک کم ربح به زارعین، روستاییها و فقرا باشد حمایت مینماید.

حزب نوین مردم افغانستان از ایجاد، انکشاف، گسترش و مدرنیزه ساختن شبکه های مواصلات و مخابرات حمایت مینماید.

حزب نوین مردم افغانستان در عرصه تجارت از چنان سیاستی پشتیبانی می نماید که متضمن توسعه و انکشاف تولیدات ملی، تزئید حجم صادرات، تعویض کالاهای مصرفی وارداتی به تولیدات داخلی، تأمین تعادل بیلانس کل تجاری کشور گردد. در شرایط موجود به منظور تأمین به موقع کالا های مورد نیاز عامه و مواد خام مؤسسات تولیدی داخلی و جلوگیری از ورود اجناس غیر ضروری و مشابه تولیدات داخلی، باید با نظام تعرفه یی از تولید کننده گان داخلی حمایت به عمل آید و به این منظور سیستم ویژه تعرفه یی حمایتی ایجاد گردد.

به باور حزب نوین مردم افغانستان ایجاد تسهیلات ترانزیتی برای افغانستان (فعال شدن و اعمار شاهراه های ترانزیتی و عبور لوله های نفت و گاز از خاک کشور) به حیث کشور محاط به خشکه از اهمیت خاصی برخوردار است. "حزب جدید افغانستان" در این مورد از اصل استفاده مؤثر از موقعیت جغرافیایی و ترانزیتی کشور به سود مردم افغانستان حمایت می نماید.

### ۳- در عرصه اجتماعی،

رفع بیعدالتیهای اجتماعی که بر مردم افغانستان تحمیل گردیده اند، آرمان حزب جدید افغانستان است. افغانستان از نگاه اجتماعی در شمار عقب مانده ترین کشورهای جهان قرار دارد. خاتمه دادن به این وضع نیازمند یک رستاخیز عظیم اندیشه یی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعیست. حزب نوین مردم افغانستان سهم شایسته خود را در این رستاخیز ایفا میکند و کار گسترده روشنگرانه را پیش خواهد برد.

زنان افغان همیشه گرانترین بخش ستم اجتماعی را بر دوش کشیده اند. زن افغان در اذهان جهانیان به حیث یک سیمای مظلوم شهرت یافته است. حزب نوین مردم افغانستان تثبیت جایگاه شایسته زن افغان را در جامعه در مرکز وظایف خود قرار داده، جهت ایجاد سازمانهای اجتماعی مدافع منافع زنان افغان تلاش میورزد. تسجیل حقوق مساوی زن با مرد در تمام عرصه های زنده گی اجتماعی از وظایف مبرم جنبش دموکراتیک افغانستان است. حزب نوین مردم افغانستان سعی میکند تا این مساوات در قانون اساسی و در تمام قوانین کشور تصریح گردیده، در عمل تحقق یابد.

کودکان افغان از مظلوم ترین و بینواترین باشندگان کره زمین به شمار میروند. آنان مزید بر تهدید دایمی مرگ، با بی سرپناهی، گرسنه گی، بی لباسی و بیسوادی وارد صحنه زنده گی اجتماعی میشوند و ناگزیر در برابر پول ناچیز به کار میپردازند. حزب نوین مردم افغانستان تلاش خواهد کرد تا حمایت از حقوق کودکان به یک برنامه عظیم ملی و دولتی مبدل گردد. حزب جدید افغانستان سازمانها و مراجع بین المللی را برای رویدست گرفتن برنامه های بهشدت وضع کودکان افغان ترغیب خواهد کرد.

از نگاه صحتی و حمایتی طفل و مادر، افغانستان در شمار عقب مانده ترین کشورهاست. دولت وظیفه دارد تا یک نظام مؤثر مؤسسات عصری صحتی را به وجود آورده، تداوی رایگان اقشار نادار جامعه را به عهده گیرد. حزب نوین مردم افغانستان در راه ایجاد چنین نظام صحتی مبارزه میکند.

تضمین حداقل وسایل معیشت برای نادارترین افراد و حاشیه نشینان جامعه، یک وظیفه بشریست. حزب نوین مردم افغانستان تلاش میکند تا این مأمول هرچه زودتر از سوی دولت بر آورده گردد.

تأمین شرایط مصون کار و تولید، تثبیت و رعایت نورمهای عمده حفاظت کار و تخنیک ایمنی، وقایه صحت کارگران در مقابل امراض حرفه یی و کاهش حوادث ناشی از کار و تولید از جمله حقوق اساسی زحمتکشان اند. حزب نوین مردم افغانستان با تمام امکانات دست داشته تلاش به عمل می آورد تا نورمها و مقررهای عمده حفاظت کار و تخنیک ایمنی در تمام مراکز کار و تولید نافذ، گسترش، مراعات و تطبیق گردد.

حزب نوین مردم افغانستان در امر ایجاد و تعمیر سیستمهای مترقی مزد و معاش، تعیین حداقل مزد بادر نظر داشت تأمین نیازمندیهای انسانی، تأمینات اجتماعی جهت ارتقای سطح زنده گی مادی و معنوی کارگران و سایر کارکنان، فراهم کردن زمینه های مساعد و مطمئن کار برای تمام اتباع مستعد به کار کشور و تأمین حق مساوی کار پیوسته تلاش و مبارزه مینماید.

حزب نوین مردم افغانستان خواهان آنچنان سیستم تأمینات اجتماعی کارکنان می باشد که در آن سهم مالی کارکنان به صورت تدریجی متناسب به رشد و تحکیم اقتصاد ملی تقلیل یابد و از آن اعضای فامیل کارکنان نیز مستفید گردند.

حزب نوین مردم افغانستان به منظور تثبیت، تحکیم، و تنظیم مناسبات عادلانه کار کارگران و سایر کارکنان، خواهان انفاذ قانون عادلانه و مترقی کار که ضامن حقوق زحمتکشان در تمام سکتورهای مربوطه اقتصاد ملی باشد بوده و در این راستا مبارزه می نماید.

حزب نوین مردم افغانستان، برآن است که معلولین، معیوبین و بازمانده گان جانباخته گان جنگهای سه دهه اخیر مورد حمایت دولت قرار گیرند و در این زمینه سیستم مؤثر تأمینات اجتماعی و شبکه های حمایتی ایجاد گردد.

### ۴- در عرصه های اندیشه، فرهنگ و آموزش،

اشاعه اندیشه ها و بینشهای علمی و رها ساختن ظرفیتهای عظیم روشنفکرانه کشور از چنبره بندهای ایدیالوژیک، قوم گرایی، زبان گرایی، ملیت گرایی و دیگر پنداشتهای کهنه، از وظایف اساسی جنبش عمومی دموکراتیک است؛ حزب نوین مردم افغانستان سهم شایسته و پیشتاز خود را در این امر ایفا خواهد کرد.

فرهنگ معنوی جامعه افغانی، به ویژه در عرصه ادب، سر شار از خلاقیتهای حیرت انگیز بدیعی است. این خلاقیتها به دلایل خاص اجتماعی با زنده گی مردم عجین گردیده اند. نا دیده گرفتن این نیروی سحر آمیز در سمت دادن جامعه به سوی افقهای نو ترقی، در واقع کم بها دادن به مهمترین نمود خلاقیت معنوی جامعه و رها کردن یک امکان مؤثر مبارزه ترقیخواهانه، به دست ارتجاع است.

گسترش شبکه رسانه های گروهی مبتذل و سطحی و «نمایش شکلی دموکراسی» وابسته به آن، خطر جدی تداوم انحطاط فرهنگی را در خود دارد. ایجاد مطبوعات واقعاً دموکراتیک و مردمی به ضرورت عاجل جنبش مترقی کشور مبدل گردیده است. حزب نوین مردم افغانستان در این راه تلاش کرده، زمینه های همکاری با دیگر نیروهای دموکراتیک و مترقی را برای ایجاد وسایل لازم اطلاعاتی به سود ترقی و دموکراسی، جستجو میکند.

محو بیسوادی و تضمین تحصیلات عالی برای تمام جوانان کشور، مطابق نورمهای علمی قبول شده در سطح جهان، پیش شرطهای انکشاف فرهنگ دموکراتیک و ترقی و انکشاف اجتماعی است. حزب نوین مردم افغانستان در این راه مبارزه میکند.

حزب نوین مردم افغانستان متکی بر واقعیت های عینی جامعه افغانی، بادر نظر داشت واقعیت اتنیک و وضعیت سیاسی کشور و استفاده از تجارب دیگر کشور ها، اصول زیر را در رابطه با مسایل ملی افغانستان مطرح مینماید:

- استقلال فرهنگی حق طبیعی خلقهاست. جلوگیری از تبارز این حق یا سرکوب آن زیر هر عنوانی که باشد یک برخورد ضد بشری، جابرانه و مغایر حقوق بشر است.
  - همه ملیتهای ساکن در افغانستان حق دارند به رشد آزادانه فرهنگ، زبان و دیگر ویژه گیهای هویتی خود بپردازند.
- حزب نوین مردم افغانستان در راه پیوند یابی فرهنگهای مترقی جامعه افغانی با فرهنگهای پیشرو جهانی تلاش خواهد کرد. جهانی ساختن فرهنگ دموکراتیک در برابر جهانی شدن فرهنگ عقبگرایانه جزیی از وظایف نیروهای دموکراتیک افغانیست. حزب جدید افغانستان با پیگیری در این راه میرزمد.

#### ۵- در عرصه مناسبات بین المللی،

حزب نوین مردم افغانستان از مبارزات بر حق نیروها، احزاب و نهادهای دموکراتیک و ترقیخواه برای صلح، آزادی، دموکراسی و تأمین عدالت اجتماعی همه جانبه دفاع می کند.

حزب نوین مردم افغانستان از جنبش های مردمی، جنبشهای ضد جنگ و خشونت، جنبشهای زنان، طرفداران محیط زیست و سایر جنبشهای دموکراتیک و عدالتخواهانه حمایت نموده در همایشهای آنها شرکت میوزد.

حزب نوین مردم افغانستان به خاطر تحقق عملی ارزشهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر میثاقها و کانونسیونهای بین المللی که افغانستان به آنها الحاق خود را اعلام نموده است، مبارزه نموده، مظاهر تخلفات و نقض این ارزشها را افشاء میکند.

حزب نوین مردم افغانستان خواهان آن است تا مسایل مورد اختلاف و مناقشات میان کشورهای همسایه، منطقه و جهان از طریق سیاسی و صلح آمیز و بدون استعمال قوت نظامی حل و فصل گردند.

حزب نوین مردم افغانستان طرفدار جدی صلح جهانی و منطقه یی و مخالف جنگ و خشونت بوده، از مساعی که به خاطر تأمین صلح و امنیت به عمل می آید پشتیبانی و حمایت نموده، همبسته گی خویش را با جنبشهای ضد جنگ ابراز داشته و در آنها فعالانه شرکت میوزد.

حزب نوین مردم افغانستان عقیده دارد که همکاری فعال بین نیروهای دموکراتیک منطقه در مبارزه علیه افراط گرایی، خشونت و تروریزم، به تأمین صلح پایدار، ثبات و دموکراسی در منطقه کمک میکند.

اوضاع نا به سامان جهان وظایف بزرگی را برای نجات بشر از تباهی در برابر تمام خلقها قرار داده است. مردم افغانستان که از رنجیده ترین خلقهای دنیای معاصر است جداً خواهان سهمگیری شایسته در امر ایجاد یک نظم جدید عادلانه بین المللی مبتنی بر صلح، انکشاف کشور ها و رفع فقر و عقبمانده گی است. نیرو های مترقی و دموکراتیک افغانی وظیفه دارند تا مطالبات بر حق خلقهای افغانستان را در سطح جهانی انعکاس دهند و مواضع عمیقاً بشر خواهانه و صلحجویانه آنها را که در مغایرت کامل با مواضع افراطیون قرار دارند، تبارز دهند.

### چهارم - راه ها، اشکال مبارزه و

#### وسایل مبارزه

حزب نوین مردم افغانستان از ریفورمهایی حمایت میکند که در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمینه های وسیع بهشد زنده گی مردم و اعتلای جنبش دموکراتیک را فراهم میکنند و فاصله گذار به یک نظام عالی تر اجتماعی - اقتصادی را کوتاه تر میسازند. حزب نوین مردم افغانستان با «انقلابیگری ماجراجویانه» و سوپژکتویزم بیگانه است.

حزب نوین مردم افغانستان بر آن است که خشونت اجتماعی - سیاسی یکی از اشکال افاده خشونت اقتصاد نیست! قیامهای مردمی و مقاومتیهای مسلحانه توده ها و نیرو های تحول طلب، در طول تاریخ عکس العملهای مقطعی و گذرا در برابر خشونت دایمی فرادستان مستبد بوده اند. حزب نوین مردم افغانستان پیوسته ترجیح میدهد تا مطالبات مردم افغانستان از راههای مسالمت آمیز، با تکیه بر نیروی کتله های وسیع انسانی و با وسایل دموکراتیک و قانونی به سر رسند.

حزب نوین مردم افغانستان ایجاد سازمانهای مترقی اجتماعی و صنفی را به منظور شرکت دادن اقشار وسیع مردم در روند های سیاسی و حرکتیهای مطالباتی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ترغیب میکند.

حزب نوین مردم افغانستان در هر مقطع از حرکت خود به سوی دستیابی به اهداف دورنمایی، با در نظر داشت اوضاع مشخص جامعه و چگونه گی تناسب قوا، برنامه های مشخص و عملی را در مطابقت با روحیه و متن این مرامنامه تدوین کرده ، برای تحقق آنها مبارزه میکند.

حزب نوین مردم افغانستان ائتلافها ، اتحاد ها و بلوکهای سیاسی را با دیگر نیرو های تحول طلب و مترقی وسیله مهمی در جهت تحقق اهداف خود پنداشته ، پیوسته در راه همبسته گی این نیرو ها مبارزه میکند.

## د افغانستان د خلکو نوي گوند کرنلار

(مرامنه)

لومړۍ - سریزه

د افغانستان د خلکو نوي گوند بنسټ په داسې اکر کې ايښوول کېږي چې د هيواد دېموکراتيک خوځښت د ماتې او گړبړتيا يو اوږد بهير تر شا پريږدي. د افغانستان خلکو نوي گوند زموږ له وياړه ډک تاريخ په بهير کې د افغانستان دخلکو د نياوډالو غوښتنو په پيلامه خپلې مبارزې ته د هماغو موخو دپلې کولو پر لور او ليکه سمون ورکوي.

د افغانستان نوي گوند د يو نياوډال او دېموکراتيک جگړې د بيا پيل لپاره د دېموکراتيکو او عامو موخو په پام سره د هيواد پرمختيا پال او دېموکرات ځواکونه د يو پراخ سياسي، ټولنيز او فرهنگي اوډون (تشکل) جوړولو ته رابولي.

د افغانستان خلکو نوي گوند د هيواد راتلونکي بې، نه ديوه نش خيالي ارمان په توگه، بلکې دکېدونيو رښتياو په توگه، دټولني پر نن ورځې باندې ولاړ يوې طرحې په توگه مني. د افغانستان خلکو نوي گوند يوه پر ټولنيز نياو سمباله ټولنه ديوه تاريخي کېدون (امکان) په توگه په گوته کېږي. داسې يو کېدون چې يوازي په سياسي، ټولنوټيز، انديز او فرهنگي برخو کې دټولني د خانخېرو او پوهو پرگنو په پراخ گډون ترسره کېدای شي.

د افغانستان خلکو نوي گوند، له ايډيالوژۍ سره دوگماتيک چلند له بېخ و بنسټه تر نيوکو لاندې راولي او انديز نويوالي د دېموکراتيک غورځنگ دنويوالي دسرليک په توگه وړاندې کوي.

د افغانستان خلکو نوي گوند خپلې دندې د افغانستان او نني نړۍ د رښتيني اکرسره په تړاو د انسان پر چاپيريال پورې په تړلوارونوټاکي. په اوسني اکر کې دافغانۍ د پرمختلونکي او دېموکراتيک خوځښت په منځ کې نوي حذبندۍ د ودې په حال کې دي. د افغانستان خلکو نوي گوند هڅه کوي چې د هيواد دېموکراتيک ځواکونه سره يو موټي او همغږي کړي، په ټولنه کې دهغوی لارښوونکي شونتياوو ته د پراختيا په ورکولو سره د ژمنو (متعهد) دېموکراتو جنگيالو پراخي ليکي لا خوندي او هغوی په خپلو ليکو کې سمبال کړي.

د افغانستان خلکو نوي گوند په ايډيالوژيو باندې دکماتيک نښتل له بېخه تر نيوکو لاندې په راو ستولو سره د دېموکراتيک غورځنگ انديز نوي کونه د يو لومړني آر (پيش زمينه) په توگه په گوته کوي. هيواد له اوسني بخولناک اکر نه ايستل يوازي د يو دېموکراتيک بلونج (الترناتيف) په پلي کولو سره ترسره کېدای شي. مگر بې ټيکاوۍ، ټوليز فساد او د نا دودو او غير ملي ځواکونو لخوا پر هيواد قبضه ددې دېموکراتيک بلونج د پلي کولو لارې ته ستر خنډ گرځېدلی دی.

دهمدې واقعيتونو ته به پام سره د افغانستان خلکو نوي گوند هڅه کوي چې د هيواد دېموکراتيک غورځنگ په توگه د بيوزلو او زيارکښو پوري تړلی ديو ځواکمن او ستر سازمان په جوړولو کې خپل خانگري او خپلواک دنده تر سره کړي. گوند به په هر هغه خوځښت کې چې د ټولني زيارکښ انسان په گټه، د دېموکراتيکو او ځواکونو غښتلي کيدل، د رښتيني دېموکراسۍ پلي کېدل، د خپلواکۍ او ملي ځواکمنۍ د ټينگښت او د هيواد خاورې د ساتنې په گټه ترسره کېږي، په ژمنتيا او پر له پييلې توگه کېدون وکړي.

هغه دندې او موخې چې په دې کرنلار کې کښل شوي او راغلي دي په يو پراخ سياسي سازمان کې دافغانۍ پرمختلونکي او پوهو عناصرو پر وړاندې د هغوی د يو موټي جگړو او کړو وړو پر وړاندې نوي سترگ ارت (چشم انداز) پرانيزي، تر څو دکوند دسازمانۍ پراختيا لپاره لاره هواره کړي.

## دويم - اوسنی اکر (وضع)

## ۱ - په هيواد کې

## الف - سياسي - امنيتي اکر:

هيواد په يوه کرغېرن (مزممن) او ټول اړخيز کرکېچ کې رابنکېل شوی دی، د هيواد سياسي - امنيتي اکر ورځ پر ورځ د ويجارې خواته درومي، جگړه او ناامني د هيواد په بېلا بېلو برخو لاسي پراختيا مومي، د واکمنۍ دننه دلا زيات ځواک او گټو دترلاسه کولو پر سر دبېلابېلو اړخونو تر منځ سيالي سختوالي مومي او دغه کار بې ټيکاوې لا پراخوي.

دمرکزي دولت کمزورتيا او ناغېرتيا ددې لامل گرځېدلی چې د هيواد سيمي لاهم دسيمه ايزو واکوالو تر بې سياله ځواک پاتې شي د جگړو له لامله د هيواد ټولنوټيز (اجتماعي - اقتصادي) جوړښت را بدل شوی دی، د دوديزي شاتگپالۍ تر څنگ يو نوي ناندوده پور (قشر) د هيواد په سياسي او اقتصادي ډگرونو کې سر را پورته کړی دی. دغه پور پردې سربېره چې د ټولني ډېرۍ برخه شتمني ولجه کړي، دولتي سياسي ځواک هم په لاس کې لري.

په هيواد کې د بهرنيو ځواکونو شتون د هيواد دملي واکمنۍ دکمزورتيا لامل گرځېدلی دی. بهرنۍ لاسوهني او د جوتو کړيو بيلتونپالنې د هيواد ځمکنۍ بشپړ تيا له گواښ سره مخامخ کړي ده.

په هيواد کې ديوه دېموکراتيک بلونج (التر ناتيف) نشتوالۍ، دارتجاعي ځواکونو په چوپړ کې د ټولوژلي وسلې شتوالي، دهغوی بهرني ملاتړ، له ستر مالي شونتياوو او په تېره بيا دنده يي توکيو له اير و (عوايدو) څخه گټه اخېستنه د دې لامل شوې چې سياسي اکر په بشپړه توگه د خلکو د رښتنيو استازو له لاسه وتلي پاتې شي.

دهيواد د دېموکراتيک غورځنگ دنورو لاملو په ترڅ کې له ادانيزي (تشکيلاتي) گډوډۍ سره د هيواد په روان سياسي اکر کې ځای نه لري، له دې لامله هغه بدلونونه چې د هيواد په سياسي ډگر کې را منځته کېږي، ددې غورځنگ له اغېزه بهر دي.

په هيواد کې د کرکېچ لمن ورځ پر ورځ پراخېږي او داوسنيو واکمنو اړيکو په چوکاټ کې د جگړې دپايته رسيدو، د اوډ او ټيکاو د پايښت، د همېشنۍ سولي ټينگښت، دخلکو دپرگنو دژوندانه دکچې لوړتيا لپاره داقتصادي ودې کومه هيله نه ليدل کېږي.

## ب - اقتصادي اکر (وضعيت)

دهيواد استوگن تر اتيا زياته سلنه په ورځ کې له يوه ډالر اير (عايد) سره د بيوزلۍ تر ليکې لاندې ژوند تيروي، دژونداکر له پلوه دافغانې ټولني کليوال درې پر څلورمه برخه په مرگونې او بشپړه بيوزلۍ کې شپې سبا کوي.

دهيواد د وټيزي (اقتصادي) ودې چټکتيا ډېره ټيټه کچه لري، په اوسني اکر کې چې د پام وړ شمېر کار ور ځواک د جگړې او بې امنيتۍ بلهارېږي او له زېږ (توليد) بهيره وځي، داوسنيو واکمنو اړيکو په چوکاټ کې داسې يوه اقتصادي وده کېدون نه لري چې د هيواد غوښتنې، بيرته پاتوالي او د زيارکښانو ژوند بښهاني ته ځواب وويلاي شي.

د جگړې له لامله د اوبنتو تاوانونو د له منځه وړنې پر لور نه يوازي هېڅ يو اغېزمن گام نه دی اخېستل شوی، بلکې د بيا رغاونې لپاره يو هر اړخيز پروگرام له اړه هډو وړاندې شوی نه دی.

د هيواد اقتصاد په بشپړه توگه پر يو لگښتي (مصرفي) اقتصاد بدل شوی او بهرنۍ سوداگري بيلانس زموږ د هيواد داقتصادي بخولي (فاجعي) بېلگه کيدای شي.

دهيواد د پانگو لويه برخه پر نارينو او سينگاري برخو او په تېره بيا نارينو جگو ودانيو په جوړولو لگېږي او په پايله کې يې خلک د لومړنيو ژوندار تياوو له لاسته راوړلو څخه بې برخي کېږي.

اداري او اقتصادي فساد د دولت ټولو څانگو خزانگو ته لاره موندلي او په چټکۍ سره نادولتي سازمانونو ته يې لاره غځولي او په دې توگه دبيا رغاونې او اقتصادي ودې پر وړاندې پر يوه بنسټيزه ستونزه اوښتې.

په هېواد کې دوزگاريي کچه ډېره پورته ده، همدا اوس د هېواد کار ور وگړو پېنځوس سلنه وزگار ده او گڼ شمېر يې دکار په لټه گاونډيو هېوادونو ته ځي.

په هېواد کې کرنې اکر تر هر مهاله ډېر خوسا دی، دېد امنی، اوبو او کرنيزو خدمتونو ته دنه لاسی له کبله دکرنې سکتور ته دتېرو درو لسيزو جگړوله لامله ډېر ځښت تاوان وراوښتی، اقتصادي بنسټونه، اوبخور څانگې، ځنگلونه اوڅرخايونه ويجاړ شوي دي، دکرنې او څاروي ساتنې زېرخواک (توليدي طاقت) خورا زيات راتيټ شوی اوله بهر څخه دخوراکنوکيو درالېردولو اړتيا ورځ پر ورځ زياتېږي. دکرنيزو خدمتونو د اغيزمنې او بسنده کچې د برابرېونې په برخه کې ددولت کاري توان ډېر کمزوری شوی دی.

دڅواکوالو له خوا پر دولتي ځمکواو ټولگنو (عام المنفعه) ټولونو (ملکيتونو) باندي ولکه هماغسې پايښه (دوام) لري. دترياکو دکر اوسوداگرې پر بنسټ د هېواد د اقتصاد ترلټيا په بېساري ډول لوري کچې ته رسېدلي ده، دنشه يې توکيو اقتصاد د هېواد په گردو ټولنوټيزو برخو کې جرړې غځولي دي .

### ج - ټولنيز اکر(حالت)،

د هېواد دسياسي، امنيتي او وټيز (اقتصادي) اکر پر ټولنيز اکر باندي ډېرې بڅولناکې اغيزې راپريښي دي. افغانستان دمرگ مړينې له پلوه په نړۍ کې تر ټولو هېوادو خواشينووکي اکر لري. هره ورځ په زرگونو ماشومان د بېلابېلو ناروغيو له کبله مري. په هېواد کې دروغتيايي چارو اکر ډېر زړه بوړونوکی دی. خلکوته د وړيا روغتيايي چارو له سمبالونې څخه ددولت څنگ ته کېدل او ځانگړي (خصوصي) برخې ته يې سپارنه، روغتيايي کارکوونکو، روغتونونو او درمل نشتوالي د هېواد په زيار کېنو او بيوزلو کې دمړينې کچې دجگېدو لامل شوی دی .

په هېواد کې دښوونې اکر له هغه څه سره سره چې په دې وروستيوکلونو کې ترسره شوي، لاهم ډېر خواشينوونوکی دی .

په هېواد کې بېکوری او د بيو لور والی يو له ډېرو ستر و لانجو څخه دي .

د هېواد کوچيان دانسانې ژوند لا بنسټيز او لومړنی لوخي په واک کې نلري.

ميرمنې له خپلو وړندو رښتو څخه بي برخي دي، لکه له نارينه وو سره ديو برابر رښتو، د خپلې خوښې واده، دکار او څانگې (مسلك) ازاد غوراوي، د ازاديو (سفر)، دمېره او راتلونکي ژوند دملگري ټاکلو او داسې نور و په اړه، نه د قانوني چال چلند په توگه او نه هم په کوم بل ډول کوم اجرايي کارونه ترسره شوي دي.

ماشومان په افغاني ټولنه کې تر ټولو خوار او بېوزله پور جوړوي. ددوي ډيری له لومړنيو رښتو، لکه روغتيا، زده کړې اوداسې نورو څخه بي برخي دي. د هېواد لکونه ماشومان په ډېرو سختو کارونو اوياخو دخپلو کورنيو دچلولو او مرستو لپاره په مزدوری او گرانو کارونو لگيا دي.

ځوانان، په تېره د بېوزلو او لاسکتو پورونو اړوندځوانان دټولني له هغو پراخو پورونو څخه دي چې ډېر او اسان ورته زيان رسي، دغه ټولنيز ستر څواک په خورا ټيټه تنخاپه جنگونو کې کومارل کېږي او په ډېره اسانې له ژونده بي برخي کېږي. ځوانان په يو ناڅرگند برخليک کې ژوند کوي. د هېواد دځوانانو ستر ډيری له کار، زده کړې، هوسايي، ورزش او نور و اړينو رښتو او شونتياوو څخه بي برخي دي. د هېواد اوسنی بڅولی اکر ددې لامل گرځيدلي چې د هېواد پراخي ډلي، په تېره بيا ځوانان، دکډوالی ستونزمنه لاره غوره کړي.

دنشه يې توکيوورډتيا (اعتقاد) د هېواد پر يوه کرغېړنه او هېښنده رېږه اوښتی دی . هره ورځ گڼ شمېر ځوانان ، نارينه، ښځې اوان ماشومان په نشه يې توکيو اخته کېږي .

### ۲ - په سيمه او نړۍ کې،

بشر دخپل تاريخ په ستر او بنټون کې دی. دزېږ ځواکونو (نېروهای مؤلده) بي کچه پرمختيا چې دپانگوالی دتېکنالوجيک اورون (انقلاب) پيلامه ده، که يوخوا دبشر درېږو په لړې کولو کې پراخ سترگ ارت (چشم انداز) پرانېستی، نو بلخوا يې انسانان نور هم پسي دپانگو غونډونې، زېرمونې او دگټو دکچې دلوروني منطق تر اغيز لاندې راوستي دي.

په رغاويزو (صنعتي) هېوادونو کې دزېږ (توليد) په تړاو دپرمختللي پوهني او تېکنالوجی کارونه دوه اړپېچه (متضاد) پيلامي لري: يوخوا يې زېږکچې ته پراختيا ورکړې او دلا سرباري ارزښت (اضافي ارزښت) دډېرېدولامل کېږي او په دې توگه دپانگي زېرمونې ته گټه رسوي او بلخوا دژوندکارڅواک لويه برخه له زېږ (توليد) برخې باسي او د کارگرانو دسترو وزگار تياوو لامل گرځي. له تکنالوجيک اورون (انقلاب) سره پتليز، پانگوالی په ټوله خاورين غونډاري کې دځان په پراخولو لگيا ده چې دخپل سرباري (اضافي) زېږ لپاره دنويو بازارونو پلټنه وکړي.

د اوسني پېر له نورو ځانگړتياوو څخه يو هم دښي لاسو تر ټولو بنديزو (افراطي) برخو ته دپانگوالی نظامونو د څواک لېږدېدل دي. همدا اوس په ځينو پانگوالی هېوادو کې نيو کانسرواتيټف څواکونه واکمن دي. دنوي لېبرالی پانگوالی نړيوالېدنه، نه يوازي پر شاو خوا هېوادونو باندي ناوړه اغېزه بندلې، چې په لويو پانگوالو هېوادونو کې دوگرو د ژوند کچې راتيټېدو لامل هم گرځيدلي ده.

دنويو ليبرالېستي سياستونو دپلي کولو له لامله، کارگر او د لويو صنعتی هېوادنو زيار کين پورونه ټولي هغه برياوې يې چې تر اوسه او په ځانگړی توگه د نړيوالی دويمی جگړی څخه را وروسته تر لاسه کړي وي، له لاسه ورکوي.

د سرزورو سياستونوسره په نړيوالو اړيکو کې تاوتریخوالي زور اخېستی او سازمانی شوي ترهگري بېلابېل ډولونه بېساري پراختيا مومي. دنړۍ له طبيعي زېرمو څخه په يو مخيز او پرله پېيلي ډول گټه اخېستنه له دغو زېرمو څخه د نړۍ غونډاري تشېدنه او په گواښمن ډول د چاپېريال د ککړېدو لامل گرځي.

د وسله والو سياليو زور اخېستنی په ځانگړی توگه اېټمي وسلو ته دډېرو هېوادو لاسبري، اوسنی نړۍ تر هر مهاله زياته له گواښ سره مخ کړې ده. له درو لسيزو ماتې، پرخاو سرخوړني (سرخورده گي) وروسته، په نړۍ کې دېموکراتيکو او پرمختگپال څواکونه دادي بيا د سر او چټولو او پرمختگ په حال کې دي. په نړۍ کې دخلکو د پرگنو مبارزی نوي خواوي او ډولونه غوره کړي دي. د آزادی، دېموکراسی او ټولنيز نياو (عدالت اجتماعي) لپاره د نړۍ دزيار کښانو جگړه د وگړو د پراخو پرگنوپه څيره کې رابنکاره کېږي او څلېږي. د جگړی ضد غورځنگونه، د تبعيض او ستم او نوريز (جنسی) توپير څخه د ښځو د ژغورلو غورځنگونه، دپانگي دنړيوال کېدنې پر وړاندې غورځنگونه، دچاپېريال ساتنی غورځنگونه او داسی نور غورځنگونه ورځ تر ورځ پراختيا مومي.

### درېم - کرنيزی موخي

### ۱ - په سياسی - رښتي (حقوقی) پوخي - امنيتي برخو کې،

دافغانستان خلکو نوي گوند د هېواد اساسی قانون سره سم په چلند سره، د افغانستان د خلکو ټولي معنوی او باوری ارزښتونه منی .

دافغانستان خلکو نوي گوند باور لري، چې د يو رښتيني ولسواک، خپلواک، يوموتي او ملی واکمن دولت جوړول چې دافغانستان دخلکو دغوښتنو ښکارندوی اود گټو ژمن وي اووشي کړای چې هېواد له ټوليز کرکېچه رواباسي، تلپاتي سوله،خپلواکی او آزادي ټينگه کړي، د هېوادله خاوري ننگه او ساتنه وکړي اوافغاني ټولنه دزياراېستونکو دژوند دودې اوپرمختياپرلوري ورسپځه کاندې، دافغانستان د خلکوپر تاريخي غوښتنه او ژوند اړتيا بدل



شوي دي .

د افغانستان خلکو نوی گوند، د افغانستان د خلکو ددغې سترې تاریخي غوښتنې ملاتړ کوی او د هغه پلي کولو ته به د خپلو دندو په سرلیک کې ځای ورکوي .

د افغانستان خلکو نوی گوند، پر دې باور دی، چې په افغانستان کې د یوه پرمختللي ولسواک دولت جوړول اوږدمهالی بهیر دی، چې له پرله پیلو او ځنډ نه منونکو دېموکراتیکو ریفرمونو او د ټولني په سیاسي، ټولنویز (اجتماعی اقتصادی) او کولتوري برخو کې د پراخو وینسپارانو ګډون په پیلامه کې شوني دی. له دې کبله د افغانستان د خلکو پوهاوي، یوموتي کول او دټولني په دېموکراتیکو پرمختیاوو او بدلونونو کې یې کارنده برخه او ګډون د اړونو (شرایطو) برابرول یو ځنډ نه منونکی دنده ده .

د افغانستان خلکو نوی گوند، د آزادۍ د ټینګښت، خپلواکۍ، ملي ځواکمنۍ، دېموکراسۍ د برابرولو او د هېواد له خاورې نه دساتني څخه ملاتړ کوی. د ډېورنډ کرښې په تړاو چې د سیمې او افغانستان د خلکو له غوښتنې پرته د آزادپالې جبهې د دواړوخواوو په لیکو کې د همآرو او همفرهنګویوموتی پر تو او مېشتو ولسونو د بېلاوي لپاره له بهر نه د انګریزي ښکېلاکي ځواک د ساتني په موخه راتپل شوي، په پرله پسې ډول په سیمه کې د اړودورو او شخړو لامل ګرځیدلي او دسیمې د مېشتو خلکو سوله ییز ژوند او ګټې یې د تل لپاره له ګواښ سره مخ کړي دي، د افغانستان خلکو نوی گوند د داسې اړونو (شرایطو) د برابرولو په پار هلي ځلي کوي چې په سیمه کې د دا راز لاسرغیو (ساختګي) پولو شتون له مېشتو ولسونو او هېوادونو تر منځ دورورګلوی او پراخو اړیکو د ټینګښت په لاره کې ځنډ نه شي .

د افغانستان خلکو نوی گوند په دې باور دی چې د هېوادونو تر منځ دپولود لانجولري کول یوازی دسیمه ییزو خلکو د رښتینو سیاسي استازو تر منځ دخبرو اترو له لارې هوارېدای شي، نه د هغو ایډیالوژیکو ارتجاعي حکومتونو له خوا، چې د هېڅ ډول تاریخي او دېمو کراتیکي ویسا (اعتبار) لرونکي نه دي.

د افغانستان خلکو نوی گوند، په افغانستان کې د یو داسې ولسواک دولت غوښتونکی دی، چې دټولټاکنو په لړکې د خلکو د آزادو، پټو او سیده رایو په پایله کې له هر راز تېرني، ملي، مذهبي، توکمیزو، ژبنيو او نورېزو (جنسي) توپیر ونوږته منځته راشي.

د افغانستان گوند، په افغانستان کې د آزادو او دېموکراتیکو ټاکنو د اړونو د برابرولو لپاره جنګیږي، د افغانستان دزیار ایستونکو دغوښتنو دور خلکو نوی اندېښني لپاره به د افغانستان دخلکو د ګټو په پام سره په ټاکنیزو سیالیو کې ګډون وکړي ترڅو د هغوی دغوښتنو په وړاندې کولو سره دولتي ځواکمن اداني ددغو غوښتنو د پلي کولو پرلور ورسم کړي.

د افغانستان د خلکو نوی گوند په اند پر ولسواکۍ (دېموکراسۍ) ولاړ پارلماني جمهوري دولت، ددروګونو (مقتنه، اجرائیه، اوقضایی) ځواکونو د جلاشتون سره، تر ټولو پرمختللی او غوره نظام دی.

د افغانستان خلکو نوی گوند باور لري چې د ولسواک دولت اداري جوړښت او د کار کولو ځانګړتیا، د سیمه ییزو دولتي اورګانونو د رښتو او واکونو ټاکل د هېواد له اکرونو او اړونو او دخلکو له غوښتنو سره سم په نیاومن (عادلانه) او دېموکراتیک ډول جوړېږي.

د افغانستان خلکو نوی گوند، د دولت په سیمه ییزو اورګانونو کې د خلکو د پراخ او کارنده ګډون په موخه د سیمه ییزو شور اګانو د جوړښت ملاتړ کوي.

د ولسواک دولت په حقوقي نظام کې د خلکو دښتیزو رښتو، لکه د ژوند، کار، زده کړې، میشته کیدل، یون (سفر)، روغتیا او د څانګو (مسلك) د ټاکلو رښتوڅخه په بشپړ توګه ضمانت او ملاتړ کيږي.

د افغانستان خلکو نوی گوند، په افغانستان کې داند او ګروهي (عقیدې) دڅرګندوني آزادي، د رسنیو، سیاسي، ټولنیزو او فرهنګي سازمانونو جوړول او دهغوی د کار کولو آزادي، په افغانستان کې د دېموکراتیکو او سیاسي آزادیو د ټینګښت (تأمین) لپاره اړین اړونه بولي او د هغوی د پرمختیا او پرمختګ لپاره هلي ځلي کوي.

د افغانستان خلکو نوی گوند، په هېواد کې د نیاومن قانون جوړولو سیستم پرمختیا او ژورتیا په پار جنګیږي او د قوانینو د بشپړ پلي کولو لپاره د ټولو هلو ځلو ملاتړ کوي.

د هېواد قضايي - حقوقي نظام بیا رغونه پر ژوند اړتیا اوښتي ده. د افغانستان خلکو نوی گوند، زموږ دخلکو نیاوپال دودونو ته په پام سره په هېواد کې پر اوسنیو واکمنو حقوقي اړونو باندې په علمي او مترقي توګه بیا کتنه او غور، تاریخي اړتیا بولي.

د افغانستان خلکو نوی گوند په هېواد کې په پرمختللي تخنیک سمبال ملي اردو جوړول او د هغه د جګړه ییزو چمونو (مهارتونو) د کچې لوړول د دولت یوه ځنډ نه منونکی پازه ګڼي. مور د یوه داسې ملي اردو د جوړولو ملاتړ کوو، چې دفاعي رغښت (ماهیت) ولري او د هېواد د خپلواکۍ او ځمکنۍ بشپړتیا ژمندوی (ضامن) او د افغانستان د خلکو د ګټو ملاتړی و اوسي.

د افغانستان خلکو نوی گوند، غواړي چې په هېواد کې ټولې توپیکوالي ډلې ټپلي او ولسي ملېشي هرومرواوپه بشپړ توګه تشپاني (بې وسلې) کړ شي، وسلې او جګړه ییز توکي ځنې راټول کړ شي او هېواد له ماینونو څخه پاکوالی ومومي.

د افغانستان خلکو نوی گوند، په داسې حال کې چې په افغانستان کې د کرکیچ په پای ته رسولو کې د نړیوالې ټولني دمرستو ملاتړ کوي، داهم غواړي چې د ترهګرۍ او بنسټپالو مرکزونو د جرړو اېستلو او په هېواد کې د تلپاتې ټینګې سولې او امنیت روستلو پر لوري دنړیوال ځانګړی پوځونه دې ځای پرځای شي، تر هغې چې زموږ په هېواد کې د بهرني پوځي ځواکونو د شتون اړینه له منځه و لاره شي.

د افغانستان خلکو نوی گوند گروهه لري چې زموږ په هېواد کې د بهرنیو پوځي ځواکونو شتون له آره د سیمې او نړۍ سوله او ټیکاو (ثبات) ته ګواښ او خطر منځ ته راولي او په کار نه ده چې د افغانستان له خاورې څخه د نړیوال پانګوالي سېستم د ګټو او کازمنوموځو د خونديښني لپاره ګټه واخېستلای شي.

### ۳- په وټیز (اقتصادي) ډګر کې

#### الف: د وټیز پرمختګ لوري:

د افغانستان په اوسنی اکر (حالت) کې چې له وروسته پاتې وټیز سېستم سره د زېږ ځواکونو سسته وده او د کار و زېږ (تولید) دبریاوو ډېره نیتیه کچه د هېواد د وټیز بنسټ ځانګړتیا ګڼل کېږي، د افغانستان وټیز رغښت له خپلو زېږ موځو له کبله یوه پېچلي او څو ډولیز رغښت دی چې اغېزمن زېږاود (تولیدي نظم) نه لري. پر دې بنسټ د هېواد ټولنویز پرمختګ لپاره د لاروچارو غوره کول او د وټیزو اړونو (اقتصادي پرنسیبونو) لارو رودو ټاکل یوه ډیره پېچلي (مېهمه) پوښتنه ده، چې د هېوادمخې ته پرته ده.

د افغانستان خلکو نوی گوند، په افغانستان کې زیارکین استعدادونه، طبیعي شونتیاوو (ظرفیتونو)، پراخو کرځمکو، ځمکلاندې زېرمو، پر نړیواله کچه د تکنالوجیکي بدلونو ګړندی بریاوو او د هېواد ترانزیتی - جغرافیایي دریځ ته په پام سره په دې اند دی چې که په افغانستان کې یو ولسواک دولت جوړ او سوله اوټیکاو منځته راشي، نو کېدای شي چې دغه هېواد ډیر ژر ودان شي او پر یوه پرمختللي هېواد اوږي او د خلکو نیکمرغه او سوکاله ژوند سمبال او تضمین کړای شي.

د افغانستان خلکو نوی گوند باوري دی چې زموږ په هیواد کې د منځنیو پېړیو وروسته پاتې ټولنوتیزو اړیکو شتون، اوږدمهاله وروسته پاتوالی، پرمختیا او پرمختګ نشتوالی او وټیزه بېوزلی (فقر اقتصادي) د ټولنیزو ناانډولیو (بیدالتیو) روښانه زېږنده ده چې د دغو اړیکو او د ټولني وټیز بنسټیز جوړښت له هر اړخیز اوښتون پرته، د زیار کښانو په ګڼه د افغاني وټیز پرمختګ، پرمختیا او ټولنیزه نېکمرغی او سوکالي منځته راوړل ناشوني دي.

د افغانستان خلکو نوی گوند، د افغانستان ټولنوتیز نظام د ټاکلو په کار کې د افغاني ټولني د زیار کښانو ګټو ته لومړیتوب ورکول یو انکار نه منونکی آر (اصل) ګڼي او په ټولنوتیز ډګر کې د خپل اوسني پړاو د دندو او موخو د پلي کولو لپاره د یو داسې ګډوټیز سېسټم ملاتړ کوي، چې د آزاد بازار او هم د مرکزي پلان رغاوني له سېسټمونو څخه جوړ شوی وي.

د افغانستان خلکو نوی گوند، د هغه راز وټیزو سیاستونو ملاتړ کوي چې موخه یې د خلکو د ژوند ډکچې لوړوالی، دملي وټیز په ټولوبرخو کې د یو ټینگ او انډولیز (متوازن) پرمختګ ټینګول او په هیواد کې ټولیز نېکمرغه او سوکاله ژوند د جوړولو لپاره روښانه پرمختلونکی لید لوری ولري. د افغانستان خلکو نوی گوند په دې گروهه لری چې د زېږخواکو (تولیدي قوتونو) د ګرندې پرمختګ، د وټیز بنسټونو جوړول او د یو پرمختللي ټینگ او وټیز انډول لپاره، په کار ده، چې له ټولو ملي پانګو سرچینو او بهرنیو زېرموڅخه په اغېزمنه توګه ګټه واخېستل شي او د اوسنیو اقتصادي دندو د پلي کولو لپاره د هیواد د ټولنوتیز - ستراتیژیکي کرنلاري، د دولتي، ځانګړي (خصوصي) او ګډو مرستندویو (تعاوني) سېکټورونو پر بنسټ جوړ شي.

د افغانستان خلکو نوی گوند په داسې حال کې چې د ټولنوتیز بنسټیزو جوړښتونو د اورو په کار کې د هېواد ټینگ او انډولیز (متوازن) پرمختګ او د زېږښاک ډکچې د ټیټوالي پر لور د دولتي او مرستندویو ټولواليو (ملکیتونو) د پراختیا او ټینګښت رول په پام کې لري خو بیا هم له ځانګړو (خصوصي) سېکټورونو څخه پراخه او اغېزمنه ګټه اخیستل اړینه بولي او په دې ډول دغه گوند په هېواد کې د دولتي او تعاوني اقتصاد ملاتړ کوي.

د افغانستان خلکو نوی گوند گروهه لري چې په بنسټیزو اقتصادي برخو کې د دولتي، تعاوني او ګډو سېکټورونو پرمختګ په هېواد کې د سولي او ټیکو او ژمنډويي کوي، خو دا په دې مانا نه ده چې په ملي وټیز جوړښت کې د نورو اقتصادي سېکټورونو رول لږ ارزښت لري. په دې تړاو هر راز تېروتنه، لکه د یوازې لارښوونده او پانګونیز فکتور په توګه دولتي سېکټور رول مطلقول او د هېواد وروسته پاتې وړان وېجاړ وټیز اکر (حالت) له پامه غورځول، د افغانستان پر ملي وټه (اقتصاد) باندې ناوړه اغېز بندوي.

د افغانستان خلکو نوی گوند پر اند د هېواد په دغه تاریخي پرمختیایي پړاو کې د ټولنوتیزو پروګرامونو د جوړولو په کار کې اړینه ده چې له نرمښت (انعطاف پذیری) څخه کار واخېستل شي. د ټولو قانوني (دولتي، تعاوني او خصوصي ملکیتونو) ساتنه د هېواد د وټیز او سیاسي ټیکو ژمنډويي (ضمانت) کوي.

د افغانستان خلکو نوی گوند له آنده د افغانستان د تاریخي ټولنوتیز وروسته پاتوالي د له منځه وړولو لپاره په کار ده چې د هېواد په ګرد وټیز نظام کې د پانګو ډګرندۍ زېرموني بهیر پر کار واچول شي او په ملي اقتصاد کې ټولو رانغښتو سېکټورونو ته د یوې علمي تګلارې او روښاني ستراتیژۍ پر بنسټ چې د ټولني د پرمختګ او ټولیزې سوکالی لپاره څرګندې موخې ولري، داسې لارښوونه وشي چې په هېواد کې ټولیز وروسته پاتوالی له منځه یوسي، اقتصادي خپلواکي ټینګه شي، زېږخواکو په پرمختګ وکړي او د خلکو ژوند په تېره بیا د بېوزلو د ژوندکچه اوچته کاندې.

د افغانستان خلکو نوی گوند پر هغو ستراتیژیکو جوړښتونو (تاسیساتو) باندې، چې د هېواد د خپلواکي، ځمکنۍ بشپړتیا او ملي واکمنۍ سره نه شلېدونکي اړیکي لري، لکه پرمخک، انرژي سرچینو، ځنګلونو، کانونو، بندرونو، ځمکنیو او هوايي لېږدلیکو یا اړیکلیکو (ترانسپورتي یا مواصلاتي لارو) باندې د دولت ټولوالي (مالکیت) ټینګول اړینه بولي او په بنسټیزو اقتصادي جوړښتونو، روغتیایي، زده کړیزو او ښوونیزو څانګو (مؤسسو) او د چاپېریال ساتنې په برخو کې د دولت د پانګونیزې (سرمایه گذارې) پرمختیا ملاتړ کوي.

## ب - ډګرنی په برخه کې:

ددې ټکي په پام سره چې په افغانستان کې ځمکه د زېږ (تولید) تر ټولولومړنۍ ارزښتناکه وسیله ده او د هېواد په ملي وټیز کې بنسټیز نقش لري، د افغانستان خلکو نوی گوند د ځمکې درېرې (مسئلي) او ورباندې د خصوصي څښتنوالي د څرنگوالي درېرې هواری، هېواد ته ډېر ارزښتناک او حیاتي بولي.

د افغانستان خلکو نوی گوند باوري دی چې د سیده زېږندویو (مؤلدانو) په ګټه دیوه رښتیني پر مختللي ځمکمون (ارضي ریفورم) او د ځمکې او اوبو درېرې (مسئلي) له بیخېنایي هواري پرته د ځمکو او بی ځمکو کروندګرو د ژوند بڼه او پر له پېيلي وټیز وده ناشوني دي. د افغانستان خلکو نوی گوند له پامه داوبو سمبالتیا (تأمین آب)، داوبخور څانګو اوډون (تنظیم) بی ځمکو او لږ ځمکو کروندګرو ته د ویش لپاره پر کرنیزو ځمکو د شاورو، د کروندو (فارمونو) جوړول، ډګرنی میکانیزول، پر ځمکه د خصوصي څښتنوالي د یوه نیاومن او ګټور اقتصادي معیارونو ټاکنه، د کروندګرو لپاره د زېږیزو (تولیدي) لګښتي (مالي) اړتیاوو برابرونه ددې سمون (ریفورم) بنسټیزې کرښې جوړوي. د دغه سمون د پیلټکي په توګه کېدای شي چې د کرنیز زېږ ګټورو او اغېزمنو زېږ موخو لپاره د بیوونو (واحدونو) جوړول ترسره شي. په دې سمون (ریفورم) کې د کروندګرو ځانڅېرې او خپلڅوښې برخه اخیستنه اړینه ده. د دغو سمونونو (ریفورمونو) د پلي کولو لپاره د کروندګرو ذهني چمتووالی او ملتیا، د افغانستان په کلاو باندو کې د یوه رښتیني ټولنوتیز (اقتصادي - اجتماعي) بدلون پیل دی.

د افغانستان خلکو نوی گوند په دې اند دی چې د هېواد اوسني ټولنوتیز پرمختیایي پړاو کې د کلیوالو او په ځانګړي توګه د هغو وګړو د یو مومي کېدو او لوري ورکولو لپاره چې په کلیو او بانډو کې د ډېر ټیټ اير له کبله د خپل ژوندانه دلګښتونو وس نه لري، دنورو لاروچارو په پرتله کرنیز کوپراتيفي سازمانونه ډېر ګټور پېرېتای شي.

د افغانستان خلکو نوی گوند په هېواد کې د کوپراتيفي غورځنګ د پرمختیا او ودې ملاتړ کوي او په دې برخه کې په پرله پېيلي توګه کار او هڅوته دخپلو دندو په سرلیکه کې ځای ورکوي.

ګوند باوري دی چې دمرستو او کوپراتيفي سازمان جوړولو آر (اصل) چې د وټیزې کارندویي (اقتصادي فعالیتونو) پراخه برخه پکې راځي، د زیار کښانو د ژوند په بڼه کې اغېزمن نقش لوبولای شي.

افغانستان دیو کرنیز هېواد په توګه دنده یې توکیو تر ټولو ستر زېږځای دی. د افغانستان خلکو نوی گوند له آنده د وګړو لومړنیو اړتیاوو پر لور د کرنیز سمون لپاره دنده یې توکو دمافيايي څانګو درانغښت او له منځه وړل اړین دي. گوند دغه سکالو دیوې تر ټولو سترې ملي دندې په توګه وړاندې کوي.

د افغانستان خلکو لپاره دنده یې توکیو د ناقانونه زېږ او قاجاق پروړاندې جنگ (مبارزه) ځانګړې ارزښت لري، په دې ډګر کې بری د کروندګرو، په تېره دلږ ځمکو او بی ځمکوبزګرانو د ځانڅېرې او سیده ګډون غوښتونکي دی، د داسې کرنلارو د پلي کېدو لپاره اړتیا شته چې د جلابانو، کارتلونو او نشه یې توکیو د ټولنو له منګولو نه د کروندګرو د ژغورون او ورته د ژوند بڼه او بلونج (بدیل) کښت پر لور لارښود شي.

ځنګلونه د هېواد دملي شتمني یوه برخه جوړوي، د تېرو کلونو په پېر کې ځنګلونو ته ډېر تاوان اوښتی. د افغانستان خلکو نوی گوند د هغو ټولو کروور ملاتړ کوي چې د هېواد د ځنګلونو د ساتنې، پراختیا، او سولیزې (معقولي) ګټې اخیستنې پر لور تر سره کېږي.

د افغانستان خلکو نوی گوند د زیارکینو کوچیانو د خپلخوښې میشتېدنې لپاره د آرونو برابرولو غوښتونکی دی او له هر هغه اغېزمنو کړنو ملاتړ کوي چې ددوی ژوند د ټولنوټیزې او فرهنگي ښه‌والي پر لور بوځي. پرې نږدو چې ددغه خورېدلې، بېوزله، او زیارکین پور انساني رښتې تر پښو لاندې شي او ورڅخه د هېواد له طبیعي زېرمو څخه دگټې اخیستنې رښتې و بلوسل شي.

### ج - کان او رغاوه (صنعت):

دکانو په برخه کې افغانستان بډایې او لید وړ زېرمې لري. خو دښکېلاک گرو دښکېلاک او لا سوهنو، دارتجاعي استبدادي واکمنو دواک او دټولنوټیز وروسته پاتې جوړښت په تړاو د هېواد پرمختیا او پرمختگ او د زیارکینانو د ژوند دښه‌والي لپاره له دغو پراخو زېرمو څخه اغېزمنه گټه نه ده اخیستل شوې.

د افغانستان خلکو نوی گوند پر کانو او نورو ځمکلاندې زېرمو باندې ددولتي واک ملاتړ کوي او غواړي چې دمنرالي او طبیعي کانونو او زېرمو دساتنې او ورڅخه دگټې اخیستنې په موخه دې دولت دجیولوجیکي څېړنو، پانگو نو، اغېزمنو او گټورو کیندنو او اېستولپاره داسې یو پراخ، پرمختیایي او هراړخیز پلان جوړ کړي چې دخلکو ژوند دښه‌والي او پرمختیا پر لوري ورسپارې.

د افغانستان خلکو نوی گوند نه غواړي چې د هېواد نویو ځانگړو سوداگرو او د رغاویزو (صنعتي) پانگوالو سره اېډیالوژیک او بیروکرانیک چلند وشي. زېږیز پانگوال په ملي وټیزه وده کې درغاوه (صنایعو) د پرمختیا ماشینونه گڼل کېږي. دغه برخه دخپلې پانگې په کار اچونې داندولتي پانگو دراختکو (جلبولو)، انساني زېرمو په کار اچونه او کارپوهیزه او اغېزمنه چلونه د هېواد وټیزې رغاوي (اقتصادي صنعت) دپراختیا تر څنگ اوسنیو پرمختیایي دندو ته درسپدو لاره لنډه کړي.

د افغانستان خلکو نوی گوند د هغو ټولو اغېزمنو او گټورو هڅو ننگه کوي چې دملې صنایعو دپراختیا او پرمختیا په موخه ترسره کېږي. د افغانستان خلکو نوی گوند دورهنکړو هراړخیز ملا تړ کوي او دښکلو رغاوه (مستظرفه صنایعو) اولاسرغاویزو توکو دودې او پرمختیا لپاره دولت له خوا داغېزمنو او هڅوونکو لارو چارو د وړاندېښې غوښتنه کوي.

### د - په پانگیزه (مالي) او سوداگریزه برخه کې:

د افغانستان خلکو نوی گوند د زیارکینو په گټه دپرمختللي او اندولیز (عادلانه) سمون (رېفورم) غوښتونکی دی، د بېوزله او بډای (ثروتمند) تر منځ دواتن د لږولو په موخه پر گټو او اړ باندې د پرمختللي مالي ټاکل اغېزمنې چارې بولي اود داسې پانگیز نظام ملاتړ کوي چې پر کورنیو اېریزو (عایداتي) زېرمو باندې په بډې سره له بهر نه دپېر او مرستو کچه راټیټه کاندې. د افغانستان خلکو نوی گوند پر لېږندو او نالېږندو (منقولو او غیر منقولو) شتمنیو باندې د نیایمې (عادلانه) مالي د لگولو پلوی دی.

د افغانستان خلکو نوی گوند د بانکي سپښتمونو دنویوالي او نومالیزو (مورنایزېشن) غوښتونکی دی او کروندگرو، کلیوالو او بېوزلو ته دکمگتو پورونو دورکړې په موخه د پرمختیایي، کرنیز او مرستندویه (تعاوني) بانکونو دجوړېدو او پرکار لوېدو ملاتړ کوي.

د افغانستان خلکو نوی گوند د نومالیز (مورنو) مخابراتو او اړیکیزو (مواصلاتي) سپښتمونو دپراختیا او پرمختیایي کوي.

د افغانستان خلکو نوی گوند دسوداگرۍ په برخه کې دپوه داسې سیاست پلوی دی چې دملې زېږ ځواک دودې او پرمختیایي مندو (ضامن) اوسې، د لېږدونو (صادراتو) د کچې پراخول، درا لېږدونو (وارداتو) پر ځای له کورنیو زېږ لویښو څخه گټه اخیستنه اود هېواد ټولیزې سوداگرۍ ترمنځ اندول (بیلانس) ټینګ کاندې. په اوسني آر کې پرخپل مهال د وگړو دارینو لویښو، د زېږیزو مؤسوسو اوموتوکیو (خامموادو) برابرول او دکورنیو لویښو په شان د بهرنی شیانو دنه پرېښوولو لپاره دتعرفي نظام چې دکورنیو زېږ والو په گټه وي، ملاتړ وشي، او په دې موخه په کارده چې دتعرفي ځانگړی سپښتم رامنځته شي.

د افغانستان د خلکو نوی گوند په آند افغانستان ته دپوه وچغاري (محاط به خشکه) هېواد په توگه د ترانزیتی اسانتیاوو برابرولو (دترانزیتی لویو لارو جوړېدو) او پرکار لوېدو له هېواد څخه د تېلو او گازو د نللیکوټېرونه) ځانگړی ارزښت لري، د افغانستان خلکو نوی گوند په دې تړاو د افغانستان د خلکو په گټه د هېواد له جغرافیایي دریځ (موقعیت) څخه داغېزمنې گټې اخیستنې ملاتړ کوي.

### ۳ - ټولنه یزه برخه

د افغانستان پر وگړو باندې د هغو گړدو تپل شویو ټولنیزو بی نیایو له منځه وړل د افغانستان د خلکو نوی گوند ارمان دی. د افغانستان له ټولنیزه پلوه دنړۍ ترټولو وروسته پاتو هېوادو په لړ کې ولاړ دی، ددې اکر دبلولو لپاره پراخ ټولنوټیز، سیاسي او اندیز اوړون (رستاخیز) ته اړتیا لیدل کېږي او د افغانستان د خلکو نوی گوند به په دې ادلون بدلون کې خپله کره برخه ترسره کوي.

افغانی میرمنې دټولنیز ستم دروند پېټې تل پر اوړو وړي. دنړیوالو په اندافغانی میرمن دپوي زور ځپلې (مظلومي) څېرې په توگه پېژندل شوي ده. په ټولنه کې دمیرمنو د بابېزه دریځ سماوی د افغانستان د خلکو نوی گوند ددند و منځتکی جوړوي، دمېرمنو د گټو دملاتړ یو سازمانونو د رغاوي په موخه هاندوهڅه کوي. ټولنیز ژوند په ټولو برخو کې له نارینه وو سره دښځو د یو برابر رښتو د خپلوني خوندیینه (تسجیل) د افغانستان دکین دپموکرانیک غورځنگ له ځانگړو دندو څخه دی. د افغانستان د خلکو نوی گوند زیار گالي چې دغه برابریتیا د هېواد په بنسټیز قانون او نورو قانونونو کې روښانه وکښل شي او په کړن کې پلي شي.

افغانی ماشومان دنړۍ ترټولو بېوزله او مظلومترینه اوسېدونکي گڼل کېږي. دوي دمیرمنې له همېشني گواښه پرته، له بی کورۍ، لورۍ، بی پوښاکۍ او نالیک لوستۍ سره د ټولنیز ژوند ډگر ته ورگډېږي او له ناچارۍ نه د خورا ناخیزه مزد په بدل کې پرکار بوختېږي. د افغانستان د خلکو نوی گوند به هڅه وکړي چې د ماشومانو دگټو ساتنه او ملاتړ پر یوه لوی ملي اودولتي پروگرام بدل شي. د افغانستان د خلکو نوی گوند به د ماشومانو د ژوند دښه‌والي په موخه نړیوالې مرستندويي ادارې او سازمانونه را وهڅوي.

له روغتیايي او دمور ماشوم دساتنې له پلوه، افغانستان ترټولو وروسته پاتو هېوادو په لړه کې دی. دولت دنده لري چې نوي اغېزمن نومالی (مورن) روغتیايي سپښتم رامنځته او دټولني د بېوزلو پورونو وړیا درملنه ترسره کړي. د افغانستان د خلکو نوی گوند دداسې یو روغتیايي نظام دجوړېدو په لار کې مبارزه کوي.

دټولني بېوزلو او هغوکسانو لپاره چې دټولني څنگ ته ژوند کوي، د ژوند د لومړنیو لږه کیو اړتیاوو سمبالنه او ژمندويي یو انساني دنده ده. د افغانستان خلکو نوی گوند هڅه داده چې دغه دنده ژر تر ژره ددولت له خوا ترسره شي.

دکار وزېږ دځوندي آرونو برابرول، دکارساتنې اوخوندیینې د تخنیک دځانگړو آرونو (نورمونو) په گوته کول او جوتول، له کار څخه راپېداشوېو رنځونو او ناروغیو پر وړاندې د کارگري خوندیینې (وقایې) او دزېږ او کار په بهیر کې د منځته راتلونکو پېښو د کچې راټیټول د زیارکینانو بنسټیزې رښتې دي. د افغانستان ( ) گوند به له خپلو گړدولاسرسو شونیاوو سره سم هڅه وکړي چې دکار و زېږ په منځیو (مرکزوکې) د کارساتنې او خوندیینې تخنیکي نورمونه او دویونه (مقرري) لا ټینګتیا او پراختیا ومومي.

د افغانستان د خلکو نوی گوند دپرمختللي مزد او معاش دسپښتمونو په رغولو، دانساني ژوند د لگښتونو په پام سره د لږه کیو مزد بریدټاکل، دکارگرانو او نورو کارکوونکو د توکیز او مانیز (مادي اومعنوي) ژوند د کچې پراختیا او پرمختیا لپاره به ټولنیزې سمبالتیاوې (تامینات) وړاندې کول اود هېواد گړدو کارور او تکړه وگړو ته دغوره او خوندي کارځایونو اواندولیزو کار رښتو درامنځته کولو لپاره په پر له پیلې توگه هاندو هڅه کوي.

د افغانستان د خلکو نوی گوند دکارگرانو او نوروکارکوونکو ترمنځ دټولنیزو اسانتیاووداسې یوسپښتم غوښتونکی دی چې په هغه کې دملې اقتصاد له ټینګښت او پرمختگ سره پټلیز دکارکوونکو مالي ونډه ورو ورو را ټیټه او له اسانتیاووی کورنۍ هم برخمنې شي.

د افغانستان د خلکو نوی گوند دکارگرانو او کارکوونکو دکار دنیامونواریکو جوتتیا (تثبیت)، تینگنیت او اودبنت (تنظیم) لپاره دکارداسی وړنده او پرمختللی قانون د پلي کېدو (انفاذ) غوښتونکی دی چې دملي اقتصاد په ټولو اړوندو سېکتورونو کې دکارکوونکو درښتو تینگونوکی وي او غورځنگ به په همدغه لار کې خپلې هلې ځلې پرمخ وړي.

د افغانستان د خلکو نوی گوند له پامه په کار ده چې دتېرودرولسیزو جگړو بلهاري شویو، اوماتو گودو کورنی ددولت تر ساتنې لاندې راشي او په دې برخه کې گټورې ټولنیز اسانتیاوې او څارونکي ځانگي رامنځته شي.

#### ۴- د اند و فرهنگ او روزني برخي

ارتجاعي ايډیولوژی اوزرې اندتوکي او دودونه دافغاني ټولني پروراندې ډېر مختگ او اوړون ستر خنډونه دي. دعلمي ليدلوريو او اندونو دودول او له ايډیولوژیکو، توکمپالو، ژبپالو، مليتپالو او نورو زرو انگېرونو څخه د دهېواد ستر روښاندیزو زېرمو (ظرفيتهای عظيم روشنفکرې) ژغورون دټولو ډېموکراتیکو غورځنگونو له بنسټيزو دندو څخه دي؛ دافغانستان د خلکو نوی گوند به په دې لارکې خپل لارښود او مخکېبانه برخه تر سره کړي.

دافغاني ټولني مانيز فرهنگ، په ځانگړي توگه دادبياتو برخه له هېښندو نويو نوښتونو ډک ده، په زېر برخه کې دغه نوښتونه په ځانگړو ټولنيزو دليلونو او دواکمني ايډیولوژي په کړو وړو سره دخلکو له ژوند سره اخېل شوی. ډېرمختگ دنويو ځنډونو (افقونو) پر لوري دټولني په ورسېخونه کې ددغه کودگر ځواک له پامه غورځول، په رښتینه دټولني ډېر ارزښتناک مانيز نوښت ته ارزښت نه ورکول او ارتجاع ته ديو ډېر اغېزمن پرمختگپالې شونتيا خوشي کول دي.

دسپکو او بي خوندو رسنيو پراختيا او ور پورې د ترلي ډېموکراسی نندارې، دفرهنگ له پاره ستر گواښ له ځانه سره لري په بهرنيو ځواکونو او شاتگپالوسازمانونو اوگوندونو اړوند ټېلويزیونو پراختيا د ارتجاع او اېمپرياليزم دځواک دلايتنگنيت لپاره څېرمه لوبې (وسيلې) دي، رښتینی ډېموکراتیکي او پرگنيزي خپرنی (مطبوعات) رامنځته کېدل دهېواد ډېرمختللي غورځنگ بېرندويه اړينتيا ده. دافغانستان د خلکو نوی گوند په دې لارکې په هاندو هڅه به له نورو ډېموکراتیکو جوړښتونو سره د ډېموکراسی او پرمختگ په گټه ډورندو خبرتيايي (لازمو اطلاعاتي) وسيلو لټون وکړي.

ناليکلوسټي وړکول او له نړيوالو پوهنيزو نورمونو سره سم دهېواد ځوانانو ته دلورويونو سمبالتيادډېموکراتیک او پرمختللي فرهنگ او ټولنيز پرمختگ مخار (پيش شرط) دي اودافغانستان د خلکو نوی گوند بي د منځته راوړني لپاره جنگېږي.

دافغاني ټولني د ليدورو رښتياوو (عيني واقعيتونو) پر بنسټ، اودهېواد دتوکميزو او سياسي اړونو په پام سره، دافغانستان خلکو نوی گوند دنو رو هېوادو له ازمينښتو څخه په گټه اخېستنه، دافغانستان ملي رېږو (مسئلو) په اړه لاندې اړونه وړاندې کوي:

طبيعي خپلواکي دخلکو رښته ده، د دې رښتي مخنيوی اوپر وړاندې يې تر هر نامه لاندې هر ډول چالچلند يو نا بشري چلند دی او زور واک (جابران) دېشر درښتو پر خلاف دي.

په افغانستان کې ورونه توکمنه او تېرونه، دارښته لري چې دخپلو ژبو، فرهنگ، او نورو پېژنديزو (هويتی) ځانگړتياوو د ودې لپاره هاندې هڅي وکړي.

دافغانستان خلکو نوی گوند له پرمختللو نړيوالو فرهنگونو سره دافغاني ټولني دفرهنگ په نښلونه کې به هاندو هڅه وکړي. د نړيواليدونکي پانگوالي فرهنگ پر وړاندې دډېموکراتیک فرهنگ نړيوالول، دافغاني کين ځواک د دندو يوه برخه ده. دافغانستان د خلکو نوی گوند به يې په پر له پېيلې توگه د لار هواري لپاره جنگېږي.

#### ۵- دنړيوالو اړیکو په برخه کې

دافغانستان د خلکو نوی گوند دسولي او ټولنيزې اندولتيا دټينگنيت لپاره دډېمو کرا تیکو سوله پالو اوپرمختگ پالو ډلو ټپلو او گوندونو درښتيني مبارزې هر اړخيز او ټينگ ملاتړ کوي.

دافغانستان خلکو نوی گوند له کارگري غورځنگونو، دجگړې او تاوتریخوالي ضد غورځنگونو، دښمنو غورځنگونو، چاپېريال ساتني پلويانو او نورو ډېموکراتیکو او نياوپالو غورځنگونو ملاتړ او په غونډو کې يې گډون کوي.

دافغانستان د خلکو نوی گوند د بشر د نړيوالې اعلاميې دکېدل شويو علمي ارزښتونو او نورو نړيوالو ژمنليکونو او تړونونو (کنوانسيونونو) د پلي کېدلو په لاره کې مبارزه کوي چې افغانستان ورسره دپيوستون اعلام کړی، او له دغو ارزښتونو او ژمنو څخه سر غړوني او تېر وتني به په ډاگيزوي.

دافغانستان خلکو نوی گوند غواړي چې د گاونډيو اونړيوالو هېوادونو خپلمنځي رېږي له سوله ييز او سياسي لارې، له پوځي ځواک کارونې پرته هواري (حل وفصل) شي.

دافغانستان خلکو نوی گوند دجگړې او تاوتریخوالي پرضد اودنړۍ او سيمي دسولي ټينگ پلوي په توگه د هغوگړو هاندو هڅو ملاتړ کوي چې دسولي او امنيت درامنځته کولو لپاره ترسره کيږي او له ټولو جگړو ضد غورځنگونو سره پکې دخپل پيوستون په ډاگيزونه کارنده برخه اخلي.

دافغانستان خلکو نوی گوند گرو ه لري چې ډېرله پېيلې سولي دټينگنيت په موخه دترهگري، تاوتریخوالي او بنسټپالني پروراندې دډېموکراتیکو ځواکونو کارنده همغارې به دسيمي په سوله او تیکاو کې مرسته وکړي.

دنړۍ اوسنی ويجار اکر، له تياهي څخه دېشر دژ غورني لپاره دټولو پرگنو پروراندې سترې پاڼې ايښي دي. دافغانستان خلک دوسمهالي نړۍ ترټولو ځورېدلي خلک دي چې په هېوادونو کې د سولي، پرمختگ، وروسته پاتوالي او لوړې له منځه وړولولپاره ديونوي نړيوال نظام په رغاونه کې دگډون کلک غوښتونکی دی. افغاني ډېموکراتیک ځواکونه دنده لري چې دافغانستان ډېرگنو رښتيني غوښتني نړيوالو ته ورسوي، او دهغوی ژور سوله پال او بشر پال دريځونه (مواضع) په ډاگه کړي چې د بنسټ پالو له هغو سره بډوالی (مغايرت) لري.

#### څلورم - دمبارزې لارې او ډولونه

دافغانستان د خلکو نوی گوند د هغوټولو سمونونو (رېفورمونو) ملاتړ کوي چې په ټولنوټيز، سياسي او فرهنگي برخو کې دخلکو د بنهاني او ولسواک غورځنگ پرمختگ رامنځته کړي او يو لاغوره ټولنوټيز نظام ته درسېدو واټن را لند کاندې. دافغانستان د خلکو نوی گوند له انقلابي لندغريو (ماجراجوييو) او ذهنیگري (سویزکنويزم) سره ناباندې دی.

دافغانستان د خلکو نوی گوند په اند سياسي - ټولنيز ترينگلنیا د اقتصادي ترينگلنیا څرگندويه نښه ده!

دتاريخ په بهير کې د بدلون پالو ځواکونو پرگنيز خوځښتونه او وسله وال مقاومتونه، دزور واکانو، مستبدو واکمنانو اود ترينگلنیا پروراندې لند مهالي او تېرېدونکي غبرگونونه ول.

دافغانستان خلکو نوی گوند په پر له پېيلې توگه غوره گني چې دافغانستان دزيارکښانو غوښتني دي له سوله ييزو لارو او پر انساني پراخو پوړونو په ډډه لگونه تر سره شي.

دافغانستان د خلکو نوی گوند په سياسي او نياوپالو اقتصادي، ټولنيز او فرهنگي بهير کې د کارنده گډون په موخه ډېرمختللو ټولنيزو او ټولگيزو(صنفي) سازمانونو جوړول وهڅوي.

غورځنگ دخپلو لرموځو د ترلاسه کولو پر لوري دخپل خوځښت په هر پړاو کې، دټولني دنومبرلي (مشخص) اکر او ځواک اندول په پام سره، ددې کرنلاري له غوښتنو او متن سره سم کېدونکي او ځانگړي پروگرامونه جوړوي، او دپلي کولو په لارکې يې جنگېږي.

دافغانستان د خلکو نوی گوند به له ټلوالو (ايتلافونو)، ټولنو اونورو اورونپالو ځواکونو سره سياسي بلاکونه، ټلوالې او ټولني جوړول دخپلو موخو دپلي کولو لپاره اغيزمن گني او ددغو ځواکونو ديو موټي کېدو پرلوري مبارزه کوي.

## پیام کنگره حزب نوین مردم افغانستان به کارگران، کارکنان و پیشه وران کشور!

۲۶ عقرب ۱۳۹۵

### کارگران، کارکنان و پیشه وران آگاه کشور!

کنگره حزب نوین مردم افغانستان دروډهای گرم، صمیمی، ریفقانه و بیکار جویانه اش را به شما آفریننده گان ثروتهای ملی کشور میرساند.

ما در شرایطی کنگره اساسگذار یک حزب جدید متعلق به زحمتکشان افغانستان را برگزار نمودیم که جامعه افغانی با مسایل جدی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و معنوی مواجه است. بی باوری به حاکمیت کنونی به چنان حدی رسیده است که در تمام سالهای حضور امریکا - ناتو در کشور ما سابقه نداشته است. تداوم جنگ، بدامنی، بی ثباتی، کود اقتصادی، گسترش بیکاری و فقر گسترده که دامنگیر توده های مردم گردیده است، شرایط تداوم حیات را برای ملیونها هموطن ما بدتر از همیشه ساخته است. ناتوانی و بی کفایتی نظام حاکم و دولت به اصطلاح "وحدت ملی" در پاسخ به ابتدایی ترین مطالبات برحق و عادلانه کارگران، کارکنان موسسات و ادارات دولتی و خصوصی، پیشه وران و سایر اقشار زحمتکشان روز تا روز افق تاریکتری را در برابر مردم ما می گستراند.

بیشتر از ۴ میلیون کارگر که ۴۰ درصد نیروی مستعد به کار کشور را تشکیل میدهد، در بحران بیکاری متداوم به سر می برند. بیکاری گسترده در کشور باعث گسترش روز افزون بحرانهای دیگری از جمله، تشدید فقر، فساد، خشونت، خودکشی، اعتیاد به مواد مخدر و مهاجرتها نیز گردیده است.

فرار مغزها و نیروی کار از کشور شدت بیشتر یافته و رو به افزایش است. بر اساس آمار رسمی دولت افغانستان و سازمانهای معتبر جهانی، **حدود شش میلیون افغان که بیست درصد جمعیت کشور را تشکیل میدهند، در کشورهای جهان عمدتاً در کشورهای همسایه مهاجر هستند و این پروسه بدون وقفه ادامه دارد.**

اکثریت مهاجرین افغانی مستعد به کار بوده با آن که بیشترینه دارای تحصیلات بلند و مهارتهای کاری اند، در شرایط بسیار ناگوار و غیر عادلانه و فاقد حقوق مدنی به سر می برند. این کارگران در شرایط بد بسر میبرند، ماه ها دستمزد آنها پرداخته نمی شود، تفاوت و شکاف عمیق بین حقوق کار و وضعیت واقعی کار آنها وجود دارد. این کارگران در زیر فشار کار اجباری و دیگر اشکال آزار فیزیکی و روحی قرار دارند. در برخی از کشورها شکنجه، تخفیف حیثیت و کرامت انسانی و بازداشتهای خود سرانه کارگران مهاجر افغانی به یک امر معمول تبدیل گردیده است.

**اوضاع و احوال جاری نشان میدهد که افغانستان برای چندین دهه پیهم بزرگترین جمعیت مهاجران را در جهان داشته باشد.**

### کارگران، کارکنان و پیشه وران شریف کشور!

جهان ما را بحرانهای عمیق فرا گرفته است. طبقه کارگر جهانی خود را در شرایط بدتر می بیند و بیشترین آسیب های بحران اقتصادی جهانی را بدوش میکشد. دستور کار همه دولتهای سرمایه داری و سازمانهای مالی - تجاری نظام جهانی سرمایه داری مانند "بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا و غیره...". برای خروج از بحران گسترده اقتصادی جهانی، برای همه کشورها یکی است و آن عبارت است از: کاهش دستمزدها، محدود ساختن تأمینات اجتماعی، کاهش خدمات اجتماعی، تحمیل استبداد، برنامه های ریاضتی، حذف حقوق اجتماعی و گسترش بیکاری.

پیآمد فاجعه بار این دستور ها از همین اکنون روشن است. فاصله میان

ثروتمندان و تنگدستان بیش از پیش افزایش یافته است. درآمد روزانه یک میلیارد نفر زیر یک دلار و ۲۵ سنت است، در حالی که دارایی ۸۰ ثروتمند برتر دنیا به اندازه دارایی تمامی تنگدستان جهان است.

همین اکنون نزدیک به یک میلیارد انسان جهان ما، در بیکاری و فقر به سر می برند و هر روز سرمایه داران با بیکار کردن هزاران کارگر زنده گی اجتماعی و خانواده گی آنها را به سوی نابودی سوق میدهند. هر روز به امکانهایی آسایشی زحمتکشان که محصول مبارزات چندین دهه کارگران و مردم آزادیخواه و عدالت پسند است حمله می نمایند.

بحران جاری سیستم سرمایه داری نه تنها بر زنده گی اقتصادی مردم اثرات منفی وارد نموده است بل باعث تشدید رقابتهای سیاسی، گسترش ابعاد جنگ و ملتاریزم، سلب حقوق مدنی و سیاسی کتله های ملیونی مردم، گسترش تبلیغات واپسگرایانه افراطی مذهبی و غیر مذهبی ضد بشری و تولید و بازتولید خشونت و تروریسم گردیده است.

سیاستهای تسلط طلبانه و غارتگرانه اقتصادی - اجتماعی نیولیبرالیسم زیر عنوان "بازار آزاد!" بر مردم افغانستان رنجهای بیشتر را تحمیل می نماید.

استراتژی اقتصادی کشور که با نظام سرمایه داری جهانی و نهادهای مالی - نظامی آن پیوند خورده است، قبل از آنکه رفاه و بهبود زنده گی مردم فقیر کشور را هدف قرار دهند، در خدمت غارت و چپاول ثروتهای ملی و دارایی های مردم است.

با آنکه غول بیکاری، فقر و فلاکت، صعود سرسام آور قیمت کالاهای مورد نیاز اولیه مردم، تورم گسترده، کاهش قدرت خرید مردم، سوق توده های میلیونی تهی دستان به زیر خط فقر، بدامنی، تشدید خشونت، صعود گراف فساد اداری - اقتصادی، بی عدالتی، سرکوب بیان و اندیشه و وضع محدودیتها در برابر آزادیهای دموکراتیک مردم هر روز بیش از پیش چهره واقعی نظام حاکم و نیروهای ترکیبی آنها به مردم نشان میدهد. با این حال به رغم شرایط بد نظامی - امنیتی، حرکتها و نمایشهای مبارزاتی قانونی و مسالمت آمیز بخشهایی از کارکنان ادارات و موسسات دولتی و خصوصی و پیشه وری به صورت گسترده تری به وقوع می پیوندند. اعتراضها و اعتصابهای مختلف برای افزایش دستمزد و حقوق تادیه نشده، اعتراض علیه بیکاری گسترده و رو به افزایش، علیه خصوصی سازی، اعتراض علیه شرکتهای واسط و پیمانکاری، علیه عدم ایمنی در محیط کار متنوع تر از سالیان پیش انجام گرفته است که فصل نوینی از پیکار داد خواهانه کارگران، کارکنان و پیشه وران را نشان میدهد. حزب ما، از این پیکار عادلانه پشتیبانی می نماید.

### کارگران، کارکنان و پیشه وران آگاه وطن!

تجربه تاریخی مبارزات کارگران نشان میدهد که کارگران در هر ردیف، حلقه، صنف و محل کاری که هستند تنها و تنها در اتحاد، وحدت، همبسته گی و سازمانیابی مستقل از دولتها و نهادهای متعلق به حاکمیتهای استثمارگر و مستقل از کارفرمایان و تنها با تکیه بر نیروی سازمانیابی و تشکیلاتی خود قادر خواهند بود تا به مطالبات و خواستههای خود دست یابند و حق خود را بگیرند.

کارگران و کارکنان جامعه افغانی که بخشی بزرگ و اساسی از زحمتکشان کشور را تشکیل میدهند، اعم از کارگران کارخانه ها، معادن، کشاورزی، ساختمانی ←

## دهواد ټولو ديموکراتو و پرمختگپالو گوندونو او سازمانونو ته د افغانستان د خلکو نوي گوند د بنسټيزې کنګري پيغام د ۱۳۹۵ کال د لړم ۲۶

د ټولو دوستانو او ملګرو،  
زموږ د گوند کنګره په داسې اکر کې جوړېږي چې زموږ هېواد د پخوا په شان د تالا کونکي او هېښنده جګړې په اور کې سوځي.  
تر بهرنيو پورې د تری ارتجاعی ځواک د پرله پېبلی وګرني ضد سياستونو د پلي کولو په بېلامه کې، کرکېچ، رنگونه اوزموږ د هېوادوالو بې دريغه وحشيانه وژنه ورځ تر ورځ پېچلې کيږي او پراختيا مومي چې د ټيکاو، سولي او نياو د رېښياینې (تحقق) کوم روښان سترګ ارت نه تر سترگو کېږي.

زموږ له پامه د وطن گوند د ځواک د نړيدو ستر تاوان د هېواد له روانو ادلون بدلونونو نه د ديموکرات غورځنگ په پوره توګه څنگ ته کېږنه او شړل کېدل او د ارتجاعی او شاتګپالو له خوا د روان اکر او ځواک خپلونه او ترلاسه کونه دي.

په خواشيني سره بايد ووايو چې په تېرو پنځه ويشتو کلونو کې دهېواد پرمختګپال خوځښت او زموږ له پرونې گوند له پاتې شونو نه جوړ شوي گوندونه او سازمانونه ونشو کړای چې د هغوی ادانيز ګرېږتيا له لامله دهېواد په سياسي ادلون بدلونونو کې د هېواد د بې وزلو او تشلاسو د ګټو د خوندي کولو په موخه کومه کارنده برخه ولري.

له همدې خايه دی چې زموږ د ټولني ستمخپلي او محروم ولس د ګټو د ترلاسه کولو په موخه په يو ستر او پراخ سياسي پرمختګ پال ادانه (ساختار) کې د ټولو نياوپالو او ديموکراتيکو خوځښتونو رغونه هغه لويه دنده ده چې تاريخ زموږ مخې ته ايښي دی.

دهمدې لويې او تاريخي دندې پر بنسټ وو چې مور پنځه کاله وړاندې د نورو هڅو هاندونو ترڅنگ چې په غورځنگ او خوځښت کې د بې ګټې او خوشي ګرېږتيا د له منځه وړو په موخه تر سره شوي، د ديموکراتو او پرمختګپالو سازمانونو ټلواله ( ايتلاف) مو د ګټه ورو او لار ښوونکو خبرو اترو له منځته څخه د ژغورني او همغږي ترنامه جوړ کړ.

هغه لومړنی او بېرته دنده چې د دې ټلوالې کړنليک ( پلاتفورم)، په ټلواله کې د ګډو گوندونو او سازمانونو مخې ته کېښود، د هېواد پر اوسني اکر باندې د يو اغېزمن گوند د جوړولو دنده وه. په هغه کړنليک کې راغلي لاسوندونه ( په ټلواله کې د بنسټيز ګډ کار د لاسوند په توګه ) د راتلونکي گوند دکرنلار د آرونو ( شرطونو) په توګه وګڼل شو. سره له دې چې جمهوري رياست ته په ننداريز او درغليو ډګو ټولټاکنو کې د « ايتلاف» د ځينو غړوبېرني برخه اخېسته دايتلاف اصلي او منځتي کې يې چې ديو لوی او پراخ گوند جوړول ووځند کړ، خو بيا هم د ټلوالې مشر پلاوی (ريسه هيات) په کارنده او پر له پېبلی توګه د پرمختګپال ځواکونو د يووالي او ګډون بهير يې په دې هيله چې له تېرو تيروتنو نه دې دهېواد، سيمي او نړۍ د اوسني سياسي اکر سره سمې زده کړې ترلاسه شوي وي، څارنه کوله.

د همدې هڅو په بهير کې او وروسته له هغې چې د افغانستان د خلکو متحد ملي گوند دځينو ټکو په وړاندې کولو سره د گوند په بنسټيزه کنګره کې له ګډون څخه ډډه وکړه او ورپسې د افغانستان د خلکو د خپلواکي گوند ( حزب آزاي مردم افغانستان ) هم د نوي گوند سره د پيوستون خبره راتلونکي ته پرېښوله او همدا راز د افغانستان د تفاهم او دموکراسي گوند پرته له کوم روڼ منطق زموږ په ننني غونډه کې يې له ګډون نه ډډه وکړه، نو دنياوپال ديموکراتو او پرمختګپال ځواکونو دوحدت او پوهاوی شورا، د وطن گوند د رغاوني کميسيون، د آينده غورځنگ او نورو هېواد پالو ځواکونو، په هېواد کې ديو سياسي ديموکرات اداني (تشکل) په توګه دننني بنسټيزې کنګري په جوړولو سره د ... گوند جوړيدل اعلامی.

موږ د ديموکراتيکو او پرمختګپالو ځواکونو د ايتلاف د پلاتفورم د پلي کولو په لاره کې د ... گوند جوړيدل چې د هېواد په اوسني اکر کې د يو پراخ او اغېزناک گوند په توګه او د هېواد د نياوپالو ځواکونو رغاوني وروستي پړاو دی يو ګټور ګام بولو.

د همدې خبرو پر بنسټ يو ځل بيا له ټولو همغږو سازمانونو، مخورو او ددېږيو (اکثريت) ګټو ته ليوال او وفاداره هېواد والو ته بلنه ورکوو تر څو د روڼ، رغوونکي او صادقانه خبرو اترو له لارې د ديموکراتيکو ځواکونو د يووالي او ... گوند د وګرڼيز بنسټونو په پراخولو او ټينګولو کې هڅې وکړي.

و عمراني، کارکنان خدماتي، کارکنان رشته های صحتي، کارکنان عرصه تعليم و تربيه، آموزش و تحصيلات عالی، کارکنان حمل و نقل، پيشه وران شهر و ده و ساير کارکنان عرصه های توليدي و خدماتي که از طريق فروش نيروي کار خویش امرار معيشت می نمايند و قدرت انباشت سرمايه را ندارند همه و همه در مناسبات طبقاتي حاکم در کشور تحت استثمار و بهره کشی بی رحمانه و ستم قرار دارند؛ اينان همه گي برای رهايی خویش از يوغ ستم و استثمار چاره يی جز مبارزه هماهنگ، متحد و سازمان یافته ندارند.

کنګره ما امروز بنياد يک حزب متکی به طبقات زحمتکش و مدافع منافع دنيای کار رادرمقاطعه با زر اندوزان و زورمندان چپولگر کنونی، پي ريزی کرد. پایگاه اجتماعی این حزب را اقشار وسيع مردم افغانستان، اعم از کارگران، دهقانان، پيشه وران، روشنفکران دموکرات، فرهنگيان روشن نگر، استادان دانشگاه، آموزگاران، دانشجويان، کارمندان و کارکنان ادارات دولتي، موسسات تحصيلی، دوکتوران، متخصصان حرفه های خدمات اجتماعی، و ساير گروه های اجتماعی عدالتخواه تشکیل ميدهد این حزب وظيفه دارد تا با تجمع اقشار وسيع مردم در اطراف خود به مسايل امروز جامعه پاسخهای درخور سياسي، اقتصادی - اجتماعی و معنوی - فرهنگي را ارایه کند، نی اينکه به شعار پردازيهای انتزاعي و دور از واقعيت مشغول گردد. ما باور داريم که تاريخ با ماست چون ما در صف مدافعین راستين خلقهای افغانستان وکليه زحمتکشان جهان ايستاده يم. ...

حزب ما باور دارد که زحمتکشان افغانستان به ويژه کارکنان و پيشه وران کشور که زير شديد ترين استثمار طبقاتي قرار دارند و ستم مضاعف را در رابطه به تشديد تضاد کار و سرمايه از يک طرف و فشارهای ارتجاع قرون وسطايی و شبکه های ارتجاعی مافیایي از سوی ديگر متحمل ميگردند، فقط با ايجاد نهادها و تشکيلات متعلق به خود و با تلاش پيگير و همگانی ميتوانند به بهبود وضع اقتصادی - اجتماعی خویش نايل آيند و آرمانهای خود را برای ايجاد يک دنيای بهتر به واقعيت برسانند.

ما برآنيم که جنبشهای جوان کارگري، سندیکايی، پيشه وری و ساير حرکتیهای سازمان یافته زحمتکشان کشورمان، برای آنکه بتوانند نقش تاريخي خود را در برابر اين همه بی عدالتي و ستم و استثمار در اين مقطع زمانی پيچيده و خطير به خوبی ایفا کنند، به پيوند مستحکم با احزاب و سازمانهای واقعا دموکراتيک مترقی و آزاديخواه نیاز دارند.

امروز مبارزه برای دفاع از منافع زحمتکشان، دفاع از حقوق کارکران و کارکنان، مبارزه عليه بيکاري و مبارزه برای حق حیات بيکاران و تأمين نیاز های اوليه برای زنده ماندن آنان و حق داشتن يک شغل دايمي برای همه و مبارزه با عوامل ايجاد کننده اين بيکاريهای گسترده، به عنوان مجموعه يک مبارزه همگانی ملي و دموکراتيک در سرخط وظايف مبارزاتی بشریت مترقی و همه نهادهای عدالت خواه از جمله حزب ما قرار گرفته است. حزب ما با قاطعيت به شما عهد می بندد که در مبارزه برای تأمين منافع و دفاع از حقوق تان با شما همراه، همگام و در کنار شما است.

## پیام کنگره اساسگذار حزب نوین مردم افغانستان

## عنوانی نسل جوان و بالنده کشور

مؤرخ ۲۶ عقرب ۱۳۹۵

جوانان عزیز،

خرسندیم که شادباشهای صمیمانه خود را از تربیون حزب نوین مردم افغانستان به شما فرهیخته گان تقدیم میکنیم.

از چهار دهه به این سو کشور عزیز ما، هم به دلیل خبط و خطاهای راهبردی پراتیک سیاسی حزب - دولت دموکراتیک، هم به دلیل مداخله ها، توطئه ها، دسایس پنهان و آشکار ارتجاع منطقه و حامیان بین المللی اش و هم به خاطر رویکرد ضد مردمی و ضد دموکراتیک نیروهای ارتجاعی قرون وسطایی، درگیر بحران سیاسی - اجتماعی گردیده است. با دریغ این بحران روز تا روز و مرحله به مرحله با ابعاد گسترده و پیچیده، ادامه یافته و از توده های فقیر و زحمتکش کشور بی رحمانه قربانی می گیرد.

مردم افغانستان که پیش از آن هم در نتیجه سیاستهای محافظه کارانه و ضد مردمی دستگاه سلطنت، زیر سیطره مناسبات ظالمانه اجتماعی - اقتصادی، ناگزیر به تحمل انواع ستم و استبداد، فقر و تیره روزی بوده اند، با تشدید و عمیق شدن بحران فراگیر سیاسی - اجتماعی در چهل سال پسین نیز مظلومانه بار سنگین جنگ، رقابتهای قدرت طلبانه، فروپاشی نهاد های اقتصادی و شکننده گی روز افزون ساختارهای سیاسی - اجتماعی را به دوش میکشند.

لشکر کشی مستقیم ناتو - امریکا از پی فروپاشی حاکمیت قرون وسطایی طالبان، با وعده های فریبی احیای ساختار دولتی، برگردانی ثبات و آرامش سرتاسری، بازسازی ویرانه های جنگ و تأمین رفاه اقتصادی - اجتماعی، تحقق و نهادینه سازی دموکراسی و آزادیهای مدنی همراه بود، اما تجربه پانزده سال اخیر نشان داد که بر رغم شعارهای اغواگرانه، هیچ نشانه یی که سعادت جامعه ما را ضمانت کند، در چشم انداز نیست و برعکس کشور ما در اثر سیاستهای غیر مردمی و معطوف به حفظ منافع حامیان خارجی نظام کنونی، به سرعت به مسیر نابودی و فروپاشی کامل به پیش می رود.

در یک چنین وضعیت حزب ما، به مثابه مدافع مطالبات و منافع اقشار و لایه های تهیدست و فقیر جامعه با پیشکش نمودن برنامه عمل دادخواهانه و دموکراتیک، انتظار دارد تا با مشارکت توده های مردم و به ویژه نسل بالنده، آگاه و فرهیخته جوان کشور به منظور تحقق آرمانهای حق طلبانه مردم بی دفاع ما، فعالیت های گسترده سیاسی آزادخواهانه را، راه اندازی کند.

با توجه به ظرفیت و انرژی فعال نسل جوان کشور، باور ما این است که باید جوانان به عنوان نسلی که آینده کشور با دستهای شان رقم میخورد همین امروز در امور مربوط به انسجام و سازماندهی روند های سیاسی و رهبری جامعه، سهیم گردند.

تحقق کامل اهداف مطرح شده در برنامه عمل حزب ما، تنها با حضور فعال و همکاری گسترده درس خوانده های جوان که خوشبختانه از سطح بالای آگاهی و تخصص و اراده آهنین برای تلاش در جهت پیشرفت و اعتلای جامعه برخوردار اند، امکان پذیر خواهد شد.

ما با همین انتظار و آرزومندی، نیروهای گسترده جوانان کشور را به کار و تلاش مشترک در راستای برون رفت از وضعیت اسفبار کنونی و استقرار یک نظام واقعاً دموکراتیک، معطوف به منافع اکثریت محروم و ستمدیده کشور، صمیمانه فرا میخوانیم و خاطر نشان می سازیم که از همین امروز آماده راه اندازی گفتگوهای سازنده و باز با حلقات، سازمانها، انجمنها و اتحادیه های متشکل کننده جوانان برای ایجاد فضای باهمی، همسویی و کار مشترک هستیم.

-----  
**دهواد د خوان او ودی په حال کی نسل ته**  
**د افغانستان د خلکو نوی گوند د بنسټ ایښوونکی کنګرې پیغام**  
**د ۱۳۹۵ کال د لړم ۲۶**

د ږنو ځوانانو،

خوشاله یو چي له دي تربیونه خپل د مینې ډک او د خوینی پیغام تاسو د لور فرهنگ خاوندانو ته وړاندې کړو.

له څلورو لسيزو را پدې خوا زموږ هېواد هم د دېموکراتیک گوند - دولت د تېروتنو او نادودو کړو وړ له لامله او هم د سیمه ایزې ارتجاع او دهغه د نړیوالو پلویانو له خوا د درغلی، لاسوهنی، پټو او برېښو توطیو او دسیسو له لامله او همداراز د منځنیو پیریو دارتجاعی شاتګیال ځواکونو دوګرني ضد او دېموکراتیک ضد کړو وړو له لامله د یو سیاسي - ټولنیز ناخوالي سره مخ شوی دی. په خواشیني سره چي دا ناخوالی ورځ تر ورځ او پړاو په پړاو په پراخیدو او کړکېچن کېږو سره د هېواد بیوزله او تش لاسه زیار کینان بلهاري کوي.

د افغانستان خلک چي تر دي دمخه هم د سلطنتی ځواک د محافظه کاری او وګرڼیز ضد سیاستونو له لامله د یو ظالمانه ټولنوتیز (اجتماعی - اقتصادی) اکر تر اغېز لاندې د ناهیلې له کبله یی ډول ډول ستم، زبېښاک، لوړه او بدې ورځې په زعمو مجبور ول، لاهم دڅلورو لسيزو د زور ځواکی جګړو او د ټولنی سیاسي - ټولنیز ادانی د ویجاړیدو دروند پېټی پر اوږو وړي.

د طالبانو د منځنی پېړی د ځواک له نړیدو وروسته، د ناتو - امریکا سیده پرغل چي پر درواغو وعدو لکه: ددولتي ادانی بیارغول، د پراخ آرامی او ټیکو بیا پلی کول، د جګړو نه د پاتی شونو ړنگو کډوالو بیا ودانول، د ټولنیزو آزادیو، خپلواکيو او ددېموکراسی بنسټ ایښوولو سره مل وو، خو د تېرو ۱۵ کلونو تجربو دا راوښود چي د درغلیو نه ډکو شعارونو سره سره نه یوازی هیڅ یوه داسي نښه چي د ټولنی د نېکمرغی ژمندوی وی په سترګ ارت (چشم انداز) کی نه لیدل کیږی، بلکه زموږ هېواد د نادودو او غیر وګرڼی سیاستونو له لامله چي موخه یی د اوسني ځواکمن نظام د بهرنیو پلویانو د ګټو ساتل دی، له پرزا (سقوط) سره مخ شوی او د ټولیز منځه تللو پر لوری پر مخ درومی.

په داسي اکر کی زموږ گوند، د ټولنی دتشلاسو او بیوزلو پوړونو د ګټو د ساتندوی په توګه د یو دېموکراتیک او نیاو پال کړنلار په وړاندې کولو سره هیله من دی چي د وګړو، په ځانګړی توګه د مخ پر ودې ځوان نسل پر مټ زموږ د بی وزلو خلکو د نیاو غوښتونکو کارنده (فعالیت) پیل کړی.

د ځوان نسل د زور او کارنده انرژی باندی پر ډاډ سره باور لرو چي ځوانان دي، چي زموږ راتلونکی به ددوی پر لاس جوړ شي، همدانن د ټولنی د سازمانی او سیاسي بهیر په سمولو او لوری ورکولو کی ګډون وکړي.

زموږ د گوند په کړنلاره کی دکنټرول شویو موخو رښتیاښه (تحقق) یوازی دځوان لوستي او روښاندو په شتون کی چي له نیکه مرغه دهېواد د ودی او پرمختګ په لاره کی له لوری پوهی، تخصص او ټینګ نیت خاوندان دی، کېدونکی دی.

موږ په همدی هیله او نیت د هېواد پراخ ځوان ځواک ګو کارته رابولو تر څو هېواد له دي ناخوالی اکر نه د ایستلو او د یو رښتینی دېموکراتیک نظام په ټینګولو کی چي د ډیر یو ګټی پکی خوندي وی زموږ مرستندوی شی. یادونه کړو چي موږ همدانن د سازمانونو، ټولنو او د ځوانانو د ادانیزو ټولنو سره د رښته خبرو اترو، ګډ کار او ګډی همغږی فضا د رامنځته کولو لپاره چمتو یو!

## فشرده سخنرانی عبدالله نایبی، رئیس حزب نوین مردم افغانستان

### در گردهمایی اعلام موجودیت حزب

۲۷ عقرب ۱۳۹۵

حضر گرامی، دانشمندان، فرهنگیان و شخصیت‌های سیاسی، افتخار دارم که در برابر شما سیمایه‌های براننده سیاسی از نام حزب نوین مردم افغانستان صحبت می‌کنم.

با برگزاری این گردهمایی خواستیم تا نگرشها، اهداف و اصول کارکردی نهاد سیاسی را که برپا داشته ایم، با شما در میان بگذاریم و همزمان تحلیلها و برداشتهای مان را از وضعیت کنونی جامعه افغانی به طور اجمالی به شما پیشکش نماییم.

بر همه گان روشن است که وضعیت سیاسی یا عرصه سیاسی کشور عمدتاً در اختیار نیروهای قرار دارد که از نگاه ماهیت و وابسته گیهای بیرونی شان با هم شباهت و قرابت دارند. این نیروها چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون مسلحانه و سیاسی با منافع مردم افغانستان بیگانه اند. در کنار این نیروهای فعال و درگیر باهم، نیروی دیگری که بتواند از طریق پایگاه یک اپوزیسیون دموکراتیک و مردمی به گونه مؤثر و فعال در عرصه سیاسی حضور داشته باشد، متأسفانه وجود ندارد. نبود چنین نیروی منسجمی به معنای آن نیست که مردم افغانستان از داشتن ظرفیتهای سیاسی برای شرکت در سرنوشت سیاسی کشور بی بهره اند. خوشبختانه این ظرفیتهای وجود شماری از سازمانهای ترقیخواه و نهادهای جوانان، روشنفکران، شخصیت‌های براننده سیاسی و جامعه مدنی وجود دارند ولی به گونه پراکنده و ساختار نیافته و در نتیجه غیر مؤثر بروضعیت کشور.

ایجاد ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان یکی از اقدامهای شایسته برای متشکل ساختن نیروهای مترقی و دموکرات کشور بود. تشکل سه عضو این ائتلاف در حزب نوین مردم افغانستان در واقعیت امر مرحله جدیدی از تحقق اهداف این ائتلاف است. فعالیتهای حزب ما، حزب نوین مردم افغانستان در مطابقت با پلتفورم سیاسی - تشکیلاتی ائتلاف سیر خواهد کرد و ما جداً برای ایجاد آن حزب دموکرات و مترقی سراسری که هدف نهایی ائتلاف است، تلاش خواهیم کرد.

حزب نوین مردم افغانستان خود را حلقه وصلی می‌پندارد که در گام نخست مردمی ترین نیروها، شخصیتها و مبارزان دادخواه را (که برهان وجودی شان خدمت به انسان مظلوم و زیر ستم باشد) در یک نهاد استوار سیاسی متشکل بسازد و از طریق این هسته فعال و پیشرو، مجموع حرکت دموکراتیک و ترقیخواه را تا سطح یک الترناتیف سیاسی برای وضعیت کنونی، تعالی بخشد. آشکار است که با این برنامه و با این هدف، حزب نوین مردم افغانستان وظیفه ویژه‌ی را در برابر خود قرار داده است زیرا برآن است که تا یک حزب بزرگ به حیث ممثل مطالبات و منافع توده های مردم در وضعیت حضور نیابد، وضعیت کنونی دگرگون نخواهد شد.

حزب نوین مردم افغانستان در رابطه با نظام اندیشه‌ی دیروزی جنبش دموکراتیک برخوردار نقادانه دارد. آن جهانی‌بینی علمی که رازهای دگرگونی جوامع و سیر تحولات تاریخ بشری را بر بنیاد زنده گی مادی و مشخص آدمها در چوکات مناسبات معین اجتماعی - اقتصادی توضیح می‌دهد، همچنان در مقام یک نگرش روشنگر و علمی به حیث مشعلی فرا راه بشر قرار دارد. آن جهانی‌بینی با برخورد علمی اش به حیث مجموعه‌ی از تیوریهای باز، غنی شونده، تحول پذیر و تکامل یاب در دسترس نیروهای پیشرو جهان قرار دارد. روشنفکری افغانی برای درک واقعیت‌های جامعه افغانی، ناگزیر است به این جهانی‌بینی به حیث یک مرجع علمی و یک اسلوب تفکر، رجوع نماید. اما تبدیل کردن این نگرش علمی به یک فلسفه دولتی و یک ایدیالوژی درون بسته یک حزب واحد حاکم، بزرگترین مصیبتی بود که می‌شد بر سر آن آورد. آن جهانی‌بینی علمی در بستر نقد همه ایدیالوژیها یعنی در بستر نقد همه نظامهای فکری بسته، قالبی و مطلق گرا قوام پذیرفت و خود را به حیث یک بینش تاریخی یعنی مقید به زمان معرفی کرد. تبدیل کردن آن به یک چوکات خشک فکری باعث شد تا انحرافها و حتی فجایع ضد بشری به نام دفاع از آن صورت پذیرند.

حزب ما هرگونه رویکرد قشری ایدیالوژیک را مردود شمرده، تحلیلها و کارکردهای خود را بر اساس یک خوانش علمی از واقعیت اجتماعی در خط کلی دفاع از انسان و به خصوص انسان مظلوم، استوار می‌سازد.

## اعلام اساسگذاری حزب نوین مردم افغانستان

در همایشی که به تاریخ ۲۷ عقرب ۱۳۹۵ در شهر کابل دایر گردید حزب نوین مردم افغانستان اعلام موجودیت کرد. در این گردهمایی افزون بر اعضای حزب نامبرده، شماری از رهبران و نماینده گان احزاب و سازمانهای چپ و مترقی کشور و برخی شخصیت‌های جنبش دادخواه شرکت کرده بودند.

در آغاز عبدالله نایبی، رئیس منتخب کنگره اساسگذار حزب نوین مردم افغانستان، طی یک سخنرانی ماهیت سیاسی و اندیشه‌ی و شیوه های کارکردی حزب را معرفی کرد. سپس پیامهای تبریکی شماری از نهادها و شخصیت‌های سیاسی عنوانی حزب نوین مردم افغانستان خوانده شدند. در پایان پیامهای کنگره حزب نوین مردم افغانستان به زنان و دختران افغانستان، کارگران و کارمندان و پیشه وران، جوانان و احزاب و شخصیت‌های مترقی خوانده شدند. گردهمایی در فضای دوستانه با ابراز امیدواری برای پیروزی اهداف حزب نوین مردم افغانستان خاتمه یافت.

# آینده

## د افغانستان د خلکو نوی گوند مرکزی ارگان

\*\*\*

صاحب امتیاز: حزب نوین مردم افغانستان

سکرتر مسوول: عصمت نایب خیل

\*\*\*

آدرس سایت

www.nawine-mardom.de

آدرس تماس:

asmat\_n@hotmail.com

### تحت نظر هیئت تحریر:

پوهندوی عبدالرازق اسمر، پوهاند دوکتور مجاور احمد زیار، پوهاند محمد آصف گلزاد، احمد ضیا صدیقی سپهر، دستگیر هژیر، حمید مجمر، عصمت نایب خیل